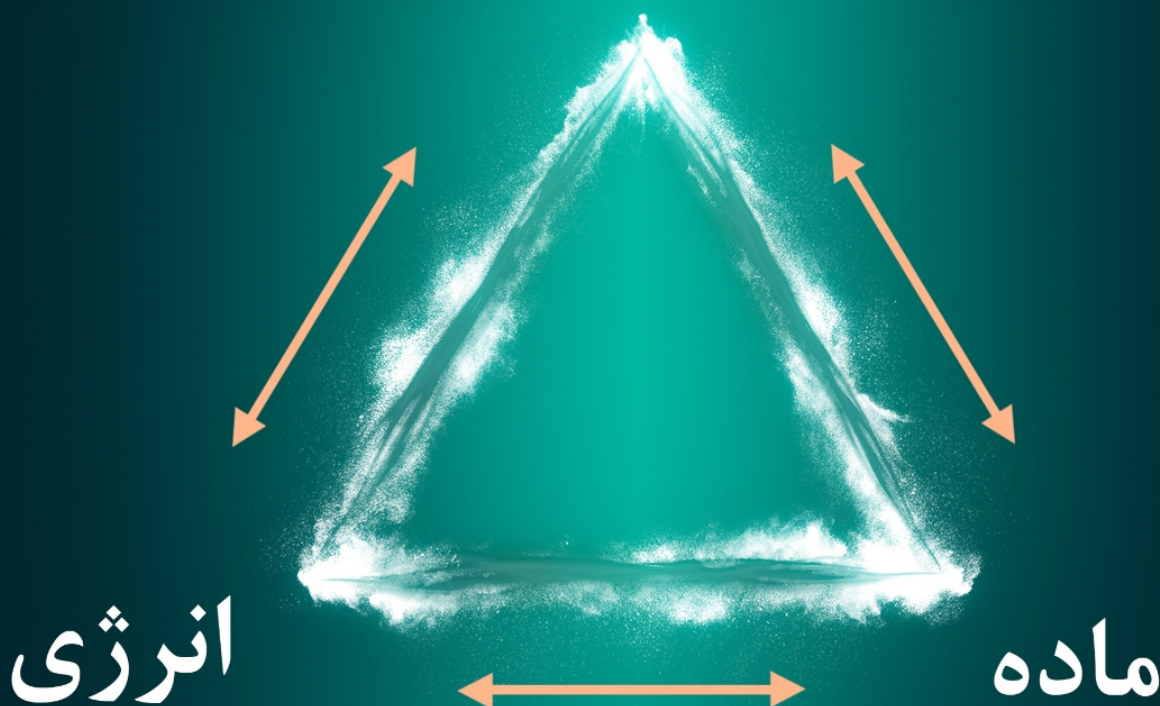


اولین ژورنال تحقیقات علمی در حوزه شعور (ط)

شعور (ط)



تأثیر میدان های شعوری (ط)
بر ذهن و روان (سایمنتولوژی)

ژورنال علمی کازمو اینتل

Vaughan, Canada

WWW.JOURNALOFCOSMOINTEL.COM

Interuniversal Press

ژورنال علمی کازمو اینتل

Vaughan, Canada

سرمقاله

ژورنال کازمواینتل در سال ۱۴۰۰ شمسی (۲۰۲۲ میلادی) بنیان نهاده شد. کازمواینتل، یک ژورنال چند رشته ای با دسترسی آزاد است که بر تحقیقات مربوط به حوزه شعور (ط) تمرکز دارد. به دلیل حجم قابل ملاحظه تحقیقات ارسالی توسط نویسندگان، انتشار مطالب در ژورنال کازمواینتل محدود به جدول زمانی معینی نبوده و بطور مستمر و پیوسته در جریان است. دسترسی به ژورنال کازمواینتل برای همه کاربران رایگان است. برای اطمینان از دریافت و به روزرسانی شماره‌های منتشر شده و اخبار مربوطه، امکان ثبت نام در سایت فراهم خواهد شد. این ژورنال بر انتشار نتایج پژوهش‌های علم ساینس‌فکت تمرکز دارد و توسط موسسه تحقیقاتی کازمواینتل منتشر می شود. ژورنال کازمواینتل مقالات علمی مربوط به پژوهش‌های حوزه میدان‌های شعوری (ط) در زمینه‌های علوم مهندسی، پزشکی، علوم اجتماعی و انسانی را منتشر می کند. با توجه به این که ساینس‌فکت بر روی تأثیرات میدان‌های شعوری (ط) تمرکز دارد که برای دنیای علم موضوع جدیدی می باشد و هنوز متخصص و کارشناسی در این زمینه وجود ندارد، بنابراین امکان دآوری آکادمیک به معنای متعارف در دنیای علم، بر روی این مقالات وجود نخواهد داشت؛ هرچند که همگی مقالات منتشره کازمواینتل، تحت یک فرآیند مشخص توسط دپارتمان علمی توسط پژوهشگران و ویراستاران تحت بررسی دقیق و جامع قرار می گیرد. امید است این ژورنال مطالبات بررسی عملکرد میدان‌های شعوری (ط) را به طور گسترده ای افزایش داده و بتواند از طریق نتایج آزمایشگاهی و قابلیت تکرارپذیری آنها، این دانش نو را به اثبات برساند تا در آینده به عنوان علم نوین، پایگاه گسترده ای از محققان آموزش دیده و مجرب ایجاد کند و بتواند فرآیند دآوری آکادمیک معمول در دنیای علم را نیز فراهم نماید.

موسسه تحقیقاتی کازمواینتل مرکز اصلی نظارت بر مطالعات میدان‌های شعوری (ط) است که منحصر بر اساس اصول علم ساینس‌فکت بنا شده است. برای اطلاعات بیشتر



محمدعلی طاهری
بنیانگذار و نئوری شعور (ط)



www.journalofcosmointel.com

در این زمینه، لطفاً به وبسایت www.cosmointel.com مراجعه فرمایید.

محمدعلی طاهری محقق، نوآور و متفکر علم شهودی است که از بیش از ۴۰ سال پیش، به واسطه نظریه‌های متعدد خود نظیر وجود «شبکه شعور کیهانی» و «میدان‌های شعوری (ط)»، شناخته شده است. «شعور (ط)» علاوه بر ماده و انرژی به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده کیهان معرفی و تعریف می‌گردد و میدان‌های شعوری (ط) نیز به عنوان میدان‌های غیر مادی/غیر انرژیایی از آن مشتق می‌شوند. میدان‌های شعوری (ط)، میدان‌های کیفی منحصر به فردی هستند که ماهیت غیر مادی/غیر انرژیایی دارند، اما به شکل مستقیم بر ماده و انرژی شامل انسان حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، مولکول، سلول و ذره تاثیر دارند. بر همین اساس و با در نظر گرفتن این کاربرد عملی شعور (ط)، دو طب مکمل **فرادرمانی و سایمنتولوژی** بنیانگذاری و معرفی شده است.

محمدعلی طاهری در سال ۲۰۲۰، علم نوین «ساینسفکت» را معرفی نمود که در آن از علم رایج به عنوان ابزاری برای اثبات اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی استفاده می‌شود. هر چند علم تنها می‌تواند روی ماده و انرژی مطالعه نماید، اما ساینسفکت و علم رایج یک نقطه مشترک دارند و آن امکان انجام آزمایش‌های مختلف تکرارپذیر در آزمایشگاه می‌باشد که ماده و انرژی تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. آنچه علم ساینسفکت را از علم متمایز می‌نماید، بررسی و استفاده از میدان‌های شعوری (ط) است، چرا که آن‌ها صرفاً از طریق تاثیرشان بر روی دنیای ماده و انرژی و زیستی قابل شناسایی هستند و از هیچ طریق دیگری نمی‌توان آن‌ها را ردیابی نمود. ژورنال کامواینتل که از سال ۲۰۲۲ توسط محمدعلی طاهری تاسیس گردیده است و مدیریت می‌شود، یک ژورنال کاملاً علمی است که پژوهش‌هایی معتبر در مورد میدان‌های شعوری (ط) منتشر می‌کند. هرگونه پژوهش علمی با رعایت ضوابط اخلاقی و استانداردهای انتشار منطبق بر معیارهای ژورنال کامواینتل و تحقیقات مربوط به شعور (ط) واجد شرایط انتشار می‌باشند.

کامواینتل برای انجام پژوهش‌های علمی در مورد میدان‌های شعوری (ط)، دستورالعمل‌هایی را مقرر نموده و در رشته‌های مختلف از جمله زیست‌شناسی، زیست‌شناسی شعوری (ط)، فیزیک، مهندسی، علم مواد، پزشکی، علوم اعصاب، روان‌شناسی و غیره نتایج را در ژورنال اختصاصی خود منتشر می‌نماید. از دیدگاه طاهری، شعور (ط) نه ماده است و نه انرژی، اما ماده و انرژی هر دو از شعور (ط) منتج می‌شوند. به این شکل که در صورت لزوم امکان تبدیل شدن به شعور (ط) و بالعکس را دارند. شعور (ط) از طریق میدان‌های شعوری (ط) عمل می‌کند و می‌تواند در ذهن ماده ایجاد تغییر نماید. اخیراً وجود ذهن ماده توسط آزمایش‌های ساینسفکت به اثبات رسیده است. نتایج این آزمایش‌ها نشان می‌دهند که میدان‌های شعوری (ط) قادر می‌باشند یک حافظه ماده جدید را برای ذهن ماده بازنویسی کنند. بسته به انواع مختلف میدان‌های شعوری (ط)، انواع متفاوتی از حافظه ماده و برنامه‌ریزی‌های مختلفی شکل می‌گیرند. مطابق این آزمایشات، ماده بدون هیچگونه فرایند فیزیکی یا شیمیایی، اطلاعات را در خود ثبت می‌کند. این برای نخستین بار است که در تاریخ شعور، چنین پدیده‌ای به شکل عملی در آزمایشات علمی نشان داده می‌شود.

شعور (ط) از زیر مجموعه‌های متضادی که شامل شعور و ضد شعور می‌باشند تشکیل شده که این موضوع برای نخستین بار است که در تاریخ معرفی می‌شود. در این رابطه همچنین شعور (ط) از دسته‌ها و توابعی مانند شعور ثابت و شعور متغیر تشکیل شده است. توجه به این نکته ضروری است که تئوری‌های پیوند شعوری، ارتباط عام ذرات، شارژ شعوری، ذهن اشتراکی و بارداری شعوری و بسیاری موارد دیگر که برای نخستین بار مطرح گردیده است در دهه‌های گذشته تحت آزمایش‌های مختلف آزمایشگاهی و میدانی قرار گرفته است؛ و در تجارب ذهن اشتراکی و



بارداری شعوری، تئوری انتقال اطلاعات به کمک شعور (ط) نیز برای نخستین بار ارائه شده است. براساس آموزه‌های مکتب عرفان کیهانی حلقه و مفاهیم تئوری مطرح شده، شعور (ط) در دیدگاه طاهری با تمام دیدگاه‌هایی که تا به امروز در مورد مفهوم شعور مطرح شده است، بطور کامل متفاوت است. از اینرو، به منظور تمایز بین شعور در دیدگاه طاهری و سایر دیدگاه‌های ارائه شده در طول تاریخ، این نظریه را شعور طاهری و در زبان انگلیسی، T-Consciousness می‌نامیم.

کلیه مقالات در یکی از فازهای زیر انجام می‌شوند:

فازهای مطالعاتی میدان‌های شعوری (ط) در علم ساینسفکت

علم جدید ساینسفکت با معرفی حوزه شعور (ط) به عنوان جزیی غیرمادی و غیرانرژیایی از جهان هستی که تحت عنوان میدان‌های شعوری (ط) قابل تجربه در حوزه‌های مختلف علم متعارف است، در حال برداشتن گامی بی سابقه در دنیای علم است. در متدولوژی علم مدرن، تجارب آزمایشگاهی در دنیای علم رایج همواره مورد توجه محققان بوده است و دستاوردهای ناشی از آن، معیاری محکم برای پذیرش یا رد فرضیه‌های مطرح در دنیای علم بوده است. نقطه اشتراک علم نوین ساینسفکت بعنوان یک حوزه جدید در مطالعات علمی با علم رایج، امکان انجام آزمایشات تکرارپذیر در بخش ماده و انرژی می‌باشد. از اینرو، با هدف بررسی اثربخشی، تایید و بررسی مکانیسم عمل میدان‌های شعوری (ط) معرفی شده در علم جدید ساینسفکت، مراحل زیر برای رسیدن به یافته‌های علمی و طراحی متدهای آزمایشی ساینسفکت پیشنهاد می‌شود:

مطالعات فاز صفر - بررسی وجود و تاثیرگذاری میدان‌های شعوری (ط)

هدف از طراحی این فاز مطالعاتی، بررسی صرف تاثیرگذاری میدان‌های شعوری (ط) فارغ از کاربرد آن‌ها در آزمون‌های تکرارپذیر استاندارد آزمایشگاهی است. نتیجه حاصل از مطالعات در این فاز، صرفاً وجود میدان‌های شعوری (ط) را در یک مطالعه استاندارد و محدود تایید می‌کند. نکته مهم در مطالعات این فاز، سادگی و حذف متغیرهای متعدد و چندگانه، با هدف نتیجه‌گیری از تحلیل مستقیم داده‌های آزمایش‌ها و تایید وجود میدان‌های شعوری (ط) است. طراحی صحیح شرایط آزمون با متغیرهای حداقلی، تایید تکرارپذیری نتایج مطالعه شده با تشریح بسیار دقیق شرایط آزمون طراحی شده و ثبت تمامی جزییات تاثیرات میدان‌های شعوری (ط) از نکات اصلی و متمایز مطالعات در این فاز به شمار می‌آید.

مطالعات فاز اول - بررسی تنوع اثرگذاری بر اساس میدان‌های شعوری (ط) مختلف:

بعد از فاز صفر، که مطالعه بر روی وجود میدان‌های شعوری (ط) و طراحی یک آزمون استاندارد برای تایید وجود میدان‌های شعوری (ط) می‌باشد، بررسی انواع میدان‌های شعوری (ط) و تنوع پاسخ‌های احتمالی در سیستم تحت مطالعه، قدم بعدی مطالعات ساینسفکت در حوزه میدان‌های شعوری (ط) بشمار می‌رود. در این مرحله محققان بعد از تایید وجود میدان‌های شعوری (ط) در فاز صفر، به تنوع پاسخ‌های احتمالی در نتیجه مواجهه با میدان‌های شعوری (ط) می‌پردازند و با مستندات علمی موجه و تکرارپذیر، به تشریح نتایج حاصل شده در این سیستم مطالعاتی می‌پردازند. ذکر شرایط استاندارد مطالعه، قید جزییات تاثیرات میدان‌های شعوری (ط) و اثرگذاری انواع میدان‌های شعوری بر موضوع تحت

مطالعه و گزارش صحیح و دقیق (با اعمال آزمون‌های آماری مورد تایید)، بدون تحلیل‌های جانبی از مکانیسم عمل و تاکید صرف بر روی مشاهدات، از نکات اصلی و مورد توجه در مطالعات این فاز بشمار می رود.

مطالعات فاز دوم - بررسی چرایی (انواع) اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط):

برقراری ارتباط بین نتایج مطالعات انجام شده فازهای قبل و مبانی آموزه‌های علم ساینس‌فکت که معرفی کننده میدان‌های شعوری (ط) و تاثیرات آنها می‌باشد، در مطالعات این فاز صورت می‌گیرد. در این فاز، ضمن برآورده شدن اهداف مطالعات فاز صفر و یک، محققان تحلیل‌های صحیح و دقیقی ارائه می‌دهند تا ارتباط بین مبانی تعالیم طاهری و گزارشات حاصل از نتایج تحقیقات منطبق با استانداردهای مورد تایید ساینس‌فکت در موضوع شعور (ط)، به روشنی مشخص گردد.

برای مثال در مطالعه سلولی فاز دوم، بعد از مشاهده تکثیر سلول‌ها در محیط کشت و پس از ارائه داده‌های تاییدکننده وجود میدان و ارائه ی اثرات متفاوت احتمالی میدان‌های شعوری (ط)، به تشریح نتایج بدست آمده بر اساس شعور حاکم بر سلول در محیط کشت منطبق بر اصول آموزه‌ها می‌پردازیم. دقت در برقراری ارتباط صحیح و دقیق بین نتایج بدست آمده و نص صریح آموزه‌ها (بدون برداشت شخصی محقق) از نکات حائز اهمیت و کلیدی در مطالعات این فاز به شمار می رود.

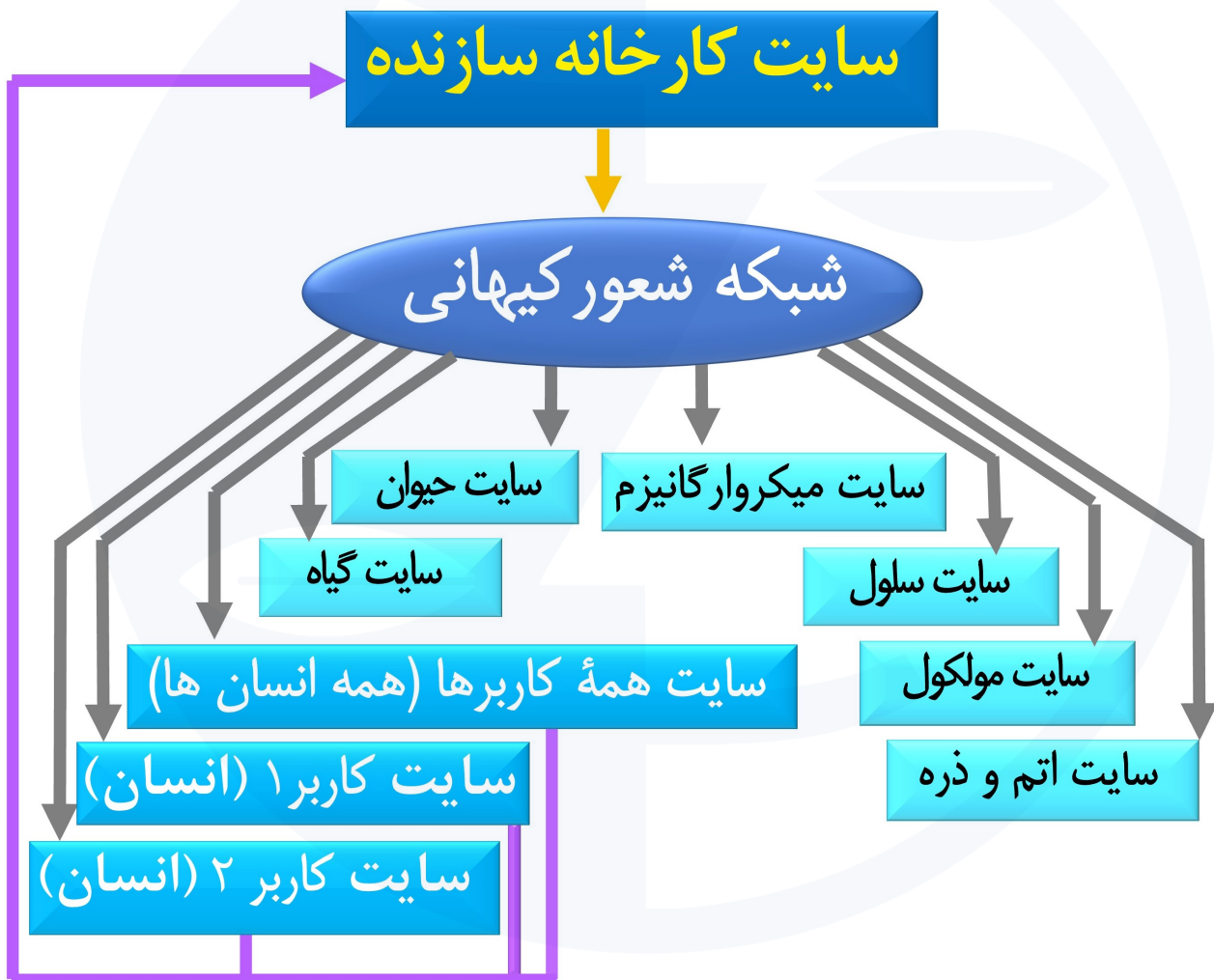
مطالعات فاز سوم - بررسی مکانیسم و چگونگی اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط):

پیشرفته‌ترین شکل آزمون‌های طراحی شده در حوزه ی میدانهای شعوری (ط)، مطالعات فاز سوم است. در این مطالعات بعد از گذر از سه مرحله ی پیشین در مطالعات مقدماتی توسط محققین، و با انجام آزمون‌های تکمیلی و تایید کننده، چگونگی اثربخشی میدان‌های شعوری (ط) در سطح سیستم تحت مطالعه بطور موشکافانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. طراحی آزمون به صورت بسیار دقیق، ارائه تحلیل‌های کافی و مستدل مطابق روش علمی و تسلط کافی به مبانی آموزه‌های این حوزه و مبانی میدان شعوری (ط) از نیازمندی‌های مطالعات در این فاز است. در مطالعات این فاز امکان ارائه تئوری جدید علمی مبتنی بر نتایج تجربی امکانپذیر است.

مطالعات فاز چهارم- نتیجه گیری‌های کلان از جمله در خصوص ذهن و حافظه ماده و...



شبکه شعور کیهانی یا اینترنت کیهانی



ژورنال علمی کازمو اینتل

اولین ژورنال تحقیقات در حوزه شعور (ط)

فهرست مطالب



بررسی شاخص‌های اضطراب، افسردگی، استرس، کیفیت زندگی و میزان فراوانی، شدت و مدت حملات میگرنی تحت تاثیر میدان‌های شعوری طاهری سایمتولوژی

۸

مقایسه اثر بخشی رفتار درمانی و سایمتولوژی در کاهش اضطراب زنان

۱۶

بررسی تاثیر میدان‌های شعوری طاهری بر کاهش اختلالات شخصیت مرزی در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک روانشناسی در پایتخت ایران

۲۴

بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمتولوژی بر ادراک از خدا، در افراد مراجعه‌کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

۳۴

بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمتولوژی بر معنای زندگی، در افراد مراجعه‌کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

۴۴

بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی، در افراد مراجعه‌کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

۵۶

بررسی فرآیند عملی خلاقیت و نوآوری برای بهبود کیفیت آموزشی با کمک هوش باطنی تحت تاثیر میدان شعوری فرادرمانی

۶۶

مقایسه تعریف هوش در روانشناسی و سایمتولوژی

۷۶



بررسی شاخص‌های اضطراب، افسردگی، استرس، کیفیت زندگی و میزان فراوانی، شدت و مدت حملات میگرنی تحت تاثیر میدان‌های شعوری طاهری سایمنتولوژی

ثریا بهبودی^۱، محمدعلی طاهری^۲

خلاصه

سایمنتولوژی یکی از رشته‌های طب مکمل ایرانی است که توسط محمدعلی طاهری درباره ذهن و روان‌شناسی معرفی شده است و بیش از ۴۰ سال قدمت دارد. این طب مکمل نگاهی فرا کل نگر به انسان دارد. هدف آن شناخت انسان، نرم افزار وجودی او و تشخیص و درمان مشکلات روانشناختی انسان از طریق ارتباط بین موضوع مورد مطالعه و شبکه شعور کیهانی است. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر میدان‌های شعوری (ط) سایمنتولوژی بر شاخص‌های سردرد و اختلالات روانی ناشی از میگرن مزمن (مانند افسردگی، اضطراب و استرس) و کیفیت زندگی بیماران بود. در این مطالعه، از بین بیماران مراجعه کننده به کلینیک میگرن در تهران (پایتخت ایران) با میگرن مزمن که توسط متخصص مغز و اعصاب تایید شده بود، ۳۰ بیمار (۲۲ زن و ۸ مرد با سنین بین ۱۸ تا ۶۰ سال) به طور تصادفی انتخاب شدند. بیماران به دو گروه شاهد و گروه آزمایش تقسیم شدند. قبل از شروع مطالعه، هر یک از آنها پرسشنامه‌های MSQ ۷۲/۱ (پرسشنامه کیفیت زندگی ویژه میگرن) و DASS۴۲ (مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس) را زیر نظر متخصصان تکمیل کردند. علاوه بر این، آنها یک فرم میگرن دریافت کردند که مطابق با استانداردهای IHS (انجمن بین المللی سردرد) طراحی شده بود تا در طول مدت درمان یادداشت برداری کنند. دو گروه از مطالعه حاضر درمان معمول میگرن خود را زیر نظر پزشکان آغاز کردند. همچنین، گروه آزمایش توسط محققین مطالعه حاضر توجیه شدند تا از جلسات درمانی سایمنتولوژی برای تکمیل فرآیند درمان استفاده کنند. روش سایمنتولوژی شامل ۱۲ جلسه، یک بار در هفته، به مدت ۹۰ دقیقه و با حضور در جلسات بود. پس از ارائه تئوری مورد نظر روش مطالعه، در گروه آزمایش، بیماران به مدت ۲۰ دقیقه تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) این روش قرار گرفتند. پس از تکمیل تعداد جلسات سایمنتولوژی و تکمیل سه ماه درمان مرسوم میگرن توسط دو گروه بیمار، مجدداً پرسشنامه‌های مذکور تکمیل شد و کارشناسان فرم‌های تکمیل شده را در این مدت مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب ۲۳، ۲۰ و ۱۳ درصد در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل به طور معنی داری کاهش یافت (P-value > ۰/۰۵). از سوی دیگر، با توجه به مطالعه کوتاه مدت سه ماهه سردردهای میگرنی مزمن، تاثیر آن بر کیفیت زندگی در این مطالعه معنی دار نبود. در شاخص‌های سردرد، میدان‌های شعوری (ط) سایمنتولوژی بر شدت و طول مدت حملات میگرنی تاثیر معنی داری داشت. فراوانی حملات به دلیل علائم برون ریزی (همانطور که قبل از شروع مطالعه به بیماران توضیح داده شد) ۲۲٪ بیشتر از گروه کنترل بود (p-value = ۰/۰۰۴). از سوی دیگر، طول مدت حملات میگرن در بیماران تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) سایمنتولوژی کاهش حدود ۲ درصدی را نشان داد (p-value = ۰/۰۰۹).

۱. نویسنده مسئول: گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

۲. بخش تحقیق و توسعه Sciencefact، مرکز تحقیقات Cosmointel Ltd، انتاریو، کانادا.

*نویسنده مسئول:

گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

پست الکترونیکی: behbudi1368s@gmail.com

کلیدواژه‌ها: میگرن، اضطراب، افسردگی، استرس، کیفیت زندگی، سایمنتولوژی، میدان‌های شعوری طاهری (TCFs)

مقدمه

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۱ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

بر اساس این تئوری، میدان‌های شعوری (ط)^۲ متنوع با عملکردهای مختلفی وجود دارد که زیرمجموعه‌ی شبکه اینترنت کیهانی به نام شبکه شعور کیهانی یا CCN هستند. تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

علم جدید ساینس‌فکت در سال ۲۰۲۰ توسط محمدعلی طاهری، بنیانگذار مکتب عرفان کیهانی حلقه به عنوان یکی از زیر مجموعه های این مکتب، معرفی شده است. نام «ساینس‌فکت»، به این دلیل انتخاب شده است که از تحقیقات علمی به منظور تایید وجود شعور به عنوان یک «وجود مسلم» (فکت) استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینس‌فکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینس‌فکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است.

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection)

بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود. اتصال توسط ذهن فرادمانگر (فرد آموزش دیده ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود. این میدان‌ها مستقیماً قابل اندازه گیری توسط علم نیستند، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های تکرار پذیر بررسی کرد [۱].

پایه‌ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن، **فرض اولیه:** شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است، **حکم:** وجود «شعور (ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود، **برهان:** تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در **فاز صفر:** اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور پرداخته نخواهد شد. **فاز اول:** به بررسی تنوع اثر گذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد. **فاز دوم:** چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند. **فاز سوم:** بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد. نهایتاً، **فاز چهارم:** نتیجه گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و

۱. Taheri Consciousness Fields.

۲. منظور از میدان‌های شعوری (ط) همان طاهری است.



یافته های تحقیق و مشاهدات بالینی

طب مکمل (و جایگزین) در حال حاضر به طور گسترده در سراسر جهان توسعه یافته، استفاده می شود. به عنوان مثال طب سوزنی، هومیوپاتی، داروهای گیاهی و استئوپاتی به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرند و به طور فزاینده ای پذیرفته می شوند. در بیشتر کشورهای دنیا بخصوص کشورهایی مانند امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان که خود از سردمداران طب غربی هستند از طب مکمل در کنار پزشکی رایج به منظور تشخیص و درمان بیماری ها استفاده می کنند. علم «پزشکی رایج» طب غربی نام دارد، اما در واقع طب غربی، تنها یکی از رویکردهای بشر است. در کنار این روش شیوه های دیگری از پزشکی نیز وجود دارند که با تفاوت هایی در اصول، قواعد و راه های تشخیص و درمان سعی در بازگرداندن سلامتی به افراد بیمار و جلوگیری از بیماری در افراد سالم دارند [۹].

مجموعه این روش ها را با نام هایی مانند طب مکمل و یا طب جایگزین در سراسر جهان می شناسند که تفاوتشان با طب رایج در روش های تشخیص، درمان، و یا هر دو آنها است. از این بین می توان از یک سو به رویکردهای کهن نظیر طب سنتی ایران، طب سنتی هند (آیورودا) شفا بخشی با دست ها، طب سنتی بومیان آمریکا و از سوی دیگر روش هایی با قدمت کمتر مانند: هومیوپاتی، استیوپاتی، کایروپراکتیک و غیره می توان اشاره نمود [۱۰].

سایمنتولوژی نیز طب مکمل است که توسط محمدعلی طاهری پایه گذاری شده است. ذهن و روان را با دیدگاه فراکلنر مطالعه می کند. هدف اصلی سایمنتولوژی شناخت انسان، نرم افزار وجودی انسان، تشخیص و درمان اختلالات روانی ناشناخته است.

مطابق نظریه ی فراکلنگری، تعریف بیماری عبارت است از: وجود هرگونه اختلال، انسداد، صدمه و عدم تعادل در هریک از بی نهایت اجزای تشکیل دهنده ی وجود انسان. بنابراین اگر انسان از بی نهایت اجزای مختلف برخوردار باشد از این رو، اسکن و اصلاح آن جز با کمک یک هوشمندی

حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت. میگرن یک اختلال عصبی-روانشناختی است که در اثر افزایش تحریک پذیری دستگاه عصبی مرکزی ایجاد می شود [۲]. میگرن شایعترین نوع سردرد مزمن می باشد که براساس معیارهای انجمن بین المللی سردرد به صورت سردردی عود کننده خوش خیم، معمولا یک طرفه و ضربان دار است که به مدت ۴ تا ۷۲ ساعت طول می کشد و معمولا شامل تهوع، استفراغ و سایر نشانه های کارکرد عصبی است که به صورت های مختلف ظهور می کند [۳].

دو الگوی اصلی میگرن، میگرن بدون اورا و میگرن با اورا هستند. عوامل ژنتیکی در میگرن با اورا مهمتر از میگرن بدون اورا است [۴].

شیوع میگرن در مناطق جغرافیایی مختلف متفاوت است. برخی از مطالعات نشان داده اند که شیوع میگرن در کشورهای آسیایی کمتر از کشورهای غربی است. ونگ در مقاله مروری بر مطالعات اپیدمیولوژیک قبلی نشان داد که شیوع میگرن از ۱۴/۴-۱۱/۳ درصد در زنان و ۶/۷-۳/۶ درصد در مردان متغیر است [۵]. در مطالعات اروپا و آمریکا شیوع یکساله آن ۱۵-۱۰ درصد برآورد شده است. در آفریقا مطالعات بر مبنای جامعه، شیوع ۷/۲-۲/۹ درصد را گزارش نموده اند [۶]. علت تفاوت در شیوع مطالعات ذکر شده می تواند به خاطر تفاوت های نژادی باشد، به طوریکه در یک متا آنالیز نشان داده شد که بیشترین میزان بروز میگرن در آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی دیده می شود و در آسیا میزان آن بسیار کمتر است [۷].

مطالعات کلینیکی و فراگیر نشان داده است سردردهای اولیه خصوصا میگرن ها تاثیر متقابل و یا رابطه دو سویه با افسردگی واضطراب دارد. بیماران افسرده از لحاظ بروز میگرن ریسک بیشتری از بیماران غیر افسرده دارند. بیماران افسرده با سردرد روزانه مزمن، بیشتر از کسانی که سردرد دوره ای دارند رنج می برند به ویژه آنها که سردردشان منتقل شده است. افسردگی و اضطراب ممکن است سردرد را افزایش بدهد و همبستگی متقابل بین میگرن، افسردگی، اضطراب و مشکلات روانشناختی دیگر پدید آید [۸].

عظیم امکان پذیر نیست.

بر اساس پروتکل‌هایی در وب سایت مدیریت تحقیقات در میدان‌های شعوری (ط) (www.COSMOintel.com) قرار گرفتند. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی برای استفاده از میدان شعوری فرادمانی را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش مربوط به «اعلام نظر» قرار داد. درخواست نظر و ارتباط برای همگان رایگان می‌باشد. به منظور تجربه میدان‌های شعوری (ط) و انجام پژوهش در این زمینه، در هر زمانی و در هر مکانی، محققین پس از ثبت نام در وب سایت ذکر شده، بعضی از مشخصات آزمایش مورد نظر را به مرکز راهنما گزارش می‌نمایند. برای مثال، شماره نمونه‌ها، کنترل و نام قراردادی آنها باید مشخص گردد.

این پژوهش به روش نیمه تجربی با گروه کنترل انجام شده است. از بین کلیه بیماران مبتلا به میگرن مراجعه کننده به یک کلینیک درمانی در تهران، ۳۰ بیمار به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از انجام پیش آزمون، گروه ۳۰ نفره به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. به هر یک از اعضای گروه یک پرسشنامه برای ثبت مدت، شدت و فراوانی درد میگرن داده شد. سپس گروه کنترل تحت درمان دارویی در کلینیک قرار گرفتند و از اعضای گروه آزمایش خواسته شد در جلسات حضوری سایمنتولوژی و گروه درمانی شرکت کنند. پیش آزمون و پس آزمون شامل DASS۴۲ [۱۲] و MSQ۱۴ [۱۳] بود و نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و با استفاده از آمار توصیفی، شاخص‌های مرکزی و تحلیل کوواریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های پژوهشی

گروه های آزمایش و کنترل بر اساس سن، جنس و تحصیلات مورد ارزیابی قرار گرفتند که در جدول و نمودارهای زیر نشان داده شده است (جدول ۱ و شکل ۱).

نوع دیدگاه و نحوه عمل در سایمنتولوژی

در مورد درمان انسان دو مداخله وجود دارد:

مداخله سخت افزاری: درمان‌هایی که بخش فیزیکی انسان را در نظر گرفته و به انسان به عنوان سخت افزار نگاه می‌کند و متکی به معاینه فیزیکی و درمان‌های دارویی هستند و همه‌ی پدیده‌ها از منظر شیمیایی بررسی می‌شوند.

مداخله نرم افزاری: درمان‌هایی که بخش‌های برنامه‌ریزی پشت صحنه‌ی وجودی انسان را مورد توجه قرار داده، اتکا به معاینه‌ی فیزیکی و درمان‌های دارویی ندارند. سایمنتولوژی گروهی از این درمان‌ها بوده، به اصلاح نرم‌افزاری و درمان بیماران کمک می‌کند. بنابراین سایمنتولوژی چارچوبی است که هیچ مداخله سخت افزاری در ابعاد وجودی انسان ندارد [۱۱].

در حقیقت، امروز جامعه ایران در آغاز راه استفاده از روش درمانی مکمل قرار گرفته است، لذا دستیابی به اطلاعات صحیح و علمی درباره این شیوه‌های درمانی چه برای پزشکان و چه بیماران یک امر ضروری است. با توجه به این حقیقت که میگرن یک بیماری پیچیده و ناتوان کننده است و تاثیر زیادی بر عملکرد انسان دارد و از جمله بیماری‌هایی است که اثرات نامطلوب خود را بر همه ابعاد زندگی فرد از جمله کیفیت زندگی می‌گذارد، به همین دلیل سوال این است آیا سایمنتولوژی اثر مطلوبی در فراوانی، شدت و مدت حملات میگرنی و همچنین اضطراب، افسردگی، استرس و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به میگرن دارد؟

روش تحقیق

روش استفاده از میدان های شعوری(ط)

نمونه‌های مورد مطالعه تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط)

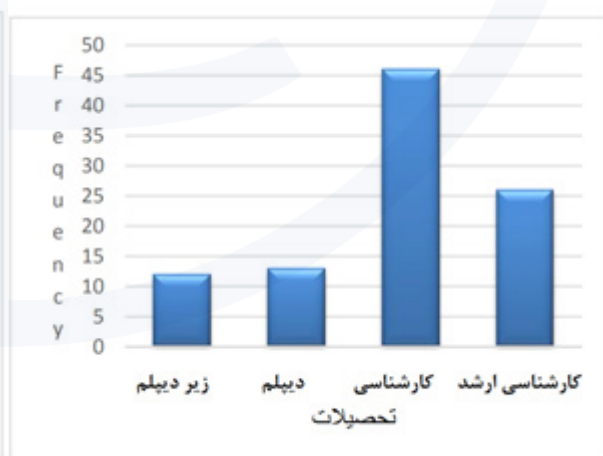
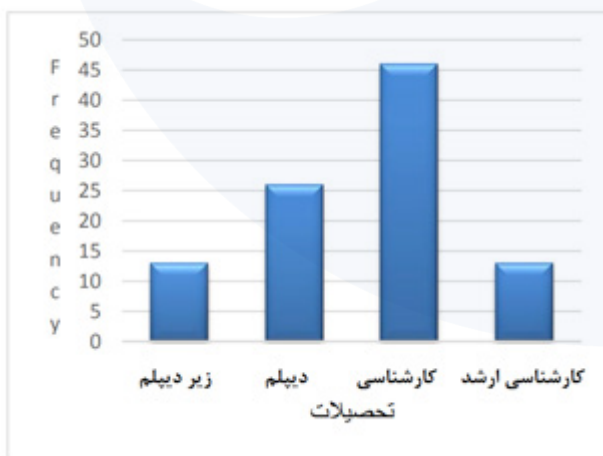
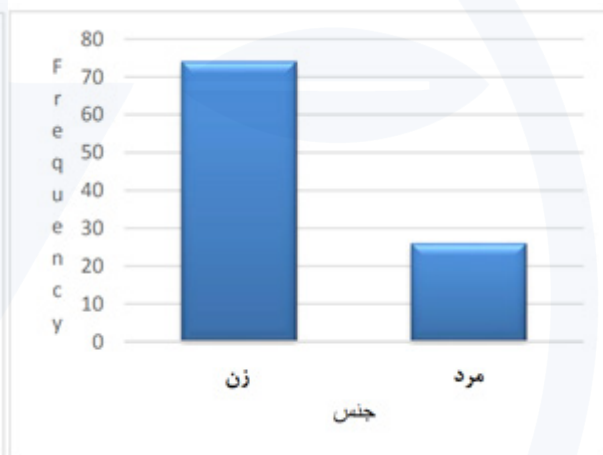
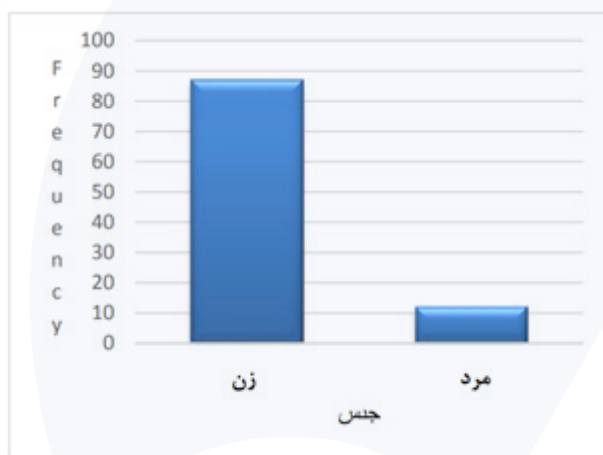
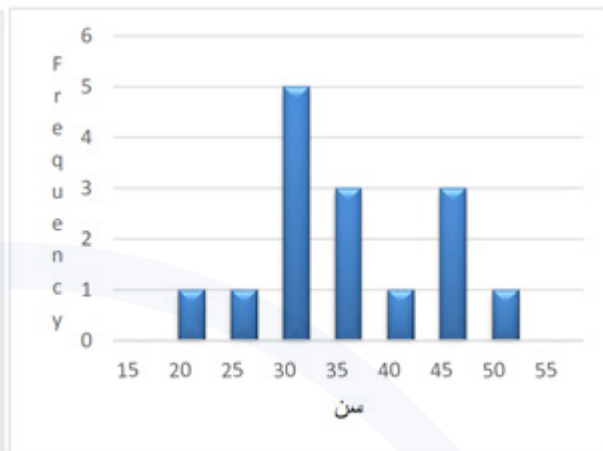
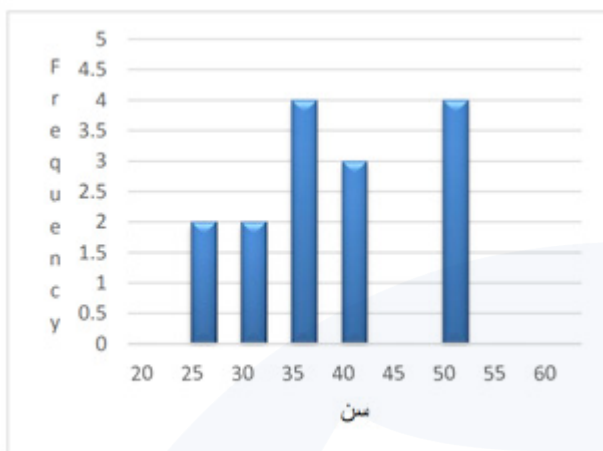


جدول ۱: آمار گروه های آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده	متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده				
فراوانی حملات میگرنی	کنترل	۹,۴۳۵	میزان اضطراب	کنترل	۱۴,۰۱۸				
	آزمایش	۱۱,۴۹۹		آزمایش	۱۳,۸۱۵				
متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار	متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار
فراوانی حملات میگرنی	پیش آزمون	۵۷۳,۷۵۷	۲۱,۹۰۴	۰,۰۰	میزان اضطراب	پیش آزمون	۲۰۰۵,۷۹۸	۱۷,۸۹۹	۰,۰۰
متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده	متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده				
شدت حملات میگرنی	کنترل	۵,۷۹۵	میزان افسردگی	کنترل	۱۱,۰۱۵				
	آزمایش	۵,۷۳۱		آزمایش	۸,۵۱۹				
متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار	متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار
شدت حملات میگرنی	پیش آزمون	۵۰,۷	۱۶,۴۶۵	۰,۰۰	میزان افسردگی	پیش آزمون	۱۱۲۱,۶۰۶	۳۱,۶۲۶	۰,۰۰
متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده	متغیر	گروه	متوسط تنظیم شده				
مدت حملات میگرن	کنترل	۱۴,۰۱۸	میزان استرس	کنترل	۱۶,۹۷				
	آزمایش	۱۳,۸۱۵		آزمایش	۱۴,۸۲۸				
متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار	متغیر	گروه	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار
مدت حملات میگرن	پیش آزمون	۲۰۰۵,۷۹۸	۱۷,۸۹۹	۰,۰۰	میزان استرس	پیش آزمون	۴۳۶,۸۱۵	۱۶,۳۱	۰,۰۰
متغیرها		گروه ها		متوسط تنظیم شده					
کیفیت زندگی		کنترل		۴۸,۷۰۱					
		آزمایش		۶۳,۲۹۹					
متغیرها	گروه ها	حوزه های اصلی	مقادیر ثابت آماری	سطح معنی دار					
کیفیت زندگی	پیش آزمون	۵۷۳,۵۸	۲,۰۴۵	۰,۱۶۴					

گروه آزمایش

گروه کنترل



شکل ۱: نمودارهای گروه آزمایش و کنترل



نتایج

سایمنتولوژی بر روی بیماران مبتلا به میگرن گروه آزمایش انجام شد. بر اساس سن، جنس و تحصیلات در نمودارها و در تحلیل کوواریانس، فراوانی درد در مقایسه با گروه کنترل در سطح معنی داری $0/05$ افزایش یافت. اما شدت و مدت درد در بیماران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل با سطح معنی داری کمتر از $0/05$ کاهش نشان داد. از طرفی افسردگی، اضطراب و استرس در بیماران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل با سطح معنی داری کمتر از $0/05$ کاهش یافت. اما بر اساس تحلیل کوواریانس، کیفیت زندگی در هر دو گروه یکسان بود.

بحث و نتیجه گیری

مبارزه با بیماری یکی از مهمترین مبارزات بشر در طول زندگی بوده است و رویای پیروزی یکی از بزرگترین آرزوهای او را شکل داده است. میگرن یک بیماری مزمن است که بار قابل توجهی بر بیمار تحمیل می‌کند.

طبق مطالعه‌ای که در تحقیقات دیگر انجام شد، به نظر می‌رسد که طب مکمل می‌تواند هم بر دردهای میگرنی و هم اختلالات روانی مربوط به آن تاثیر گذار باشد. برای مثال: در یک پژوهش د-مانینکور و همکاران (۲۰۱۶) که ۱۰۱ نفر بیمار میگرنی با علایم افسردگی و اضطراب در یک کارآزمایی تصادفی کنترل شده با مداخله یوگا به مدت ۶ هفته مورد بررسی قرار گرفتند و پرسشنامه افسردگی و اضطراب (Dass، ۲۱) پیش آزمون و پس آزمون از آنها گرفته شد و با مداخله یوگا برای گروه آزمایش این دو گروه مقایسه شدند و نتایج نشان داد که یوگا بر میزان افسردگی و اضطراب آنها تاثیر مثبت داشت [۱۴].

وینسنت و همکارانش در سال ۱۹۹۶ بر روی بیش از ۲۵۰ بیمار طی تحقیقی تمرینهای سه طب مکمل شامل طب سوزنی، استئوپاتی و همیوپاتی با پرسشنامه رتبه بندی ۲۰ پاسخ بالقوه برای تمایل به درمان طب مکمل انجام دادند و دلایلی که به شدت تعیین کردند که چرا طب مکمل برای مشکلاتش نسبت به درمان پزشکی رایج موثرتر است. زیرا فرد معتقد است طب مکمل او را قادر میکند نقش فعال تری در حفظ سلامتی اش داشته باشد در صورتی که طب رایج

برای برخی از مشکلات مؤثر نیست. پنج عامل شناخته شده به ترتیب اهمیت: ارزیابی مثبت درمان طب مکمل، غیر مؤثر بودن درمان‌های رایج برای شکایت‌هایشان، نگرانی در مورد عوارض دارویی، نگرانی در ارتباط با پزشکان و اهمیت کمتر دسترسی طب مکمل بودند [۱۵].

از سوی دیگر، هدف پژوهش حاضر بررسی اثر سایمنتولوژی بر بیماران میگرنی بود که در اثر سردردهای فراوان و ناتوان کننده دچار مشکلات روحی و اختلالاتی مانند افسردگی، اضطراب و استرس هستند، مسلماً این گونه بیماران از کیفیت زندگی پایینی برخوردارند در نتیجه با خرج هزینه‌های گزاف دست به درمان‌های متعدد می‌زنند و عوارضی هم شامل حال آنها خواهد شد و از آنجا که طب مکمل سایمنتولوژی بدون عوارض است و در جهت رفع مشکلات روحی، کمک به کاهش درد می‌کند و با انجام این مطالعه، بیماران مبتلا به میگرن از نظر شدت و مدت درد و همچنین اضطراب، افسردگی و استرس روند خوبی را طی کردند و میزان آنها کاهش پیدا کرد، ولی میزان کیفیت زندگی با گروه کنترل تفاوت قابل توجهی نداشت که احتمال می‌رود به زمان بیشتری برای سنجش کیفیت زندگی نیاز بود. همچنین فراوانی حملات میگرنی به دلیل علائم برون ریزی (همانطور که قبل از شروع مطالعه به بیماران توضیح داده شد) به طور قابل توجهی (۲۲٪) بیشتر از گروه کنترل ($p\text{-value}=0/004$) بود. از طرفی طول مدت حملات میگرن در بیماران تحت مداخله کاهش حدود ۲ درصدی را نشان داد ($p\text{-value}=0/009$).

نتیجه‌ی این مطالعه و ادامه فرایند درمان روی سردردهای میگرن و اختلالات مربوط به آن، در مدت زمان طولانی‌تر و بیماران بیشتر قابل توجیه است و نتیجه می‌گیریم که سایمنتولوژی می‌تواند به عنوان یک طب مکمل بر دردهای میگرنی و اختلالات روانی ناشی از آن تاثیر گذار باشد.

در ارتباط با تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌شود که سایر بیماری‌های روان تنی نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. پیشنهاد می‌شود برای اجرای پژوهش زمان بیشتری در نظر گرفته شود تا مولفه‌هایی مانند فراوانی حملات و کیفیت زندگی مورد سنجش واقع شوند.

تقدیم و تشکر

نویسندگان این مقاله از حمایت‌های دانشگاه آزاد قزوین و مرکز درد آرامش ایران تشکر می‌کنند. همچنین از کمک و ایده‌های سرکار خانم مهرناز منزوی قدردانی می‌کنیم.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ تضاد منافی را اعلام نکردند.

منابع:

- [1]. Taheri M. A. (2013). Human from another outlook (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006
- [2]. Sadeghi, O. N. (Nineteenth year / 2015). The relationship between migraine and obesity: A review of available evidence. Scientific Journal of Qazvin University of Medical Sciences
- [3]. Shahandeh, M., Saffarinia, M., Solgi, Z., & Amirpour, B. (2016). The effect of psychosocial intervention on improving the quality of life of migraine patients. Third National Congress of Social Psychology of Iran., (pp. 27-28). Tehran.
- [4]. Ostad Sharif, M., Ghorbani, A., Salehi, M., & Memar, R. (2013). Is there a genetic correlation between the gene and the common form of migraine in Isfahan? Journal of Isfahan Medical School, Thirty-first year / No. 245.
- [5]. Wang, S. (2003). Epidemiology of migraine and other types of headache in Asia. Nerology Neuroscience report.
- [6]. Stewart wf, L. R. (1992). Prevelce of migraine headch in the United States.Relation to age, income, and other socidemographic factors. . JAMA.
- [7]. Scher AL, S. W. (1999). Migraine and headch : a meta analytic approach, In: Crombic IK, editor epidemiology of pain. Seattle WA:IASP, press: 70-159.
- [8]. Zhang, M. X. (2017). Depression and anxiety behaviour in a rat model of chronic migraine. The jornal of headache of pain
- [9]. Bozorgi, M. R. (2013). The Relationship between Attachment Styles to God, Patience and Self-Esteem among Undergraduate Students, University of Tehran, M.Sc. Thesis, University of Tehran
- [10]. Landin, R. (1998). Theories and schools of psychology. [F. S. Mortazavi Nasiri, Ed., & Y. Seyed Mohammadi, Trans.] Virayesh. Retrieved 1378
- [11]. Taheri, M. A. (2011). Psymetology. first volume. Tehran: Cosmic Erfan Publications.
- [12]. Norton, P.J. (2007). Depression Anxiety and Stress Scales [DASS-21]: Psychometric analysis across four racial groups. Anxiety, Stress & coping. 20(3), 253-265
- [13]. Jhingran,O.,Osterhaus, J.T., Miller, D.W., Lee, J.T., Kirchdoerfer, L.(1998). Development and Validation of the Migraine-Specific Quality of Life Questionnaire, Headache journal of head and face pain. 38(4), 295-304
- [14]. De Manincor, M. A.-L. (2016). individualized yoga for reducing depression and anxiety, and improving well- being:A randomized controlled trial.
- [15]. Vincent, C., & Furnhan, A. (1996). Why do patients turn to complementary medicine? An empirical study.British jornal ofClinical psychology, 35,37-48.



مقایسه اثر بخشی رفتار درمانی و سایمتولوژی در کاهش اضطراب زنان

زهرا رسولی^۱، محمدعلی طاهری^۲

خلاصه

این پژوهش با هدف مقایسه اثر بخشی رفتار درمانی و ذهن روان‌شناسی فراکل نگر (سایمتولوژی) معرفی شده توسط محمدعلی طاهری در کاهش اضطراب زنان مراجعه کننده به مجتمع پزشکی شهر فردیس سال ۱۳۹۳-۹۴ انجام شد. روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون بود. روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس با واگذاری تصادفی با تعداد نمونه ۴۵ نفر بودند که به صورت تصادفی به سه گروه واگذار شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه اضطراب زانک استفاده شد. اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل کوواریانس و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد، میزان اضطراب زنان در گروه شاهد با افراد تحت درمان سایمتولوژی، تفاوت معناداری داشت ($P < 0/01$). میزان اضطراب زنان در گروه رفتار درمانی با گروه سایمتولوژی تفاوت معناداری داشت ($P < 0/05$) و میزان اضطراب در گروه سایمتولوژی با گروه شاهد و سایمتولوژی با رفتار درمانی تفاوت معناداری داشت ($P < 0/05$). به نظر می‌رسد درمان سایمتولوژی نسبت به دو گروه دیگر مؤثرتر بوده است. در کل نتایج پژوهش نشان داد که هر دو روش مداخله، سایمتولوژی و رفتار درمانی در کاهش اضطراب زنان مؤثر بودند اما میزان اثربخشی سایمتولوژی در کاهش اضطراب، بیشتر از رفتار درمانی بود.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، گروه
روان شناسی عمومی، قزوین، ایران.

۲. بخش تحقیق و توسعه Sciencefact،
مرکز تحقیقات Cosmointel Ltd .،
انتاریو، کانادا

*نویسنده مسئول:

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین،
گروه روان شناسی عمومی، قزوین،
ایران.

پست الکترونیکی:
zahra_nr@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: رفتار درمانی، سایمتولوژی، اضطراب، میدان‌های شعوری طاهری

مقدمه

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۱ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

بر اساس این تئوری، میدان‌های شعوری (ط)^۲ متنوع با عملکردهای مختلفی وجود دارد که زیرمجموعه‌ی شبکه اینترنت کیهانی به نام شبکه شعور کیهانی یا CCN هستند. تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند. علم جدید ساینس‌فکت در سال ۲۰۲۰ توسط محمدعلی طاهری، بنیانگذار مکتب عرفان کیهانی حلقه به عنوان یکی از زیر مجموعه های این مکتب، معرفی شده است. نام «ساینس‌فکت»، به این دلیل انتخاب شده است که از تحقیقات علمی به منظور تایید وجود شعور (ط) به عنوان یک «وجود مسلم» (فکت) استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینس‌فکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینس‌فکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این میدان‌ها مستقیماً قابل

اندازه‌گیری توسط علم نیستند، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های تکرار پذیر بررسی کرد (۱).

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection) بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود. اتصال توسط ذهن فرادمانگر (فرد آموزش دیده ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود.

پایه‌ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن، **فرض اولیه:** شکل‌گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است، **حکم:** وجود «شعور (ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود، **برهان:** تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد؛

هدف تحقیقات در **فاز صفر:** اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور پرداخته نخواهد شد. **فاز اول:** به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد. **فاز دوم:** چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند. **فاز سوم:** بررسی

۱. Taheri Consciousness Fields

۲. منظور از میدان‌های شعوری (ط) همان طاهری است.



رفتاری است. از آنجا که شخصیت انسان یک کل منسجم و تجزیه ناپذیر است، سلامت روانی کامل وی هنگامی محقق می‌شود که وحدت و انسجام این سیستم حفظ و اجزای زیستی، عاطفی، شناختی، اجتماعی و معنوی هماهنگ با یکدیگر در یک سیستم فراجانه‌ای و در ارتباط با کل هستی بتواند عمل نمایند.

روان‌درمانگران به روش‌های درمان یکپارچه و نوینی نیاز دارند که بتوانند با تاثیرگذاری یکپارچه و هماهنگ، کل وجود فرد را اعم از تمام کالبدها و ابعاد مختلف وجودی، تحت تاثیر قرار داده، همه‌ی شناخت‌ها، عواطف، هیجانات، رفتارها و مهم‌تر از همه بینش و شعور او را از طریق برقراری ارتباط با شعورکل (ط) هستی (ارتباط بین شعور جزء و کل) به صورت منسجم و هماهنگ تغییر داده، اصلاح کند تا بهبودی و سلامت روانی وی تامین شود.

فردرمانگرها، با استفاده از آموزه‌های سایمنتولوژی (ذهن_روان شناسی فراکل نگر) و روش‌های درمانی مبتنی بر استفاده از شعور الهی حاکم بر جهان هستی (ط)، سعی کرده اند یک روش زندگی هماهنگ با جهان آفرینش را به بوته آزمایش قرار دهند که راه تکامل و رشد انسان را هموار می‌کند و در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی بشری، او را راهنمایی و یاری می‌کند. محور این تفکر، دیدگاه سایمنتولوژی در مورد قوانین و شعور حاکم بر جهان هستی (ط) است که موانع رشد انسان را می‌شناسد و خطوط کلی اهداف و ارزش‌ها را در زندگی انسان ترسیم می‌کند. عامل اساسی سلامت روانی نیز، انسجام و توحید یافتگی شخصیت انسان با شخصیت حاکم بر جهان هستی (اکوسیستم) است و بهترین راه دستیابی به آن، تمرکز و تأکید بر درک اهداف متعالی و ارزش‌های معنوی حاکم بر جهان هستی است (۴).

اضطراب به حالتی اشاره دارد که به موجب آن، فرد بیش از اندازه درباره اتفاق افتادن چیز وحشتناکی در آینده نگران، تنیده، و ناراحت است. اضطراب هم عنصر شناختی و هم عاطفی دارد. وقتی مضطرب هستید، احساس می‌کنید اتفاق وحشتناکی روی خواهد داد که قدرت تغییر دادن آن

مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد. نهایتاً، **فاز چهارم:** نتیجه‌گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

فردرمانی و سایمنتولوژی دو طب مکمل معرفی شده توسط محمد علی طاهری هستند که از میدان‌های شعوری (ط) برای درمان اختلالات در ابعاد مختلف وجود انسان استفاده می‌کنند.

نیاز به نگاهی بدیع

بررسی‌های تاریخی بیانگر آن است که تقریباً در تمام دوره‌های تاریخ، جوامع انسانی با اختلالات روانی مواجه بوده و حکما و اندیشمندان با روش‌های گوناگون سعی در کنترل و درمان آن داشته‌اند. در ۱۰۰ سال اخیر، روانشناسان روش‌های درمانی فراوان و متنوعی پیشنهاد کردند، به طوری که به گفته کازدین (۲)، تا آن زمان، بیش از ۴۰۰ نوع روش درمانگری متفاوت پیشنهاد شده بود. با وجود تأثیرات درمانی انکار ناپذیر همه فنون درمانی ارائه شده، از آنجا که اغلب آنها تنها به یک یا چند بخش از ابعاد وجودی انسان توجه نموده‌اند، در حل معضلات روانی گسترده و فراگیر شخصیتی که همه‌ی ابعاد وجودی را از فلسفه، هدف و معنای زندگی گرفته تا روابط اجتماعی، ارتباطات میان فردی و الگوهای رفتاری، در بر می‌گیرد، توفیق چندانی نداشته است، زیرا همچنان که راجرز (۳)، پیشنهاد کرده است، اصرار روش‌های درمانی بر فنون سنتی و توجه نکردن به عنصر معنویت و دین، ناپایداری تغییرات در دراز مدت و درصد بالای عود بیماری و بازگشت به رفتارهای نابهنجار را دنبال داشته است. یکی از مهمترین دلایل شکست شیوه‌های تک مکتبی و تک رویکردی در درمان کامل و پایدار اختلالات روانی، ناتوانی آنها از توجه هماهنگ و یکپارچه به ابعاد چندگانه زیستی، روانی، اجتماعی، معنوی و کیهانی انسان در مواجهه با مشکلات روانی و نابهنجاری‌های

را ندارید. بعد روی نگرانی‌های درونی خود تمرکز می‌کنید، و درباره احتمال خطر یا تهدید، گوش به زنگ یا بیش از حد مراقب می‌شوید. (۵) پزشکی کل‌نگر سیستمی از خدمات سلامتی را به یک رابطه همکاری ترغیب می‌کند، رابطه‌ای که نتیجه آن دستیابی مطلوب به جنبه‌های جسمی، ذهنی، احساسی، اجتماعی و معنوی سلامتی است. این پزشکی بر نیاز به مشاهده کلیت شخص تاکید دارد و به تحلیل شرایط جسمی، تغذیه‌ای، محیطی، احساسی، اجتماعی، معنوی و شیوه زندگی فرد می‌پردازد. دیدگاه رفتاری که نسبتاً ساده است روی مفاهیمی تکیه می‌کند که می‌توان آنها را به صورت مقیاس‌های عینی درآورد، سادگی زیاد دیدگاه رفتاری به نظر تعدادی از روان‌شناسان مایه بدبختی آن نیز هست. به موجب آن، درمان جویان یاد می‌گیرند افکار مضطرب را تشخیص دهند، گزینه‌های منطقی‌تری را به جای نگران شدن جستجو کنند، و برای امتحان کردن این گزینه‌ها اقدام نمایند (۶). تاکید بر قطع کردن چرخه افکار منفی و نگرانی‌هاست. بعد از اینکه این چرخه قطع شد، فرد می‌تواند احساس کنترل بر رفتار نگران‌کننده را پرورش دهد و در کنترل کردن و کاهش دادن افکار اضطراب آور ورزیده شود. حساسیت‌زدایی منظم، بر این فرض قرار دارد که فرد می‌تواند در حالی که آرمیده است، از طریق نزدیک شدن تدریجی به محرک‌های ترسناک، بر اضطراب ناسازگارانه کاملاً چیره شود. با این حال، امکان دارد درمانگر به این نتیجه برسد که حساسیت‌زدایی منظم وقت‌گیر، غیر عملی، یا غیر ضروری است (۵).

اضطراب از منظر ذهن روان‌شناسی فراکل‌نگر (سایمنتولوژی)، وضعیتی است که فرد در آن، نگرانی و فشار روانی ناخوشایندی را احساس می‌کند و هشدار است که فرد را نسبت به یک موقعیت خطرناک یا نامطلوب، گوش به زنگ می‌سازد، مانند کسی که قرار است روز بعد در دادگاه حاضر شود و شب قبل از آن، احساسی ناخوشایند دارد که همان اضطراب است. اضطراب با نگرش فرد به حوادث جهان بیرونی، نوع و شدت آنها و نیز وجود حمایت محیطی مرتبط است و علاوه بر علایم روانی، با علایم

جسمی و تحریک سیستم عصبی همراه است که به شکل تپش قلب، تعریق، سردرد، احساس تنگی در قفسه سینه، بی‌قراری جسمی و ... بروز می‌کند (۷). در این پژوهش قصد داریم تاثیر رفتار درمانی و ذهن روان‌شناسی فرا کل‌نگر بر روی کاهش اضطراب زنان را با هم مقایسه کنیم. بنابراین این سوال اصلی تحقیق حاضر این است: آیا رفتار درمانی و ذهن روان‌شناسی فراکل‌نگر (سایمنتولوژی) در کاهش اضطراب زنان موثر است؟

لازم به ذکر است که همین نوع مطالعه قبلاً در روانشناسی در مورد سلامت عمومی و اضطراب انجام شده بود (۸)، (۹).

روش‌ها

کاربرد میدان‌های شعوری (ط) فرادمانی

موضوعات مورد مطالعه، تحت تأثیر میدان‌های شعوری (ط) بر اساس پروتکل‌هایی در وب سایت مدیریت تحقیقات در میدان‌های شعوری (ط) (www.COSMOintel.com) قرار گرفتند. درخواست نظر و اتصال رایگان است (در بخش مربوط به اعلام اتصال). به منظور مطالعه در هر زمانی و در هر مکانی، محققین پس از ثبت نام در وب سایت ذکر شده، آزمایش مورد نظر را به مرکز راهنما معرفی نمایند. برای مثال، شماره نمونه‌ها، کنترل و نام قراردادی آنها باید مشخص گردد.

پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری در این پژوهش تمام بیماران دارای علائم اضطرابی هستند که به مجتمع پزشکی در سال ۹۳-۹۴ مراجعه کرده‌اند. ۴۵ نفر از افراد مراجعه‌کننده دارای اضطراب، که سطح اضطرابشان با آزمون اضطراب زانک مشخص شد، به صورت نمونه‌گیری در دسترس به سه گروه ۱۵ نفره واگذار شدند. بر روی ۱۵ نفر از روش رفتاردرمانی و ۱۵ نفر دیگر از روش ذهن روانشناسی فراکل‌نگر و ۱۵ نفر دیگر به عنوان گروه شاهد هیچ‌گونه درمانی دریافت نکردند.

ابزار اندازه گیری : مقیاس خود سنجی زانک S.A.S (۱۰)

این مقیاس دارای ۲۰ سوال چهار گزینه ای بوده و بر مبنای نشانگان بدنی - عاطفی اضطراب تهیه شده است. امتیاز این مقیاس نسبت به مقیاس های مشابه در این است که مراجع، کمتر می تواند شیوه خاصی را در جواب هایش دنبال کند. زیرا از ۲۰ سوال استفاده شده در مقیاس تعدادی از سوالات (۱۶ سوال) بر نشانگان مثبت و برخی دیگر (۴ سوال) بر نشانگان منفی تاکید دارد. حسن دیگر این مقیاس این است که مقیاس رتبه ای را به فاصله ای تبدیل کرده (با استفاده از مقیاس درجه بندی که صفات کیفی را به کمی تبدیل می کند) و آزمون را به یک آزمون پارامتریک تبدیل ساخته است. اعتبار این مقیاس بیانگر همبستگی میان مقیاس اضطراب هامیلتون و مقیاس اضطراب زانک S.A.S بود و نشان می داد که بر اساس اطلاعات حاصل از اجرای دو مقیاس روی بیش از ۵۰۰ مورد و با استفاده از روش همبستگی پیرسون همبستگی میان دو آزمون S.A.S و H.A.S برابر ۷۱٪ ($r=0.7$) بوده است. برای محاسبه پایایی مقیاس S.A.S از روش ضریب انسجام نشان دهنده ضریبی برابر ۸۴ بود که بیانگر پایایی بسیار بالای این مقیاس می باشد.

به سه گروه ۱۵ نفره به صورت تصادفی تقسیم شدند. یک گروه در معرض رفتاردرمانی با شیوه حساسیت زدایی منظم، و گروه دیگر در معرض سایمنتولوژی و همچنین یک گروه نیز به عنوان کنترل در نظر گرفته شدند. دو گروه تست، در دو سطح حساسیت زدایی منظم و سایمنتولوژی به عنوان متغیر مستقل، و اضطراب به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. پیش آزمون قبل از اعمال مداخله و پس آزمون دو ماه بعد پس از اعمال آزمایشی انجام گردید و بر روی گروه کنترل هیچ مداخله ای صورت نگرفت. گروه اول، از طریق رفتاردرمانی با روش حساسیت زدایی منظم، به میزان هفت جلسه و در هر جلسه به مدت ۲۰ دقیقه، از طریق روان شناس، تحت درمان قرار داده شدند. گروه دوم نیز از طریق سایمنتولوژی، به میزان هفت جلسه و در هر جلسه ۲۰ دقیقه، از طریق روان شناس فرادمانگر، تحت درمان قرار داده شدند.

آنالیز آماری

از تحلیل کوواریانس برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

روش اجرا:

افراد بر اساس مصاحبه اولیه و پرسش نامه اضطراب زانک که در پرسش نامه نمره بالایی کسب نموده بودند و تأیید تشخیص بر اساس نظر روان شناس بوده است، آزمودنی های پژوهش، شامل ۴۵ نفر از زنان مبتلا به اضطراب بودند که

نتایج:

فرضیه ۱: رفتار درمانی (حساسیت زدایی منظم) در کاهش اضطراب زنان تأثیر دارد.

جدول ۱: آزمون تحلیل کوواریانس متغیر اضطراب زنان با شیوه رفتار درمانی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
Corrected Model	۰/۳۹۱۰	۲	۰/۱۹۶	۲/۵۰۲	۰/۱۰۱
Intercept	۰/۰۲۶	۱	۰/۰۲۶	۰/۳۳۸	۰/۵۶۶
پیش آزمون	۰/۱۲۳	۱	۰/۱۲۳	۱/۵۶۹	۰/۲۲۱
گروهها	۰/۲۰۴	۱	۰/۲۰۴	۲/۶۱۱	۰/۱۱۸
خطا	۲/۱۱۰	۲۷	۰/۰۷۸		
مجموع	۴۸۲/۳۶۴	۳۰			
جمع کل	۲/۵۰۱	۲۹			

خروجی جدول فوق نشان می دهد، $F = 1/56$ و $p = 0/2 > 0/05$ می باشد یعنی بین متغیر مستقل و همپراش (پیش آزمون) همبستگی رعایت نشده است. مقدار F متغیر مستقل (گروه ها) $61/2$ و $p = 0/1 > 0/05$ معنادار نیست یعنی بعد از خارج کردن متغیر همپراش (پیش آزمون)

اختلاف معناداری بین میانگین نمرات دو گروه (شاهد و رفتاردرمانی) در پس آزمون (میزان اضطراب زنان) وجود ندارد. یعنی فرضیه صفر تأیید و فرضیه محقق رد می شود.

فرضیه ۲: سایمنتولوژی در کاهش اضطراب زنان تأیید دارد.

جدول ۲: آزمون تحلیل کوواریانس متغیر اضطراب زنان با شیوه سایمنتولوژی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
Corrected Model	۱/۶۲۴ ^a	۲	۰/۸۱۲	۲۳/۵۰۹	۰/۰۰۰
Intercept	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۴۷	۰/۸۲۹
پیش آزمون	۰/۳۰۱	۱	۰/۳۰۱	۸/۷۰۶	۰/۰۰۶
گروه ها	۰/۸۹۸	۱	۰/۸۹۸	۲۵/۹۹۵	۰/۰۰۰
خطا	۰/۹۳۲	۲۷	۰/۰۳۵		
مجموع	۴۵۵/۱۲۶	۳۰			
جمع کل	۲/۵۵۶	۲۹			

خروجی جدول فوق نشان می دهد، $F = 8/70$ و $p = 0/06 < 0/05$ می باشد یعنی بین متغیر مستقل و همپراش (پیش آزمون) همبستگی رعایت شده است. مقدار F متغیر مستقل (گروه ها) $99/25$ و $p = 0/00 < 0/05$ معنادار است یعنی بعد از خارج کردن متغیر همپراش (پیش آزمون) اختلاف معناداری بین میانگین نمرات دو گروه (شاهد و سایمنتولوژی) در پس آزمون (میزان اضطراب زنان) وجود

دارد. یعنی فرضیه صفر رد و فرضیه محقق (H_1) تأیید می شود یعنی میزان اضطراب در گروه شاهد، بیشترین میزان و در گروه سایمنتولوژی کمترین میزان می باشد.

فرضیه ۳: میزان اثر بخشی رفتار درمانی (حساسیت زدائی منظم) و سایمنتولوژی در کاهش اضطراب زنان تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۳: آزمون تحلیل کوواریانس متغیر اضطراب زنان برای دو گروه مستقل متغیر رفتاردرمانی و سایمنتولوژی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
Corrected Model	۰/۵۰۸ ^a	۲	۰/۲۵۴	۳/۴۳۰	۰/۰۴۷
Intercept	۰/۰۲۲	۱	۰/۰۲۲	۰/۲۹۴	۰/۵۹۲
پیش آزمون	۰/۱۰۹	۱	۰/۱۰۹	۱/۴۶۸	۰/۲۳۶
گروه ها	۰/۳۱۷	۱	۰/۳۱۷	۴/۲۷۶	۰/۰۴۸
خطا	۲/۰۰۱	۲۷	۰/۰۷۴		
مجموع	۴۳۳/۳۰۳	۳۰			
جمع کل	۲/۵۰۹	۲۹			

خروجی جدول فوق نشان می دهد، $F = 1/48$ و $p = 0/2 > 0/05$ می باشد یعنی بین متغیر مستقل و همپراش (پیش آزمون) همبستگی رعایت نشده است. مقدار F متغیر مستقل (گروه ها) $27/4$ و $p = 0/04 < 0/05$ معنادار است، یعنی بعد از خارج کردن متغیر همپراش (پیش آزمون) اختلاف معناداری بین میانگین نمرات دو گروه (رفتار درمانی و سایمنتولوژی)

در پس آزمون (میزان اضطراب زنان) وجود دارد. یعنی فرضیه محقق (H_1) تأیید و فرضیه صفر رد می شود یعنی میزان اضطراب در گروه رفتاردرمانی، بیشترین میزان و در گروه سایمنتولوژی کمترین میزان می باشد. بنابر این یافته های فوق نشان می دهد سایمنتولوژی، درمان تأثیر گذارتری نسبت به رفتار درمانی در کاهش اضطراب است.



آزمون LSD

از ویژگی مهم آزمون LSD این می باشد که کمترین تفاوت معناداری بین گروه ها را نیز نشان می دهد.

جدول ۴: LSD آزمون پس تجربی

گروه (I)	گروه (J)	(I-J) تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد	Sig.	فاصله اطمینان ۹۵٪ پایین	بالا
شاهد	رفتار درمانی	.۱۶۵	.۰۹۱	.۰۷۹	-.۰۲۰	.۳۴۹
	سایمنتولوژی	.۳۷۰*	.۰۹۴	.۰۰۰	.۱۸۰	.۵۵۹
رفتار درمانی	شاهد	-.۱۶۵	.۰۹۱	.۰۷۹	-.۳۴۹	.۰۲۰
	سایمنتولوژی	.۲۰۵	.۰۹۲	.۰۳۰	.۰۲۰	.۳۹۰
سایمنتولوژی	شاهد	-.۳۷۰*	.۰۹۴	.۰۰۰	-.۵۵۹	-.۱۸۰
	رفتار درمانی	.۲۰۵	.۰۹۲	.۰۳۰	-.۳۹۰	-.۰۲۰

شناس در سراسر جهان، تمام توان خود را برای درک و شناخت اختلالات روانی صرف کرده، با به کارگیری فنون مختلف و اجرای روش های درمان گری، تلاش گسترده ای را برای مهار اختلالات روانی و ناپهنجاری های رفتاری آغاز نمودند (۴).

«سایمنتولوژی» یا «ذهن-روانشناسی فراکل نگر» چارچوبی است که درمان از طریق آن به نحو نرم افزاری و بدون هیچ گونه مداخله سخت افزاری انجام می شود. در بینش فراکل نگر، هر جزئی در رابطه با سایر اجزا بررسی می شود. وقتی در این زمینه از واژه نرم افزار استفاده می کنیم در واقع به دنیای کامپیوتری این روزها اشاره داریم که در آن دستگاه ها دارای دو وجه می باشند: (۱) سخت افزار و (۲) نرم افزار، که در واقع نرم افزارها برنامه هایی هستند که می بایست بر روی سخت افزارها نصب شوند. این قیاس در مورد انسان و کل هستی نیز صدق می کند (۴).

جسم، روان، ذهن و سایر کالبدها و اجزای وجودی انسان با یکدیگر ارتباط دارند و مختل شدن هر یک از این اجزا، باعث لطمه دیدن سایر بخش ها می گردد. بنابراین تشخیص بیماری و بخش معیوب وجود او غیر ممکن است و تنها یک سیستم هوشمند که بر او اشراف دارد، می تواند با اسکن دقیقی اجزای معیوب وجود وی را مشخص و اصلاح کند. در سایمنتولوژی از وجود چنین شبکه هوشمندی که آن را «شبکه شعور کیهانی» می نامیم، استفاده می شود. این شبکه، شعور و هوشمندی حاکم بر کیهان است که مانند یک «اینترنت کیهانی» همه اجزا را زیر پوشش هوشمند خود قرار داده است (۴).

یکی از آزمون های پس تجربی با واریانس برابر جهت بررسی تفاوت میانگین ها در گروه LSD می باشد. طبق نتایج بدست آمده از جدول فوق، میزان اضطراب زنان در گروه شاهد با افراد تحت درمان سایمنتولوژی با سطح معناداری $p=۰/۰۰$ تفاوت معناداری دارد. میزان اضطراب زنان در گروه رفتار درمانی با گروه سایمنتولوژی با سطح معناداری $p=۰/۰۲$ تفاوت معناداری دارد و میزان اضطراب در گروه سایمنتولوژی با گروه شاهد و رفتار درمانی با $p=۰/۰۰$ و $p=۰/۰۳$ تفاوت معناداری دارد.

با توجه به جدول فوق می توان گفت که میزان اضطراب در گروه شاهد، بیشترین میزان و در گروه سایمنتولوژی کمترین میزان می باشد. به نظر می رسد روش درمان سایمنتولوژی نسبت به دو گروه دیگر تاثیرگذارتر است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش، مقایسه اثر بخشی دو روش رفتار درمانی و ذهن روان شناسی فرا کل نگر (سایمنتولوژی) در کاهش اضطراب زنان بود و نتیجه پژوهش نشان داد ذهن روان شناسی فرا کل نگر در کاهش اضطراب زنان نسبت به رفتار درمانی تأثیرگذارتر بود.

پس از استقرار روانشناسی در جایگاه یک دانش تجربی و ظهور روش های نوین روان درمانی و توجه به درمان اختلالات روانی، فنون تغییر رفتار، ابعاد وسیعی یافت و هزاران روان

رفتارگرایان نخستین صرفاً روی رفتارهای قابل مشاهده تأکید می‌کردند، ولی به مرور زمان دیدگاه خود را گسترش دادند و رابطه بین افکار و رفتارها را در آن گنجانده‌اند. روان‌شناسان رفتارگرایی قدیمی از گمانه‌زنی درباره «دلایل» رفتار خودداری می‌کردند و در عوض ترجیح می‌دادند به «انواع» رفتارها بپردازند. آنها سعی داشتند رابطه کارکردی بین رویدادهای محیطی و رفتارهای فرد را مشخص کنند. اصول شرطی‌سازی کلاسیک و کنشگر محور دیدگاه رفتاری در مورد اختلال‌های روانی را تشکیل می‌دهند (۵).

نتیجه پژوهش نشان داد که میزان اثر بخشی سایمنتولوژی ۳/۸۶٪ نسبت به رفتار درمانی که ۳/۹۸٪ می‌باشد در کاهش اضطراب زنان مؤثر تر بوده است. همچنین در طول تاریخ تلاش پژوهشگران را نمی‌توان نادیده گرفت که چگونه سعی داشته‌اند اضطراب را کاهش دهند و مطالعه‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است. در هر صورت مقایسه نتایج بدست آمده پژوهش حاضر و نتایج بدست آمده در پژوهش‌های دیگری که در فصل دوم ارائه گردیده، نشان می‌دهد آزمون‌های مختلف و روش‌های

متفاوت بر سطوح افراد متفاوت همه نظریه پردازان و پژوهشگران را بر آن داشته که میزان اضطراب را کاهش دهند و در نتایج تحقیقاتشان به این مهم دست یافته‌اند. نکته قابل توجه این است، برای کاهش اضطراب، آیا می‌توان هر روشی را بر روی هر فردی از هر نژادی و یا هر سنی به کار برد؟ در واقع آیا می‌توان هر روشی را تعمیم به عام داد؟ ویژگی روش سایمنتولوژی تعمیم به عام بودن آن می‌باشد، یعنی می‌توان از این روش برای هر سنی، هر نژادی با هر قومیت و مذهبی و در هر شرایطی بهره برد و به دور از هر اشتباهی نتیجه گرفت در حالی که در روش‌های علمی دیگر نیاز به فن و تکنیک و شرایط و هزینه‌های خاصی می‌باشد که هر انسانی نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود. پژوهشگران تلاش می‌کنند راه‌های ساده‌تر، عملی‌تر و کاربردی‌تری برای درمان ارائه دهند تا بتوانند خدمات بیشتر و مؤثرتری ارائه دهند و سلامتی بیشتر برای انسان‌ها به ارمغان بیاورند. زنان سالم مادران بهتری می‌توانند باشند و فرزندان بهتری پرورش دهند و همسران بهتری باشند و آرامش بیشتر در جامعه برقرار خواهد بود. سایمنتولوژی می‌تواند این مهم را عملی سازد.

منابع:

- 1- Taheri M. A. (2013). Human from another outlook (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 2- Kazdin, A.E. (1978). Behavior Therapy: Evolution and Expansion. The Counseling Psychologist, 7(3), 34-37. doi:10.1177/001100007800700309.
- 3- Rogers, Carl Ransom. (1999). The Scribner Encyclopedia of American Lives. Retrieved from <http://www.gale.cengage.com/InContext/bio.htm>.
- 4- Taheri, M. A. (2011). Psymnetology (Vol. 1). Tehran: Cosmic Erfan Publications.
- 5- Halgin, P., & Whitbourne, S. K. (2003). Abnormal Psychology: clinical perspectives on psychological disorders (4th). McGraw-Hill College.
- 6- Beck, A. T., Hollon, S. D., Young, J. E., Bedrosian, R. C., & Budenz, D. (1985). Treatment of depression with cognitive therapy and amitriptyline. Archives of General Psychiatry, 4242-148.
- 7- Taheri, M. A. (2010). Anxiety from the viewpoint of Psymnetology. Daneshe-Pezeshki, 2. 4.
- 8- Taheri M. A., Parazin, M., Ashrafi-Amineh, F. & Joeghan, S. S. (2013). The Effect of Faradarmani on General Health, Procedia –Social and Behavioral Sciences, 82(3), 284-256.
- 9- Taheri M. A., Larijani, R., Sadeghian, E. & Riahi, V. (2011). Effect of Faradarmani on Anxiety Level, Procedia-Social and Behavioral Sciences, 30, 2538-2541.
- 10- Zung, W.W.K. (1971). A rating instrument for anxiety disorders. Psychosomatics, 12(6): 371-379 PMID 5172928.



بررسی تاثیر میدان های شعوری طاهری بر کاهش اختلالات شخصیت مرزی در بیماران مراجعه کننده به کلینیک روانشناسی در پایتخت ایران

مهری شیخو^۱، محمدعلی طاهری^۲

خلاصه

هر ذره‌ای در جهان هستی تحت تاثیر میدان‌های مختلفی از جمله میدان گرانشی، میدان الکترومغناطیسی، میدان هسته ای ضعیف، و میدان هسته ای قوی قرار دارد. بر اساس تئوری محمد علی طاهری، بنیان‌گذار طب های مکمل (فرادرمانی- سایمتولوژی)، میدان‌های متفاوتی از سایر میدان‌های فیزیکی، با ماهیتی غیرمادی و غیرانرژی‌ایی به نام میدان‌های شعوری طاهری (ط) معرفی می‌شوند که در حال حاضر، فقط از طریق تجربه می‌توان به وجود آنها پی برد. یکی از نتایج عملکرد میدان‌های شعوری (ط)، تشخیص و درمان اختلالات ذهنی-روانی وجود انسان است. اختلال شخصیت مرزی، اختلالی چندبعدی است که با نارسای‌های متعددی در روابط بین فردی، خود پنداره و کنش‌های شناختی مشخص می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی امکان کاهش اختلالات شخصیت مرزی با قرارگیری در میدان‌های شعوری (ط) است. روش پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی، دارای دو گروه کنترل و آزمایش است و نمرات پیش آزمون، طی فرایند تحلیل کنترل شده است. جامعه آماری، از بین مراجعین دارای تشخیص اختلال شخصیت مرزی مراجعه کننده به یکی از کلینیک‌های روانشناسی تهران در سال ۱۳۹۸ انتخاب شده‌اند. نمونه آماری شامل ۲۸ نفر از مراجعین زن دارای تشخیص اختلال شخصیت مرزی با استفاده از پرسشنامه شخصیت مرزی (STB) است. انتخاب نمونه بصورت تصادفی بوده و افراد در دو گروه کنترل و آزمایش گمارش شدند. گروه آزمایش در این مطالعه بیمارانی هستند که به مدت ۶۰ دقیقه تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) قرار گرفتند. جهت تعیین اثربخشی مداخله از آزمون آنکوا با کنترل پیش آزمون استفاده شد. نتایج حاکی از اثربخشی مداخله و ۲۷ درصد واریانس تفاوت دو گروه به علت مداخله بود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود. جهت بررسی فرضیه‌های فرعی از آزمون مانکوا استفاده شد. بین دو گروه در متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌داری وجود داشت و اثر بخشی درمان ۳۲ درصد بود و توان آماری نیز حاکی از کفایت نسبی حجم نمونه بوده است. طبق نتایج، تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در کاهش ناامیدی، تکانش‌گری به ترتیب ۲۵ درصد، ۱۴ درصد موثر بوده است. بنابراین فرضیه‌های فرعی ۱ و ۲ تأیید و فرضیه ۳ تاثیر بر علائم تجزیه ای شخصیت (پارانویید) رد شد.

۱. دپارتمان روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

۲. بخش تحقیق و توسعه ساینسکت، مرکز تحقیقات Cosmointel Inc. انتاریو، کانادا

*نویسنده مسئول:

دپارتمان روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

پست الکترونیکی: mehri.sheykhu@srbiau.ac.ir

کلیدواژه ها: میدان‌های شعوری طاهری، فرادرمانی، سایمتولوژی، اختلال شخصیت مرزی

از بررسی‌های زیستی (بیولوژیک) هم می‌توان برای تشخیص کمک گرفت، چنانکه در برخی از بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، دوره خواب آلودگی کوتاه شده، تداوم خواب مختل است و نتایج غیرطبیعی در آزمون فرونشانی دگزامتازون و هم‌چنین آزمون تحریک با هورمون آزادکننده تیروتروپین دیده می‌شود (۱۱). اما این تغییرات در برخی از بیماران دچار اختلالات افسردگی هم دیده می‌شود. بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی تقریباً همیشه به‌نظر می‌رسد که در بحران به سر می‌برند. چرخش‌های سریع خلق^۹ در مبتلایان شایع است: یک لحظه ممکن است نزاع طلب باشند، لحظه بعد افسرده و لحظه‌ای دیگر شاکی از این‌که هیچ احساسی ندارند (۱۲). اینگونه بیماران ممکن است حملات روانپریشی با عمر کوتاه داشته باشند که اصطلاحاً حملات میکروسایکوتیک خوانده می‌شود، اما حملات شدید و تمام‌عیار روانپریشی در اینها دیده نمی‌شود؛ در واقع علایم روانپریشی که بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی پیدا می‌کنند، تقریباً همیشه محدود، گذرا و مشکوک است (۳). رفتار اینگونه بیماران بسیار غیرقابل پیش‌بینی است و از همین‌رو آنها تقریباً هیچ‌وقت به آن مقدار کارایی که در توانشان هست، دست نمی‌یابند. دردناک بودن ذاتی زندگی آنها در خودزنی‌های مکرر آنها مشهود است. اینگونه بیماران برای جلب کمک دیگران، ابراز خشم، یا برای کرخت کردن خود در برابر حالت عاطفی فلج‌کننده‌ای که دارند، ممکن است رگ دست خود را بزنند یا به اشکال دیگر خودزنی کنند. بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی چون احساس وابستگی و خصومت^{۱۰} را همزمان دارند، روابط بین فردی‌شان آشفته و به‌هم‌ریخته است. ممکن است به

اختلال شخصیت مرزی به عنوان الگوی فراگیری از بی‌ثباتی در روابط بین فردی، خودپنداره، عواطف و تکانشگری بارز شناخته می‌شود و در زمینه‌های متعددی تظاهر می‌یابد (۱). بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی^۱ در مرز روان‌نژندی و روان‌پریشی قرار دارند و مشخصه آنها ناپایداری حالت عاطفی، خلق، رفتار و روابط ابژه‌ای و خودانگاره^۲ آنها است. این اختلال را به نام‌های اسکیزوفرنی موقت^۳، شخصیت‌انگاری^۴ اصطلاحی که هلن داش^۵ وضع کرده است، اسکیزوفرنی شبه نوروپیک^۶ (که پاول هوخ و فیلیپ پولیتن وصف کرده‌اند) و اختلال منش سایکوتیک (که جان فُرش ذکر کرده است) نیز خوانده‌اند (۲). در ICD-10 نیز اختلال شخصیت دارای بی‌ثباتی هیجانی^۷ نامیده شده است (۳). علت اصلی این اختلال ناشناخته مانده است؛ اما به گفته محققان در عواملی چون وراثت (۴)، نابهنجاری‌های مغزی (۵) و تجارب اولیه زندگی (۷) ریشه دارد.

تاکنون هیچ مطالعه‌ای نشده که میزان قطعی شیوع این اختلال را نشان دهد اما به‌نظر می‌رسد یک تا دو درصد از جمعیت جهان مبتلا باشد (۸)، (۹) و در زنها نیز دو برابر مردها شایع است (۱). این اختلال از نوجوانی آغاز می‌شود، در اوایل بزرگسالی به اوج می‌رسد و در میانسالی کاهش می‌یابد (۸). این اختلال پنج برابر در میان خویشاوندان بیولوژیکی درجه‌ی اول نسبت به جمعیت عمومی شایع‌تر است (۱۰). طبق DSM-IV-TR اگر بیماری از اوایل بزرگسالی حداقل پنج مورد از ملاک‌هایی (فراگیری بی‌ثباتی، روابط میان فردی، عواطف، تکانشگری محسوس و ناامیدی) را داشته باشد می‌توان تشخیص اختلال شخصیتی مرزی را

Borderline .۱

Self-image .۲

ambulatory .۳

as-if personality .۴

Helene Deutsch .۵

Pseudoneurotic .۶

Emotionally unstable .۷

REM .۸

Mood swing .۹

Hostile .۱۰

کسی که احساس نزدیکی با او می‌کنند، وابسته شوند، و از طرف دیگر نسبت به دوستان صمیمی خود هم اگر احساس سرخوردگی پیدا کنند، خشمی بسیار زیاد ابراز می‌کنند (۳). بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی نمی‌توانند تنهایی را تحمل کنند و برای تشفی خود حتی به نحوی دیوانه‌وار به جست‌وجوی ایجاد رابطه برمی‌آیند، ولو این‌که رابطه برای خودشان ارضاکنده نباشد.

آن‌ها برای رفع تنهایی خود حتی اگر دیری هم نپاییده باشد، با غریبه‌ها دوست می‌شوند یا به بی‌بندوباری می‌افتند (۱۳). آن‌ها اغلب از احساس مزمن پوچی و بی‌حوصلگی و فقدان احساس هویتی یکدست (ابهام در هویت) شاکی‌اند، و وقتی تحت فشار قرار می‌گیرند، از این شکایت می‌کنند که اکثر اوقات علی‌رغم ابزار شدید حالات عاطفی دیگر بسیار افسرده‌اند. کرنبرگ، سازوکاری دفاعی به نام همانندسازی فرافکنانه^{۱۲} را وصف کرده است که بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی به کار می‌برند. در این سازوکار دفاعی بدوی، فردی جنبه‌های غیرقابل تحمل خود را به فردی دیگر فرافکنی می‌کند و به این ترتیب او را وادار به ایفای نقشی می‌کند که به او فرافکنی^{۱۳} شده است، در نتیجه هر دو به شکلی واحد عمل می‌کنند (۱۴).

درمانگر باید از این روند به خوبی آگاه باشد تا بتواند این‌گونه بیماران رفتاری خنثی در پیش بگیرد. اکثر درمانگران بر این باورند که بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی در آزمون‌های ساختارمندی مثل مقیاس هوشی و کسلر برای بزرگسالان^{۱۴} قدرت استدلال متعارفی از خود نشان می‌دهند و تنها در آزمون‌های ساختارنیافته فرافکنانه‌ای مثل آزمون رورشاخ است که اختلالات مربوط به روند (پردازش) فکر در آنها قابل رؤیت می‌شود. کارکرد بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی نیز به‌گونه‌ای است که روابط آن‌ها مختل می‌شود، چون همه افراد را یا خوب مطلق می‌پندارند یا بد مطلق، یعنی افراد به نظر آن‌ها یا حامی آنهایند و لذا باید به

آن‌ها دل بست، یا منفور و آزارگر (سادیست)‌اند و احساس امنیت آن‌ها را مختل می‌کنند، از این رو تهدیدی برای او محسوب می‌شوند. در نتیجه دو نیم‌سازی است که بیمار، افراد خوب را آرمانی می‌بیند و افراد بد را به کلی فاقد ارزش. به همین دلیل است که این بیماران هر زمان، از فرد یا گروه متفاوتی حمایت می‌کنند.

برخی از درمانگران مشخصه‌های اصلی بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی را با این مفاهیم ذکر می‌کنند:

هراس عام (همه چیز هراسی)، اضطراب عام (از همه چیز مضطرب شدن)، دودلی عام (در همه کار دو دل بودن)، و رفتار جنسی آشوبناک. افتراق بیماران مرزی از اسکیزوفرن بر این اساس ممکن است که در بیماران مرزی، حملات روانپریشی، اختلال فکر، یا سایر علایم کلاسیک اسکیزوفرنی، هیچ وقت به مدت طولانی وجود ندارد. بیماران دچار اختلال شخصیت اسکیزوتیپی نیز نحوه تفکری بسیار منحصر به فرد، افکار عجیب، و افکار مکرر انتساب به خود دارند. مشخصه بیماران مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید، وجود شکاکیت مفرط است. بیماران دچار اختلال شخصیت مرزی عموماً احساس مزمن پوچی و حمله‌های کم‌دوام روانپریشی دارند؛ تکانشی عمل می‌کنند و توقع روابطی غیرمتعارف دارند؛ ممکن است خودزنی کنند و دست به خودکشی‌های فریبکارانه بزنند. بنابراین چنین ویژگی‌ها و پیامدهایی در این اختلال قانداست زندگی فردی، شغلی و خانوادگی مبتلایان و اطرافیان را دچار مسئله کند (۱، ۱۵).

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^{۱۵} نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان

۱۱. Identity diffusion.

۱۲. Projective identification.

۱۳. Project.

۱۴. WAIS.

۱۵. Taheri Consciousness Fields.

هستی به جز ماده و انرژی است.

بر اساس این تئوری، میدان‌های شعوری (ط) متنوع با عملکردهای مختلفی وجود دارد که زیرمجموعه‌ی شبکه اینترنت کیهانی به نام شبکه شعور کیهانی یا CCN هستند. تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور (ط)، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیرزنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

علم جدید ساینس‌فکت در سال ۲۰۲۰ توسط محمدعلی طاهری، بنیانگذار مکتب عرفان کیهانی حلقه به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های این مکتب، معرفی شده است. نام «ساینس‌فکت»، به این دلیل انتخاب شده است که از تحقیقات علمی به منظور تایید وجود شعور به عنوان یک «وجود مسلم» (فکت) استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مدنظر دارد و در مقابل، ساینس‌فکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینس‌فکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود. اتصال توسط ذهن فرادرمانگر (فرد آموزش دیده‌ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام‌کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود. این میدان‌ها مستقیماً قابل اندازه‌گیری توسط علم نیستند، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های تکرار پذیر بررسی کرد (۱۶).

پایه‌ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله

مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن، **فرض اولیه:** شکل‌گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور» است، **حکم:** وجود «شعور(ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود، **برهان:** تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود. بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در **فاز صفر:** اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور پرداخته نخواهد شد. **فاز اول:** به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور(ط)» می‌پردازد. **فاز دوم:** چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند. **فاز سوم:** بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد. نهایتاً، **فاز چهارم:** نتیجه‌گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور(ط)» و غیره را خواهد گرفت. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر میدان‌های شعوری (ط) بر کاهش اختلالات شخصیت مرزی در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک روانشناسی پایتخت ایران انجام شد.

کاربرد میدان‌های شعوری طاهری

نمونه‌های مورد مطالعه تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر اساس پروتکل‌هایی در وب سایت مدیریت تحقیقات در میدان‌های شعوری (ط) (www.COSMOintel.com)



پرسش نامه های مربوط به هر متغیر در مرحله پیش آزمون پاسخ دادند. پس از مداخله پس آزمون اجرا و جمع‌آوری و داده‌ها در نرم افزار SPSS ورژن بیست وارد شد و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جلسات آموزشی دوماه، هر هفته ۳ جلسه به مدت ۶۰ دقیقه روی بیماران شخصیت مرزی کار فرادرمانی (اتصال به هوشمندی) و تئوری ذهن فراکل نگر انجام شد. تعداد جلسات در کل ۲۲ جلسه تمرینات حضوری بود.

بینش و تعاریفی که در این جلسات داده شد، شامل تعریف اختلالات شخصیت مرزی، ابعاد وجودی که متشکل از کالبد‌های مختلف وجود مانند کالبد ذهنی، کالبد روانی، کالبد اختری و کالبد فیزیکی، تعریف اختلالات روان‌تنی و تعریف رفتارهای دوگانه و مکانیزم‌های دفاعی، تعریف انواع تضاد مانند تضاد باخود، تضاد با هستی، تضاد با خدا و تضاد با دیگران، تعریفی از سایمنتولوژی و جایگاه انسان در اکوسیستم از مباحث نظری آن بودند (۱۹).

اسکن بیماران در طی اتصال اتفاق افتاد و علائمی از قبیل گرم شدن، سرد شدن، احساس گزگز در سر انگشتان دست و پا مشاهده شد. این جریان هر هفته، طی سه جلسه از راه نزدیک برای بیماران گروه آزمایش انجام شد. شرایط وضعیت آنها در جدول گزارش روزنگار ثبت شده و بررسی گردید تا پایان دوره که حدود ۲ ماه طول کشید این برنامه ادامه داشت و در انتهای دوره پس آزمون (STB) از هر دو گروه آزمایش و کنترل گرفته شد.

تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور تحلیل عینی و سازمان یافته‌ی پژوهش و امکان مقایسه توصیفی دو گروه کنترل و آزمایش از روش های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی استفاده شد. در بخش آمار استنباطی از آزمون آنکوا و مانکوا با بررسی پیش فرض‌های استنباطی بهره‌گرفته شد. به منظور بررسی پیش فرض برابری واریانس‌ها و کوواریانس‌ها و نرمال

قرار گرفتند. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی برای استفاده از میدان شعوری فرادرمانی را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش مربوط به «اعلام نظر» قرار داد. درخواست نظر و ارتباط برای همگان رایگان می‌باشد. به منظور تجربه میدان‌های شعوری (ط) و انجام پژوهش در این زمینه، در هر زمانی و در هر مکانی، محققین پس از ثبت نام در وب سایت ذکر شده، بعضی از مشخصات آزمایش مورد نظر را به مرکز راهنما گزارش می‌نمایند. برای مثال، شماره نمونه‌ها، کنترل و نام قراردادی آنها باید مشخص گردد.

روش اجرا

پرسشنامه اختلال شخصیت مرزی (STB): مقیاس شخصیتی STB، شامل ۱۸ ماده است که به صورت بلی - خیر جواب داده می‌شود. البته در این مقیاس از متون معتبر روانشناسی مرضی ۶ ماده دیگر به آن اضافه گردید تا تعریف DSM-IV-TR از BPD را پوشش دهد، بنابراین مقیاس STB دارای ۲۴ ماده می‌باشد (۱۷). ضریب پایایی بازآزمایی را برای STB، ۰/۶۱ گزارش کرده‌اند. همچنین، رولینگر (۱۸). ضریب آلفای ۰/۸۰ را برای STB گزارش کرده‌اند. روایی همزمان STB با مقیاس‌های روان رنجور خویی و روان پریشی‌گرایی EPQ در فرهنگ اصلی به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۴۴ گزارش شده است. فرم تجدید نظر شده ی پرسش نامه شخصیتی آیزنگ EPQ-R به عنوان ابزار دوم و به منظور احراز روایی همزمان STB بر روی ۶۵ نفر به کار گرفته شد. پایایی بازآزمایی گزارش شده توسط سازندگان اصلی آزمون نیز اعدادی بین حداقل ۰/۷۶ برای شاخص روان پریشی و حداکثر ۰/۹۰ برای شاخص برون‌گرایی می‌باشد (۱۲). در مراکز مشاوره پرسشنامه STB بین مراجعین توزیع و نمونه هدف غربال شد. پس از تعیین تعداد نفرات دو گروه کنترل و آزمایش، شرکت کنندگان بصورت تصادفی در دو گروه گمارش شدند که شامل دو گروه ۱۴ نفره بودند و به

بودن از آزمون لون، ام باکس و شاپیرو-ویلک استفاده شد.

ارائه گردیده است. سعی گردیده است توضیحات اجمالی در مورد مقادیر هر یک از جداول و نمودارها ارائه گردد.

در جدول ۱ فراوانی و درصد متغیرهای دموگرافیک گروه نمونه و کنترل در پژوهش پیش رو آمده است. همانطور که در این جدول مشاهده میشود، بر اساس متغیرهای وضعیت تاهل و تحصیلات، تمامی افراد این مطالعه در گروه کنترل متاهل و نزدیک به ۲۹٪ آنها مطلقه بوده اند. در گروه نمونه نزدیک به ۲۹٪ افراد مجرد بوده اند. همچنین سطح تحصیلی اکثریت افراد در گروه کنترل و نمونه دیپلم بوده است.

نتایج

در این بخش به ارائه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از بکارگیری روش های آماری فوق الذکر پرداخته می شود. نتایج پژوهش هم به صورت توصیفی و استفاده از جداول و نمودارها و هم به صورت استنباطی و آزمون فرضیه ها

جدول ۱: فراوانی و درصد نمونه پژوهش بر اساس متغیرهای دموگرافیک

متغیر	زیرمقیاس	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
وضعیت تاهل	متاهل	۶	۴۲/۸۵	۱۰	۷۱/۴۲
	مجرد	۴	۲۸/۵۷	۰	۰
	مطلقه	۴	۲۸/۵۷	۴	۲۸/۵۷
تحصیلات	زیر دیپلم	۶	۴۲/۸۵	۳	۲۱/۴۲
	دیپلم	۶	۴۲/۸۵	۶	۴۲/۸۵
	فوق دیپلم	۱	۷/۱۴	۱	۷/۱۴
	لیسانس	۰	۰	۴	۲۸/۵۷
	فوق لیسانس	۱	۷/۱۴	۰	۰

می دهد. اختلاف میانگین سن دو گروه در حدود ۳۶ واحد می باشد.

در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار متغیر سن به تفکیک کنترل و آزمایش برای نمونه ۱۴ نفری نشان

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمونه پژوهش بر اساس متغیر سن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سن	کنترل	۲۹/۴۲	۸/۰۱	۱۴
	آزمایش	۳۳/۷۸	۸/۸۷	۱۴

شخصیت مرزی اثر بخش است. در جدول ۳ ضرایب و مقادیر آزمون شاپیرو-ویلک برای آزمون نرمال بودن توزیع متغیر در دو گروه کنترل و آزمایش نشان داده شده است. بر اساس مقدار احتمال معنی داری آزمون، نرمال بودن توزیع متغیر علائم کلی اختلال شخصیت مرزی در هر دو گروه کنترل و آزمایش تایید می گردد.

نمودار ۱: تغییرات میانگین پارامترهای مورد سنجش در این مطالعه در جمعیت نمونه این مطالعه در مراحل پیش و پس آزمون نشان داده شده تغییرات کاهشی در مرحله پس آزمون است.

فرضیه اصلی: میدان های شعوری (ط) بر کاهش اختلالات

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمونه پژوهش بر اساس متغیر سن

متغیر	گروه	آماره	درجه آزادی	معنا داری
علائم کلی اختلال شخصیت مرزی	کنترل	۰/۹۸	۱۴	۰/۱۴
	آزمایش	۰/۶۱	۱۴	۰/۴۳



دارای اختلاف حدود ۴ واحد می باشد و گروه کنترل دارای میانگین بالاتری می باشد.

جدول ۴ نشان دهنده میانگین و انحراف معیار علایم کلی اختلال شخصیت مرزی می باشد. میانگین متغیر در دو گروه

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار علایم کلی اختلال شخصیت مرزی		
گروه	میانگین	انحراف معیار
کنترل	۱۰/۰۷	۳/۶۲
آزمایش	۶/۵۰	۳/۵۰

نشان داده شده است. طبق یافته ها معناداری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ بوده و این پیش فرض تایید شد.

جدول ۵- نتایج آزمون لون جهت بررسی پیش فرض برابری واریانس ها در متغیر علایم کلی اختلال شخصیت مرزی

جدول ۵: آزمون لون			
F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
۱/۲۳	۱	۲۶	۰/۲۷۷

و نتایج مقایسه دو گروه حاکی از اثربخشی مداخله بوده است. در واقع، ۲۷ درصد واریانس تفاوت دو گروه به علت مداخله بود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تایید شد.

در جدول ۶- نتایج آزمون آنکوا با کنترل نمرات پیش آزمون و مقایسه نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش نشان داده شده است. طبق نتایج کنترل نمرات بدرستی صورت گرفته

جدول ۶: آزمون آنکوا							
منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	Eta ^۲	توان آماری
پیش آزمون	۶۹/۵	۱	۶۹/۰۵	۶/۶۰۵	۰/۰۱۷	۰/۲۰۹	۰/۶۹۵
گروه	۹۹/۶۹	۱	۹۹/۶۹	۹/۵۳	۰/۰۰۵	۰/۲۷۶	۰/۸۴۳
خطا	۲۶۱/۳۷	۲۵	۱۰/۴۵۵	-	-	-	-

اختلال شخصیت مرزی در دو گروه کنترل و آزمایش نشان داده شده است. طبق نتایج در کل نمرات گروه آزمایش کمتر بوده است.

آزمون فرضیه های فرعی: در جدول ۷- میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس های

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس های اختلال شخصیت مرزی در مرحله پس آزمون			
متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
نامیدی	کنترل	۳/۲۸۵	۱/۸۱
	آزمایش	۱/۸۵۷	۱/۵۶
تکانشگری	کنترل	۴/۴۲۸	۱/۹۴۹
	آزمایش	۳/۳۵۷	۱/۷۳
علائم تجزیه ای شخصیت (پارانوئید)	کنترل	۲/۳۵۷	۱/۱۵
	آزمایش	۱/۲۸۵	۱/۲۸

شاپیرو-ویلک جهت بررسی نرمال بودن زیرمقیاس های اختلال شخصیت مرزی نشان داده شده است. طبق نتایج توزیع همه زیرمقیاس ها نرمال بوده است.

جهت بررسی فرضیه های فرعی از آزمون مانکوا استفاده شد. اما قبل از آزمون مانکوا باید پیش فرض برابری واریانس ها و کوارینانس ها بررسی شود. در جدول ۸ آزمون

جدول ۸: آزمون شاپیرو-ویلک جهت بررسی نرمال بودن

متغیر	گروه	آماره	درجه آزادی	معناداری
نامیدی	کنترل	۰/۲۰۵	۱۴	۰/۱۱۳
	آزمایش	۰/۲۴۹	۱۴	۰/۰۹
تکانشگری	کنترل	۰/۱۲۵	۱۴	۰/۲۰۰
	آزمایش	۰/۱۸۵	۱۴	۰/۲۰۰
علائم تجزیه ای شخصیت (پارانوئید)	کنترل	۰/۸۴	۱۴	۰/۰۶۱
	آزمایش	۰/۲۰۲	۱۴	۰/۱۲۶

در جدول ۹- آزمون ام باکس جهت بررسی برابری کواریانس‌ها نشان داده شده است. طبق نتایج پیش فرض برابری کواریانس‌ها رد نشده است.

جدول ۹: آزمون ام باکس

ام باکس	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
۲/۵۰	۰/۳۶۴	۶	۴۸۹۸/۳۱	۰/۹۰۲

در جدول ۱۰- نتایج آزمون لون جهت بررسی پیش فرض برابری واریانس‌های متغیرهای وابسته ارائه شده است. طبق نتایج پیش فرض برابری واریانس‌ها برای متغیرهای وابسته نیز تایید شده است لذا می توان از آزمون مانکوا استفاده نمود.

جدول ۱۰: نتایج آزمون لون

متغیر	F	df1	df2	Sig.
نامیدی	۳/۳۲	۱	۲۶	۰/۰۵۸
تکانشگری	۳/۱۵	۱	۲۶	۰/۰۸۷
علائم تجزیه ای شخصیت (پارانوئید)	۲/۷۸	۱	۲۶	۰/۱۰۷

جهت مقایسه متغیرهای وابسته در دو گروه از آزمون مانکوا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده است. طبق نتایج بصورت کلی بین دو گروه در متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد و اثربخشی درمان حدود ۳۲ درصد و توان آماری نیز حاکی از کفایت نسبی حجم نمونه بوده است.

جدول ۱۱: آزمون مانکوا

اثر	ارزش	F	معنا داری	توان آماری	Eta ^۲
اثر پیلایی	۰/۳۲۷	۳/۴۰	۰/۰۳۶	۰/۶۸۳	۰/۳۲۷
ویکلز لامبدا	۰/۶۷۳	۳/۴۰	۰/۰۳۶	۰/۶۸۳	۰/۳۲۷
اثر هاتلینگ	۰/۴۸۷	۳/۴۰	۰/۰۳۶	۰/۶۸۳	۰/۳۲۷
ریشه روی	۰/۴۸۷	۳/۴۰	۰/۰۳۶	۰/۶۸۳	۰/۳۲۷

در جدول ۱۲ - نتایج آزمون مانکوا به تفکیک برای زیرمقیاس‌ها ارائه شده است. طبق نتایج تئوری میدان‌های شعوری (ط) در کاهش نا امیدي و تکانشگری موثر بوده و میزان اثربخشی آن ۲۵ و ۱۴ درصد بود. بنابراین فرضیه‌های فرعی اول و دوم تائید و فقط فرضیه فرعی سوم رد شد.

جدول ۱۲: نتایج آزمون مانکوا

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig.	Eta ^۲
نامیدی	۱۸/۷۷۵	۱	۱/۴۵۲	۷/۶۷	۰/۰۱۱	۰/۲۵
تکانشگری	۱۰/۷۲	۱	۳۳/۹۰	۳/۸۴	۰/۰۴۲	۰/۱۴۳
علائم تجزیه ای شخصیت (پارانوئید)	۰/۱۹۸	۱	۰/۱۹۸	۰/۱۸۵	۰/۴۷۱	۰/۰۰۸

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی، اثربخشی میدان‌های شعوری (ط) بر کاهش اختلالات شخصیت مرزی و زیرمقیاس‌های آن یعنی ناامیدی، تکانشگری و علائم تجزیه‌ای شخصیت (پارانویید) پرداخته است. نتایج نشان داد که میدان‌های شعوری (ط) می‌توانند به طور معناداری در کاهش اختلالات شخصیت مرزی و زیرمقیاس‌های آن ناامیدی و تکانشگری موثر باشند. جهت بررسی فرضیه اصلی یعنی تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر کاهش اختلالات شخصیت مرزی از آزمون آنکوا با کنترل نمرات پیش آزمون و مقایسه نمرات پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش استفاده شد. طبق نتایج، کنترل نمرات صورت گرفته و نتیجه مقایسه دو گروه حاکی از اثر بخشی مداخله بود. در واقع ۷۲ درصد واریانس تفاوت دو گروه به علت مداخله بود. بنابراین فرضیه تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر کاهش اختلالات شخصیت

مرزی معنادار شد. جهت مقایسه متغیرهای وابسته در دو گروه و بررسی فرضیه‌های فرعی، یعنی، تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در کاهش ناامیدی، تکانشگری و علائم تجزیه‌ای شخصیت (پارانویید) از آزمون مانکوا استفاده شد. طبق نتایج، بصورت کلی بین دو گروه در متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود داشت و اثر بخشی درمان حدود ۳۲ درصد و توان آماری نیز حاکی از کفایت نسبی حجم نمونه بود. نتایج آزمون مانکوا به تفکیک برای زیرمقیاس‌ها نیز بررسی شد. طبق نتایج، تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر کاهش ناامیدی و تکانشگری موثر بوده و میزان اثربخشی آنها ۲۵ و ۱۴ درصد بود. بنابراین تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در کاهش ناامیدی و تکانشگری موثر بوده و معناداری آن تأیید شد. با توجه به سطح معناداری متغیر علائم تجزیه‌ای شخصیت (پارانویید) که بیشتر از ۰/۰۵ بود، فرضیه تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر علائم تجزیه‌ای شخصیت (پارانویید) معنا دار نبود.

1. American Psychiatric Association D, Association AP. Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5: American psychiatric association Washington, DC; 2013.
2. Baltes PB, Schaie KW. Life-span developmental psychology: Personality and socialization: Elsevier; 2013.
3. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock's pocket handbook of clinical psychiatry: Lippincott Williams & Wilkins; 2010.
4. Amad A, Ramoz N, Thomas P, Jardri R, Gorwood P. Genetics of borderline personality disorder: systematic review and proposal of an integrative model. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*. 2014;40:6-19.
5. van Elst LT, Hesslinger B, Thiel T, Geiger E, Haeghele K, Lemieux L, et al. Frontolimbic brain abnormalities in patients with borderline personality disorder: a volumetric magnetic resonance imaging study. *Biological psychiatry*. 2003;54(2):163-71.
6. Schmahl CG, Vermetten E, Elzinga BM, Bremner JD. Magnetic resonance imaging of hippocampal and amygdala volume in women with childhood abuse and borderline personality disorder. *Psychiatry Research: Neuroimaging*. 2003;122(3):193-8.
7. Lobbstaël J, Arntz A. Emotional hyperreactivity in response to childhood abuse by primary caregivers in patients with borderline personality disorder. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*. 2015;48:125-32.
8. Paris J. Chronic suicidality among patients with borderline personality disorder. *Psychiatric services*. 2002;53(6):738-42.
9. Stone MH. Long-term outcome in personality disorders. *The British Journal of Psychiatry*. 1993;162(3):299-313.
10. Oldham J, Gabbard G, Goin M, Gunderson J, Soloff P, Spiegel D, et al. Practice guideline for the treatment of patients with borderline disorder. Supplement to. *American Journal of Psychiatry*. 2001;158:1-52.
11. Kosten TR, Wahby V, Giller Jr E, Mason J. The dexamethasone suppression test and thyrotropin-releasing hormone stimulation test in posttraumatic stress disorder. *Biological Psychiatry*. 1990;28(8):657-64.
12. Eysenck HJ. The structure of human personality (Psychology Revivals): Routledge; 2013.
13. Ewen RB. An introduction to theories of personality: Psychology Press; 2014.
14. Kernberg O. Borderline personality organization. *Journal of the American psychoanalytic Association*. 1967;15(3):641-85.
15. Association AP. Cautionary statement for forensic use of DSM-5. *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. 2013;5.
16. Taheri MA. *Human from Another Outlook* (2nd Edition)2013.
17. Claridge G, Broks P. Schizotypy and hemisphere function—I: Theoretical considerations and the measurement of schizotypy. *Personality and Individual Differences*. 1984;5(6):633-48.
18. Rawlings D. An exploratory factor analysis of Hartmann's Boundary Questionnaire and an empirically-derived short version. *Imagination, Cognition and Personality*. 2001;21(2):131-44.
19. Taheri, M. A. *Psychmentology*. 2013. (Volume 1) (Persian Edition), Interuniversal Press. ISBN-13: 978-1939507136, ISBN-10: 1939507138.



بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمتولوژی بر ادراک از خدا، در افراد مراجعه کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

آرزو پدram نیا، محمدعلی طاهری^۱، منیر حداد^{۲*}

خلاصه

فرادرمانی و سایمتولوژی طب‌های مکمل ایرانی هستند که از طریق میدان‌های شعوری طاهری به درمان اختلالات ابعاد وجودی انسان می‌پردازند و توسط محمدعلی طاهری معرفی شده‌اند. در این روش از طریق ارتباط بین هوش جزء و هوش کل (هوشمندی کیهانی) اسکن زیرمجموعه صورت گرفته و ترمیم و اصلاح انجام می‌پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمتولوژی و میدان‌های شعوری (ط) مرتبط با آنها بر ادراک از خدا، بر مراجعه‌کنندگان به مرکز آموزش عرفان کمال در شهر تهران انجام شد. روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون پس آزمون بود و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین ۱۰۰ مراجعه‌کننده استفاده و تعداد ۳۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و در گروه آزمایش قرار گرفتند. (دوره‌ها ۵۶ جلسه، دو بار در هفته و هر جلسه به مدت ۱۲۰ دقیقه به همراه آموزش تئوری و عملی میدان‌های شعوری (ط) بودند). برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ادراک از خدا (Greeley)، استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش سایمتولوژی بر ادراک از خدا ($F=۶۷/۹۷$ ، $p=۰/۰۰۰$ ، $\eta^2=۰/۶۶$) تاثیر داشته است. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد. فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر بهبود ادراک از خدا معنادار بوده است. ($p=۰/۰۰۰$) و آموزش سایمتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود ادراک از خدا تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۶ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند. همچنین با گذراندن این دوره‌ها تغییر قابل توجه در این زیرمقیاس‌ها دیده شد: حس حضور ۵۶٪، تاثیر حضور ۱۱٪، خیرخواهی ۵۷٪، مشیت ۴۸٪. این آموزش‌ها تاثیر قابل توجهی روی زیرمقیاس‌های چالش و پذیرش نداشتند در مبحث فرادرمانی و سایمتولوژی که تمرکز اصلی بر اصلاح بینش انسان و درک فلسفه خلقت می‌باشد پیش بینی می‌شود که پس از آموزش‌های دوره، بینش افراد در این مقوله‌ها اصلاح شوند که نتایج آماری نیز آنرا تایید نمودند.

۱. کارشناس ارشد مشاوره و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد کرمان، ایران

۲. بخش تحقیق و توسعه ساینسکت، مرکز تحقیقات Cosmointel Inc.، انتاریو، کانادا

۳. روانپزشک بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر

* نویسنده مسئول:

روانپزشک بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر

پست الکترونیکی:

hadad.m@iums.ac.ir

مقدمه

طب غربی تنها یکی از رویکردهای بشر به مسئله سلامت و بیماری است. در کنار این روش، شیوه‌های دیگری از پزشکی نیز وجود دارند که با تفاوت‌هایی در اصول، قواعد و راههای تشخیص و درمان، سعی در بازگرداندن سلامتی به افراد بیمار و جلوگیری از ایجاد بیماری در اشخاص سالم دارند. تعداد این روش‌ها بالغ بر ۱۰۰ عدد است و مجموعه آنها را با نام‌هایی نظیر «طب مکمل» یا «طب جایگزین»، در سراسر جهان می‌شناسند. این مجموعه، از سیستم‌های پزشکی بسیار متفاوتی تشکیل شده است که آنچه در تمامی آنها مشترک است تفاوتشان با رویکرد طب رایج در روش‌های تشخیص، درمان و یا هر دو آنها است. در این فرآیند، تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف در سراسر دنیا بسته به دیدگاه‌های خود، راه‌های متفاوتی را ارائه نموده‌اند. از این بین می‌توان از یک سو به رویکردهایی کهن نظیر طب سنتی ایران، طب سنتی هند (آیورودا)، یوگا، طب سنتی چین، طب سنتی بومیان آمریکا، شفا بخشی با دست‌ها و از سوی دیگر به روش‌هایی با قدمت کمتر مانند هومیوپاتی، استئوپاتی، کایروپراکتیک و ... اشاره نمود.

هدف از رویکرد طب‌های مکمل، ارتقاء سطح سلامت و کیفیت زندگی به موازات افزایش طول عمر با بکارگیری هوشمندانه رویکردهای طبیعی و روش‌های مختلف طب مکمل- جایگزین با استناد به تجربیات بالینی و تحقیقاتی است (۱).
فرادرمانی و سایمنتولوژی رشته‌هایی از طب‌های مکمل ایرانی می‌باشند که از نوعی نگرش به نام فراکل‌نگری نشات گرفته است و این نگرش انسان را به وسعت و عظمت جهان هستی می‌داند و اساس آن از طریق اتصال با هوشمندی کیهانی می‌باشد (۲).

شبکه شعور کیهانی

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری)

جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۱ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

محمدعلی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کازمواینتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینسفکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی (T-Consciousness) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیر مادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۳).

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection) بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

اتصال توسط ذهن فرادرمانگر (فرد آموزش دیده‌ای



که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود.

پایه ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن:

فرض اولیه: شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است

حکم: وجود «شعور» (میدان‌های شعوری (ط)) میتواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیزم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود

برهان: تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در **فاز صفر:** اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور پرداخته نخواهد شد.

فاز اول: به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد.

فاز دوم: چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند.

فاز سوم: بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد.

نهایتا، فاز چهارم: نتیجه گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

فردرمانی وسایمنتولوژی به عنوان طب‌های مکمل مبتنی بر اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) هستند.

در فردرمانی و روانشناسی، ذهن نه تنها جزئی از مغز تلقی

نمی‌شود، بلکه عملکرد مغز نیز تابعی فرعی از فعالیت ذهن تلقی می‌شود و مغز نیز توسط ذهن اداره می‌شود. «ذهن» در سایمنتولوژی مسئولیت مدیریت نرم افزاری تمام جنبه‌های وجودی انسان، مدیریت حافظه، یادگیری، یادآوری، مدیریت تنظیم داده‌ها و مدیریت سلول و بدن را بر عهده دارد. واژه نرم افزار به دنیای کامپیوتری امروزی اطلاق می‌شود که در آن دستگاه‌ها دو جنبه دارند: (۱) سخت افزار و (۲) برنامه‌ها. برنامه‌هایی که باید روی سخت افزار نصب شوند نرم افزار نامیده می‌شوند. این قیاس در مورد انسان و کل هستی صدق می‌کند (۴).

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش فردرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری مرتبط با آنها، بر ادراک از خدا بر روی مراجعین مرکز عرفان کمال در تهران (پایتخت ایران) انجام شد.

تعاریف ادراک از خدا

آنچه حواس چندگانه ما به مغز گزارش می‌دهند توسط ذهن تجزیه و تحلیل می‌شود. بنابراین، افراد مختلف هر کدام تفسیرهای منحصر به فرد خود را از این یافته‌ها دارند و از حواس خود به نتایج متفاوتی می‌رسند (۵).

«ادراک خدا» (تصویر خدا)، یک مدل کارکردی درون روانی است که فرد «خدا» را بدان گونه و در آن قالب متصور می‌شود. ادراک خدا می‌تواند نشان دهنده درجه رشد یافتگی استدلال اخلاقی و میزان بلوغ روانی و درنگاهی ژرف تر تمامیت شخصیت فرد باشد (۶). ادراک خدا یک الگوی شناختی-عاطفی است که از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبینش شکل گرفته و در سرتاسر زندگی همگام با رشد و بلوغ روانی فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد. این الگو، جهت‌گیری، رفتار و احساس فرد در ارتباط با خدا را هدایت می‌کند، به همین خاطر ادراک خدا، مجموعه‌ای منسجم از آخرین سطح ادراکی فرد در مسائل و امور ماورایی است (۷). ادراک از خدا می‌تواند نشان دهنده تحول شناختی،

شخصیت و درک انسان از معنای زندگی و میزان رشد اخلاقی فرد باشد. این متغیر روانی، حکایت از کیفیت ارتباط با خدا دارد که یکی از مهم‌ترین ارتباطات فرد بوده و بررسی آن می‌تواند کیفیت دیگر ارتباطات مهم زندگی روانی فرد را به ما بشناساند. این مفهوم در مکتب روانشناسی، روابط موضوعی (روابط شیء) ریشه دارد. شخصیت هر فرد اصلی‌ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست؛ که به شکل‌گیری سبک زندگی وی کمک می‌کند. همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌های روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، آنگاه ادراک فرد از خدا و تصویری که به آن دست یافته، بسیار مهم است. (۸)

تحقیقات نشان داده که انگاره ذهنی مثبت به خدا داشتن، و حفظ کردن ارتباط نزدیک با خداوند، موجب افزایش سلامت روان می‌شود (۹).

از دیدگاه لاورنس (۸): در واقع، دین و ادراک از خدا حقیقتی است که پیوسته با بشر بوده و شالوده زندگی و معنای زندگی وی را تشکیل می‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که دین و ادراک از خدا از ارکان اصلی فرهنگ هر ملتی است، جامعه را هویت و انسجام می‌بخشد و در افراد جامعه حس همبستگی به وجود می‌آورد. در میان ارزش‌ها و باورهایی که در شکل دادن به روش زندگی افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند ارزش‌ها و اعتقادهای دینی و ادراک از خدا، از مهمترین آنهاست (۱۰).

ارزش‌ها و باورها و در رأس آنها، ایمان و معتقدات دینی و مذهبی از عناصر مؤثر بر شخصیت است. شخصیت، فراگیرترین مفهوم روان شناختی است که تمامی کارکردهای انسان را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. بر این اساس، ویژگی‌های شخصیتی از مؤلفه‌های اثرگذار بر نوع روابط انسانی، تعاملات اجتماعی و به طور کلی، تمامی فعالیت‌های انسان در صحنه جامعه است. بنابراین شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند یکی از تعیین‌کننده‌های ادراک از خدا و چگونگی درک معنا در زندگی باشد (۶).

از دیدگاه طاهری (۱۱)، «دین» از دو بعد ظاهر و باطن تشکیل شده است. ظاهر دین، شعائر است، اعم از اصول و

فروعی است که تعاریف، دستورات، تکالیف، بایدها و نبایدها را ارائه می‌دهد. اما باطن دین که عرفان نامیده می‌شود شامل حقایقی درباره خداوند است. باطن دین از طریق کشف و شهود [معنوی] به عنوان نتایج اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) به دست می‌آید. بنابراین ادراک خداوند مرتبط با باطن دین است. از آنجا که عرفان و کشف و شهود بی‌نهایت است، خدا و حقیقت دین نیز نامحدود است.

از دیدگاه عرفان کیهانی ماهیت این جهان تک ساختاریست، یعنی ماده و انرژی از شعور (هوشمندی) بوجود آمده و خدا به عنوان خالق شعورکل کیهان شناخته می‌شود که فرای زمان و مکان می‌باشد و توصیفی برای آن وجود ندارد.

از آنجایی که پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند؛ یکی از عواملی که می‌توانند به راحتی سلامت روانی و جسمانی افراد را در طول زندگی تهدید کنند، ادراک نادرست از خدا و در تضاد قرار گرفتن با او می‌باشد، که همه این موارد با توجه به شخصیت‌های متفاوت، متغیر است، و با توجه به این که ادراک از خدا می‌تواند نشان‌دهنده تحول شناختی، شخصیت و درک انسان از زندگی و میزان رشد اخلاقی فرد باشد؛ بنابراین هدف در این پژوهش این است که آیا آموزش‌های فرادمانی-سایمنتولوژی می‌توانند بر ادراک از خدا در افراد تاثیر گذار باشد؟

کاربرد میدان‌های شعوری (ط)

روش اجرای تحقیق میدان‌های شعوری (ط) (TCFs) بر اساس پروتکل‌های تنظیم شده توسط مرکز تحقیقات COSMOintel (www.COSMOintel.com) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) برای استفاده از میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش «تخصیص اعلامیه» قرار داد. این دسترسی برای همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت نام کنند و آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOintel گزارش دهند. جزئیات خاصی از آزمایش باید

بالاترین نمره در این آزمون ۲۸۸ و پایین ترین نمره ۷۲ می باشد. روایی و پایایی آزمون بدین صورت است: زیر مقیاس حضور ۰/۹۴- زیر مقیاس چالش ۰/۸۶- زیر مقیاس پذیرش ۰/۹۰- زیر مقیاس خیرخواهی ۰/۹۱- زیر مقیاس تاثیر ۰/۹۲- زیر مقیاس مشیت ۰/۹۲ و پایایی کل ۰/۹۱ و روایی کل آزمون نیز بین ۹۱ تا ۹۸ درصد بیان شده است (۱۳).

روش تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده های پژوهش و آزمون فرضیه و زیر مقیاس ها از روش تحلیل واریانس (ANOVA) برای اندازه گیری های مکرر استفاده شده است.

روش اجرا

در ابتدا پژوهشگران به صورت حضوری به مرکز عرفان کمال تهران مراجعه نمودند و نمونه گیری تصادفی انجام دادند. توضیحاتی در مورد تحقیقات، اقدامات و آموزش به افراد ارائه شد. سپس پرسشنامه گریلی قبل و بعد از دوره آموزشی تکمیل شد. دوره ها دو بار در هفته به مدت ۵۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه ای برگزار شد. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

شرح مختصری از جلسات آموزشی

هر جلسه به دو بخش تئوری و عملی تقسیم می شد. علاوه بر موضوعات نظری، جلسات عملی شامل ارتباط (اتصال) با شبکه شعور کیهانی (CCN) بود که در طول جلسات اجرا شد. یعنی در ابتدا، وسط و پایان هر جلسه، از شرکت کنندگان خواسته شد چشمانشان به مدت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه ببندند و اتصال با CCN را تجربه کنند. همچنین از شرکت کنندگان خواسته شد که در طول ارتباط، ناظر بی طرف بدن و ذهن خود باشند. سپس از احساسات و ادراک خود در گروه گزارش

به مرکز ارائه شود. مثلاً مشخصات یا تعداد و نام نمونه ها و کنترل ها باید مشخص شود.

شرکت کننده ها

از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت کننده برای آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۳۵ نفر بطور رندوم انتخاب شدند.

روش اندازه گیری

پرسشنامه ادراک از خدا گریلی (لارنس)

شامل ۷۲ عبارت است که ۶ زیر مقیاس دارد و به صورت لیکرت چهارتایی ارائه می شود و توسط قنبری هاشمی (۱۲)، هنجار و پایایی و روایی آن سنجیده شده است. زیر مقیاس های این آزمون بدین شرح می باشد:

۱- حضور: این خرده مقیاس به این موضوع می پردازد که آیا خداوند اینجا و برای من حضور دارد؟ این زیر مقیاس در واقع موضوع بنیادی حضور یا غیبت را می سنجد. انتظار می رود افرادی که ادراک خدا در ایشان بالغانه تر است در این مقیاس امتیاز بیشتری بگیرند.

۲- چالش: دومین زیر مقیاس آزمون چالش است و به این موضوع می پردازد که آیا خدا می خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟ این مقیاس میزان اعتقاد فرد به خواست خدا برای رشد و کمال وی را در لحظات سخت و روبرو شدن با موانع را می سنجد.

۳- پذیرش: این زیر مقیاس به این سوال می پردازد که آیا من شایسته دوست داشته شدن از جانب خداوند هستم؟ این مقیاس بیشتر بر ادراک فرد و ارزشی که وی بر خویشتن می گذارد تمرکز دارد.

۴- خیرخواهی: این زیر مقیاس به این موضوع می پردازد که آیا خداوند همانند کسانی است که مرا دوستم می دارند و آنچه را برای من بهتر است را برایم می خواهد؟

۵- تاثیر: من تا چه حد می توانم بر خداوند و خواست او تاثیر بگذارم؟

۶- مشیت: خداوند تا چه حد توان تاثیر گذاردن بر من دارد؟

دادند. انواع مختلفی از اتصال به میدان‌های شعوری (ط) اجرا شد که هر کدام اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند و به محتوای موضوعات خاص مربوط به هر جلسه مرتبط بودند. نتایج اتصالات به CCN، فعال سازی و اصلاح بسیاری از نرم افزارهایی است که انسان‌ها در اختیار دارند. با فعال‌سازی نرم‌افزار وجودی، دسترسی به اهداف از پیش تعیین‌شده هر

کلاس تسهیل شد. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در زمان‌های مشخصی از روز یا شب، هر روز در منزل به CCN متصل شدند.

نتایج:

فرضیه: آموزش سایمنتولوژی بر ادراک از خدا تأثیر دارد.

جدول ۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۳	۶۷/۹۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱: تحلیل واریانس متغیر ادراک از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۹۲۴/۱۲۹	۱	۱۹۲۴/۱۲۹	۶۷/۹۷	۰/۰۰۰	۰/۶۶
خطا	۹۶۲/۳۷	۳۴	۲۸/۳۰			

ادراک از خدا تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۶ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر بهبود ادراک از خدا معنادار بوده است.

۱- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس حضور تأثیر دارد.

آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود

جدول ۱-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۳	۴۴/۵۸	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱-۲: تحلیل واریانس متغیر حضور

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۱۰/۶۲	۱	۱۱۰/۶۲	۴۴/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۵۶
خطا	۸۴/۳۷	۳۴	۲/۴۸			

افزایش نمرات حضور تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۶ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیرمقیاس حضور معنادار بوده است.

۲- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس چالش تأثیر دارد.

آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی

جدول ۲-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۰	۳/۴۳	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۷۳	۰/۰۹



نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲-۲: تحلیل واریانس متغیر چالش

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۰/۶۲	۱	۲۰/۶۲	۳/۴۳	۰/۰۷	۰/۰۹
خطا	۲۰۴/۳۷	۳۴	۶/۰۱			

فرضیه تأیید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس پذیرش تأیید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس پذیرش تأیید نمی‌شود.

۳- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس پذیرش تأثیر دارد.

جدول ۳-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۴	۱/۸۲	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۱۸۲	۰/۵۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳-۲: تحلیل واریانس متغیر پذیرش

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۰/۶۲	۱	۲۰/۶۲	۱/۸۲	۰/۱۸۲	۰/۰۵
خطا	۱۹۵/۳۷	۳۴	۵/۷۴			

فرضیه تأیید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس پذیرش تأیید نمی‌شود.

۴- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس خیرخواهی تأثیر دارد.

جدول ۴-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۲	۴۶/۶۶	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۴-۲: تحلیل واریانس متغیر خیرخواهی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۶۸/۱۲	۱	۲۶۸/۱۲	۴۶/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۵۷
خطا	۱۹۵/۳۷	۳۴	۵/۷۴			

فرضیه تأیید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس خیرخواهی معنادار بوده است.

افزایش نمرات خیرخواهی تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۷ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

۵- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس تأثیر اثر دارد.

جدول ۵-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۸	۴/۲۶	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۴۷	۰/۱۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۵-۲: تحلیل واریانس متغیر تأثیر از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۲/۸۵	۱	۲۲/۸۵	۴/۲۶	۰/۰۴۷	۰/۱۱
خطا	۱۸۲/۱۴	۳۴	۵/۳۵			

روی کاهش نمرات تأثیر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۱۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

۶- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس مشیت تأثیر دارد.

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر کاهش نمرات زیر مقیاس تأثیر معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۵۳ درصد اطمینان

جدول ۶-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۲	۳۱/۳۲	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۶-۲: تحلیل واریانس متغیر مشیت از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۴۶/۲۲	۱	۲۴۶/۲۲	۳۱/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۲۸۶/۷۷	۳۴	۸/۴۳			

فردارمانی و سایمنتولوژی ۶۶٪ درک از خدا را در افراد تحت آزمون ارتقاء داده است و این درصد قابل توجه نش ان می‌دهد که این روش آموزشی در زمان نسبتاً کوتاه توانسته است تصور ذهنی افراد نسبت به خالق را تغییر دهد و با اصلاح این بینش مسلماً کیفیت ارتباط با خدا نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از اهداف اساسی عرفان کیهانی بهبود بینش و نگرش انسان به خود و جهان پیرامونش است، از آنجایی که ریشه بینشها از سنین بسیار پایین در انسان شکل می‌گیرد و در بخش ناخودآگاهی و نیمه خودآگاهی ثبت می‌شود اصلاح و تغییر آنها کار دشواریست (۳). اما فردارمانی و سایمنتولوژی با هدف اصلاح این نرم افزارها از روشهای تئوری و عملی خود بهره می‌گیرد.

مزلو (۱۴)، افراد مذهبی را تحت عنوان (peakers) یعنی افرادی که به اوج و بالاترین درجه می‌رسند و (none peakers)، یعنی افرادی که به اوج نمی‌رسند، طبقه‌بندی می‌کند. افرادی که دارای تجربیات اوج یا «متعالی» هستند، این عالم را به صورت یک کل یکپارچه تجربه کرده و به شناختی از هستی رسیده‌اند که همه چیز را

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس مشیت معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود مشیت تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

بطور خلاصه: دوره های آموزشی ۶۶٪ تغییر در پرسشنامه ادراک از خدا (گرلی) ایجاد کرد، همچنین با گذراندن این دوره‌ها تغییر قابل توجه در این زیرمقیاس‌ها دیده شد: حس حضور ۵۶٪، تأثیر حضور ۱۱٪، خیرخواهی ۵۷٪، عنایت و مشیت ۴۸٪، این آموزشها تاثیر قابل توجهی روی زیرمقیاس‌های چالش و پذیرش نداشتند.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق نتایج حاصله نشان می‌دهند که آموزش



پله عقل و عشق صورت می گیرد افرادی که به درک عالم عشق می رسند به درک معنای زندگی و یکپارچگی جهان هستی خواهند رسید و تضادهایشان با خود، خدا، هستی و دیگران از بین خواهد رفت. همچنین آنچه که در این روش آموزشی اهمیت بسزا دارد این است که علاوه بر اصلاح شناخت و بینش افراد، از ارتباطات (ارتباط با شبکه هوشمندی) فرادرمانی - سایمنتولوژی که جنبه عملی این روش هستند نیز استفاده شده است که این اتصالات و ارتباطات نقش تسریع کننده‌ای در بهبود درک از خدا و حس حضور او داشته‌اند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد کرمان که این پایان‌نامه در آنجا به ثبت رسیده است اعلام می‌کنند. همچنین از مرکز آموزشی عرفان کمال تهران که در اجرای این طرح ما را همراهی کردند سپاسگزاریم.

تضاد منافع

از دید نویسندگان هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

به طور فراگیر و مجزا از تجربه انسانی دریافت می‌کنند. به اعتقاد مزلو، این تجربیات اوج که نوع سالم تجربه مذهبی هستند، باعث می‌شوند تا تضادها و دوگانگی‌های زندگی برطرف شوند. از طرفی افراد none peakers یا افرادی که به تجربه اوج نمی‌رسند، طبق نظر مزلو از تجربیات اوج می‌هراسند و این تجربیات را انکار می‌کنند. این افراد با توجه به اینکه اغلب مادی نگر هستند و در چارچوب مشخصی فکر می‌کنند، تجربیات متعالی‌شان را که خارج از چارچوب فکری‌شان باشد، نادیده می‌گیرند.

طاهری (۱۵)، برای زندگی انسان دو مرحله یا حوزه در نظر می‌گیرد: عقل و عشق. از نظر او عالم عقل شامل تفکر و تعقل، مهارت و فن، علم و دانش، پند و نصیحت، تخیل و تصور، تلاش و کوشش، خواست و اراده، تلقین و تکرار است. در مقابل، دنیای عشق با ذوق و شوق، وجد و سرور، حیرت و تعجب، مهر و محبت، شور و هیجان، فداکاری و ایثار، عشق و علاقه سر و کار دارد. عالم عقل، اساس شناخت عالم عشق است و همه ادراکات انسان باید از طریق عالم عشق تکمیل شود. بنابراین، این دو قلمرو مکمل یکدیگرند. اگر انسان‌ها با عالم عشق و نتایج آن آشنا نباشند در درک خداوند هم توفیقی نخواهند داشت.

اما مذهب از نظر فرانکل (۱۶)، در معنای گسترده و صحیح خود تکاپوی بشر برای یافتن معنای نهایی و غایی است. از آنجا که آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر روی

- 1-Easthope G, Tranter B. (2000). Normal Medical Practice of referring patients for complementary medicine among Australian general practitioners. *Complement Therapy Medicine*; 8: 226-33
- 2-Halqeh Mysticism, *International Journal of Social Science and Humanity*, sep 2013, 3(5), 471-475
- 3-Taheri M. A. (2013). *Human from another outlook* (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 4-Taheri, M. A. (2011). *Psymatology*. Tehran: Interuniversal Press.
- 5-Okoz, Innocent, F. (2010). *Attachment To God: Its Impact on the Psychological Wellbeing of Persons with Religious Vocation*. (PhD Thesis). The Seton Hall University.
- 6-Gutierrez, J. L. G, Jimenez, B. M, Hernandez, E. G & Puente, L. P (2005), "personality and subjective well-being: Big five correlated and demographic variables", *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.
- 7-Hertel, B. R. & Donahue, M. J. (1995). Parental influences on God images among children: testing Durkheim's metaphoric parallelism, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 34, 186 –
- 8-Lawrence, R. T. (1997). Measuring the image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-236.10.
- 9-Benson, P, & Spilka, B. (1973). God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal for the scientific study of religion*, 297-310.
- 10-Koenig, H. G. (2013). *Is religion good for your health?: The effects of religion on physical and mental health*. Routledge.
- 11-Taheri M.A(2016). *Book abstracts*. Interuniversal press.
- 12-Ghanbari Hashem Abadi, B.A., Ashraf, M.H. (2012). Image of God and its relationship with demographics variables self-concept and self-efficacy. 10.22067/IJAPV2(1).13923
- 13-Golzari. M. (2000). *Behave religious beliefs scale, religion and mental health symposium*.
- 14-Maslow.A.H. (1968). *Toward A psychology of Being*. 2nd Edition. New York: D.van, No strand.
- 15-Taheri, M. A. (2011). *Human Insight*. Tehran: Tohfeh Press.
- 16-Frankl , V. (1963). *Mans Search for Meaning*. New York: Washington Square press.
- Taheri, M. A. (2013). *Definition of Mysticism and its Relationship with Healing as Approach by*



بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر معنای زندگی، در افراد مراجعه کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

آرزو پدرام نیا^۱، محمدعلی طاهری^۲، افشین لرستانی^۳، منیر حداد^{۴*}

خلاصه

فرادرمانی و سایمنتولوژی دو طب مکمل ایرانی هستند که کاربرد میدان‌های شعوری طاهری (TCFs) که توسط محمد علی طاهری شناسایی و معرفی شده است را در درمان اختلالات ابعاد وجودی انسان بررسی می‌کنند. در این روش از طریق ارتباط بین هوش جزء و هوش کل (هوشمندی کیهانی) (ط) اسکن زیرمجموعه صورت گرفته و ترمیم و اصلاح و بهبود انجام می‌پذیرد. این پژوهش باهدف بررسی تاثیر روش فرادرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری مرتبط با آنها بر معنای زندگی در مراجعه‌کنندگان به مرکز آموزش عرفان کمال در شهر تهران انجام شد. روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون پس آزمون بود و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین ۱۰۰ مراجعه‌کننده استفاده و تعداد ۳۵ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند و در گروه آزمایش قرار گرفتند. (دوره‌ها ۵۶ جلسه، دو بار در هفته و هر جلسه به مدت ۱۲۰ دقیقه به همراه آموزش تئوری و عملی میدان‌های شعوری (ط) بودند) برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه معنای زندگی (Wong)، استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۷۸٪ بر معنای زندگی افراد شرکت‌کننده در دوره‌ها تاثیر مثبت داشته است. ($F=126/28$, $p=0/000$, $\eta^2=0/78$) همچنین متغیرهای: رفتار منصفانه، صمیمیت، پذیرش خود، تعالی خود، مذهب، ارتباطات و پیشرفت افزایش نشان دادند. در مبحث فرادرمانی و سایمنتولوژی که تمرکز اصلی بر اصلاح بینش انسان و درک فلسفه خلقت می‌باشد پیش‌بینی می‌شود که پس از آموزش‌های دوره، بینش افراد در این مقوله‌ها اصلاح شوند که نتایج آماری نیز آنرا تایید نمودند.

۱. کارشناس ارشد مشاوره و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد کرمان، ایران.

۲. بخش تحقیق و توسعه Sciencefact، مرکز تحقیقات Cosmointel Ltd، انتاریو، کانادا.

۳. کارشناس ارشد مدیریت استراتژیک، کارشناس حرفه‌ای مدیریت پروژه

۴. متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

*نویسنده مسئول:

متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

پست الکترونیکی: hadad.m@iums.ac.ir

کلیدواژه‌ها: فرادرمانی، سایمنتولوژی، میدان‌های شعوری (ط)، ویژگی‌های شخصیت کلونینگر، طب مکمل، شخصیت واقعی، شخصیت حقیقی

مقدمه

طب سنتی به طور کلی به وجود انسان با رویکردی کل نگر می‌نگرد و از محیط جغرافیایی، تمدن و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، طب مدرن (آلپاتیک) ریشه در شمال اروپا، یونان و روم دارد. در کنار طب مدرن، بیش از صد رویکرد پزشکی برای درمان بیماران و پیشگیری از بیماری در افراد سالم علیرغم تفاوت در اصول، قوانین، تشخیص و روش‌های درمانی تلاش می‌کنند. این روش‌ها به عنوان طب مکمل یا جایگزین در سراسر جهان شناخته می‌شوند. هدف از این رویکرد ارتقاء سطح سلامت، کیفیت زندگی و امید به آن از طریق استفاده هوشمندانه از رویکردهای طبیعی و روش‌های مختلف طب مکمل یا جایگزین با استناد به تحقیقات و تجربیات بالینی است (۱).

فردرمانی و سایمنتولوژی رشته‌هایی از طب مکمل ایرانی می‌باشند که از نوعی نگرش به نام فراکل نگرشی نشأت گرفته‌اند و این نگرش انسان را به وسعت و عظمت جهان هستی می‌داند و اساس آن از طریق اتصال با هوشمندی کیهانی می‌باشد (۲).

میدان‌های شعوری طاهری^۱ (TCFs)

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۲ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

محمدعلی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کامواپنتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینسفکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی (T-Consciousness) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور(ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۳).

علم جدید ساینسفکت در سال ۲۰۲۰ توسط محمدعلی طاهری، بنیانگذار مکتب عرفان کیهانی حلقه به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های این مکتب، معرفی شده است. نام «ساینسفکت»، به این دلیل انتخاب شده است که از تحقیقات علمی به منظور تایید وجود شعور (ط) به عنوان یک «وجود مسلم» (فکت) استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این

۱. میدان‌های شعوری که توسط طاهری معرفی شده اند بشکل میدان‌های شعوری (ط) نمایش داده می‌شوند.

۲. Taheri Consciousness Fields



دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. اتصال توسط ذهن فرادرمانگر (فرد آموزش دیده‌ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود. این میدان‌ها مستقیماً قابل اندازه‌گیری توسط علم نیستند، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های تکرار پذیر بررسی کرد (۳).

پایه ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن:

فرض اولیه: شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است،

حکم: وجود «شعور (ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیزم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود

برهان: تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در فاز صفر: اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور (ط) پرداخته نخواهد شد.

فاز اول: به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد.

فاز دوم: چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند.

فاز سوم: بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد.

نهایتاً، فاز چهارم: نتیجه گیری های کلان به ویژه در ارتباط با

ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی فرادرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری (ط) مرتبط با آنها بر معنای زندگی مراجعین مرکز عرفان کمال تهران (پایتخت ایران) انجام شد. در فرادرمانی و سایمنتولوژی، ذهن نه تنها بخشی از مغز تلقی نمی‌شود، بلکه عملکرد مغز تابعی از فعالیت ذهن تلقی می‌شود و مغز نیز توسط ذهن اداره می‌شود. «ذهن» در سایمنتولوژی مسئولیت مدیریت نرم افزاری تمام ابعاد وجودی انسان، مدیریت حافظه، یادگیری، یادآوری، مدیریت تنظیم داده‌ها و مدیریت سلول و بدن را بر عهده دارد (۴).

نظریه های مرتبط با معنای زندگی

استایگر و فرایزر (۵)، معنای زندگی را در احساس سازنده بودن انسان موثر دانسته و حتی ادعا می‌کنند که ماهیت انسان و وجود او منوط به دارا بودن چنین مفهومی است.

مدی (۶)، معنای زندگی را امری ذاتی برای زندگی می‌داند. به اعتقاد او در ذات زندگی (به طبع ذات عالم هستی)، معنا یا هدفی نهفته است که انسان باید آن را کشف کند و در واقع مقصود او از معنای زندگی این است که زندگی انسان هدفی داشته باشد و منظور از این هدف طراحی دلایل اساسی و ذاتی برای زندگی است.

فرانکل (۷)، معنای زندگی را فرآیند اکتشاف در جهان ذاتاً معنادار تصور کرده است. نظریه او بدین قرار است: معنی خلق نمی‌شود، بلکه در جهان بیرون از شخص کشف می‌شود و بر واقعیت عینی زندگی افراد مستولی است. برای هر موقعیتی حتماً یک معنی وجود دارد و جستجوی فردی معنای واقعیت، انگیزه اولیه انسان است. بر طبق نظریه فرانکل اگر افراد معنایی را تعقیب نکنند، احتمالاً خلاء وجودی یا بی معنایی را تجربه خواهند کرد. او تعالی نفس را یکی از ضروری ترین ویژگی‌های وجودی انسان می‌داند.

شخص سالم از مرز توجه به خود گذشته و فراتر رفته است. انسان کامل بودن، یعنی به کسی یا چیزی فراسوی خود پیوستن. این هدف را می‌توان از طریق بالفعل کردن معنا یا برخورد محبت‌آمیز با دیگران به دست آورد. فرانکل به جای جستجوی خود، جستجوی معنای زندگی و تحقق آن را اساسی‌ترین نیاز و هویت انسان می‌داند. از دید او افراد ممکن است بیش از حد بر روی خود تمرکز کنند، اما تعالی زمانی آشکار می‌شود که افراد خود را فراموش کنند. تحمل مشکلات روانی که مانع تعالی می‌شود در تضاد با جستجوی معنای زندگی است. دو عامل اصلی وجود دارد که فرد را از تعقیب تعالی باز می‌دارد: مقاصد مفرط و خودنگری مفرط. مقاصد مفرط، به معنای توجه زیاد برای رسیدن به اهداف خود است و بازتاب، خودنگری مفرط، اشتغال ذهنی بیش از حد به مسائل خود است.

طاهری (۸)، معنای زندگی انسان را در درک فلسفه آفرینش انسان می‌داند، بطوری که اگر انسان به دلیل خلقت خود پی‌نبرد به معنای زندگی خویش پی نخواهد برد و فقط به زندگی مادی و منفعت طلبی شخصی توجه خواهد نمود. برای دانستن فلسفه وجودی، ماهیت انسان و جایگاه او در اکوسیستم باید رفتار، شخصیت و سایر تعریف‌های مرتبط با انسان را به روشنی تصویر و تفسیر نمود. با در نظر گرفتن این مهم، سایمنتولوژی توجه ویژه‌ای به فهم جایگاه انسان در اکوسیستم دارد (۹). انسان برای شناخت، فهم و درک هستی همواره دو پله پیش رو دارد: پله عقل و پله عشق. پله عقل اصطلاحاً دنیای ابزار و پله عشق دنیای بی‌ابزاری نامیده می‌شود. پله عقل، پایه فهم پله عشق بوده و کلیه ادراکات انسان از آن طریق صورت می‌گیرد، پس عقل و عشق لازم و ملزوم یکدیگرند. پله عشق کیفیت وجودی هستی و انسان را بررسی می‌کند. طاهری، اساس آفرینش را عشق می‌داند و برای انسان در طی زندگی، مراتبی از رشد بر پله عشق قائل است، که این رشد در راستای معنا بخشیدن به زندگی انسان تعریف می‌شود. او انسان را در ابتدای تولد در اوج عشق به خود و خودشیفتگی می‌داند، ولی به مرور در طی زندگی عشق به دیگران در وجود انسان رشد پیدا می‌کند، بطوریکه

عشق زمینی (عاشق فرد دیگری شدن) می‌تواند اوج عشق به دیگری باشد که در آن فرد علاوه بر عشق به خود، عشق به فرد دیگری را هم تجربه می‌کند. مرحله سوم رشد در عشق زمانی اتفاق می‌افتد که فرد کاملاً از عشق به خود خارج شده و عشقش متوجه همه هستی و مخلوقات می‌گردد، این مرحله بالاترین مرحله در یافتن معنای زندگی انسان می‌باشد و برای رسیدن به آن باید مراتبی از خودشناسی و گذر از وابستگی‌ها را طی نمود (۸).

استرنبرگ (۱۰)، نیز برای عشق سه پایه تعریف می‌کند که شامل شور و شوق، صمیمیت و تعهد است. در صورتی که در فرد هر سه پایه رشد یافته باشند انسان به پختگی در عشق می‌رسد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر طب‌های مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی بر معنای زندگی می‌باشد، که به نوبه خود می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی افراد در طول زندگی تأثیر بگذارد (۲). با این فرض که آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی می‌تواند معنای زندگی و سازندگی را برای شرکت‌کنندگان افزایش دهد.

روش اجرا

کاربرد میدان‌های شعوری (ط)

میدان‌های شعوری طاهری (TCFs) بر اساس پروتکل‌های تنظیم شده توسط مرکز تحقیقات COSMOintel (www.COSMOintel.com) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) برای استفاده از میدان‌های شعوری طاهری را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش «تخصیص اعلامیه» قرار داد. این دسترسی برای همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت‌نام کنند و آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOintel گزارش دهند. جزئیات خاصی از آزمایش باید به مرکز ارائه شود. مثلاً مشخصات یا



تعداد و نام نمونه‌ها و کنترل‌ها باید مشخص شود.

دادند. توضیحاتی در مورد تحقیقات، اقدامات و آموزش به افراد ارائه شد. سپس پرسشنامه وانگ قبل و بعد از دوره آموزشی تکمیل شد. دوره‌ها دو بار در هفته به مدت ۵۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

شرکت کننده ها

از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت کننده برای آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۳۵ نفر بطور رندوم انتخاب شدند.

شرح مختصری از جلسات آموزشی

هر جلسه به دو بخش تئوری و عملی تقسیم می‌شد. علاوه بر موضوعات نظری، جلسات عملی شامل ارتباط (اتصال) با شبکه شعور کیهانی (CCN) بود که در طول جلسات اجرا شد. یعنی در ابتدا، وسط و پایان هر جلسه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد چشمانشان به مدت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه ببندند و اتصال با CCN را تجربه کنند. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد که در طول ارتباط، ناظر بی طرف بدن و ذهن خود باشند. سپس از احساسات و ادراک خود در گروه گزارش دادند. انواع مختلفی از اتصال به میدان‌های شعوری (ط) اجرا شد که هر کدام اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند و به محتوای موضوعات خاص مربوط به هر جلسه مرتبط بودند. نتایج اتصالات به CCN، فعال‌سازی و اصلاح بسیاری از نرم افزارهایی است که انسان‌ها در اختیار دارند. با فعال‌سازی نرم‌افزار وجودی، دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده هر کلاس تسهیل شد. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در زمان‌های مشخصی از روز یا شب، هر روز در منزل به CCN متصل می‌شدند.

روش تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف داده‌ها و برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل واریانس (ANOVA) برای اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شده است.

پرسشنامه معناداری زندگی (Wong)

این پرسشنامه به دنبال اندازه‌گیری ادراک فرد از معنا داری زندگی شخصی خود می‌باشد و دارای ۷۵ سوال است. توسط وانگ (۱۱)، در ۱۹۹۸ ساخته شده است و دارای ۷ زیر مقیاس بوده که میزان گسترده‌تری از سازه معنای شخصی را تحت پوشش قرار می‌دهد. همانند پرسشنامه‌هایی از این دست برگرفته از نظرات ویکتور فرانکل و معنادرمانی ایشان است. وانگ آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۳ گزارش نموده است. استیون لازاری (۱۲)، آلفای کلی آن را ۰/۹۴ و آلفای زیر مقیاس‌های آن رابه شرح زیر به دست آورده است.

- ۱) زیرمقیاس پیشرفت ۰/۸۹
- ۲) زیرمقیاس ارتباطات ۰/۸۵
- ۳) زیرمقیاس ارزشهای دینی ۰/۸۲
- ۴) زیرمقیاس تعالی خود ۰/۷۹
- ۵) زیرمقیاس پذیرش خود ۰/۶۸
- ۶) زیرمقیاس صمیمیت ۰/۵۹
- ۷) زیرمقیاس رفتار عادلانه ۰/۵۶

روش اجرا

در ابتدا پژوهشگران به صورت حضوری به مرکز عرفان کمال تهران مراجعه نمودند و نمونه‌گیری تصادفی انجام

جدول ۱-۱: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۲۱	۱۲۶/۲۸	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱-۲: تحلیل واریانس متغیر معنای زندگی						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۱۰۸۰۳/۲۱	۱	۱۱۰۸۰۳/۲۱	۱۲۶/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۷۸
خطا	۲۹۸۳۲/۲۸	۳۴	۸۷۷/۴۲			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات معنای زندگی تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۷۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند. **مقیاس ۱- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس رفتار منصفانه تأثیر دارد.**

جدول ۱: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۸	۵۳/۷۱	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲: تحلیل واریانس متغیر رفتار منصفانه						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۲۳/۲۱	۱	۲۲۳/۲۱	۵۳/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۶۱
خطا	۱۴۱/۲۸	۳۴	۴/۱۵			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس رفتار منصفانه در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات زیر مقیاس رفتار منصفانه در آزمون معنای زندگی تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند. **مقیاس ۲- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس صمیمیت تأثیر دارد.**

جدول ۳: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۸	۵۲۱/۰۶	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۴: تحلیل واریانس متغیر صمیمیت						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۸۸۵/۷۲	۱	۸۸۵/۷۲	۵۲۱/۰۶	۰/۰۰۰۰	۰/۹۳
خطا	۸۸۵/۷۷	۳۴	۲۴/۵۲			



فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس صمیمیت در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات صمیمیت تاثیر می‌گذارد و این

آموزش ۹۳ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

مقیاس ۳- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس پذیرش خود تاثیر دارد.

جدول ۴: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۲۸	۸۳/۸۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۵: تحلیل واریانس متغیر صمیمیت

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۷۶۰/۰۱	۱	۱۷۶۰/۰۱	۸۳/۸۷	۰/۰۰۰	۰/۷۱
خطا	۷۱۳/۴۸	۳۴	۲۰/۹۸			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس پذیرش خود در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی

افزایش نمرات پذیرش خود تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۷۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

مقیاس ۴- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس تعالی خود تاثیر دارد.

جدول ۶: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۰	۷۸/۹۲	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۹

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۷: تحلیل واریانس متغیر پذیرش خود

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۹۰۵/۷۲	۱	۲۹۰۵/۷۲	۷۸/۹۲	۰/۰۰۰	۰/۶۹
خطا	۱۲۵۱/۷۷	۳۴	۳۶/۸۱			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس تعالی خود در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی

افزایش نمرات تعالی خود تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۹ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

مقیاس ۵- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس مذهب تاثیر دارد.

جدول ۸: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۲۱	۱۲۵/۱۱	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۹: تحلیل واریانس متغیر مذهب						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۵۲۸۰/۹۱	۱	۵۲۸۰/۹۱	۱۲۵/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۷۸
خطا	۱۹۵/۳۷	۳۴	۴۲/۲۰۸			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس مذهب در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات مذهب تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۷۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

مقیاس ۶- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس ارتباطات تأثیر دارد.

جدول ۱۰: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۰	۵۰/۹۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۰

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱۱: تحلیل واریانس متغیر ارتباطات						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۵۷۴/۶۴	۱	۱۵۷۴/۶۴	۵۰/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۶۰
خطا	۱۰۵۰/۳۷	۳۴	۳۰/۸۹			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس ارتباطات در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات ارتباطات تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۰ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

مقیاس ۷- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس پیشرفت تأثیر دارد.

جدول ۱۲: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۸	۳۶/۱۱	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱۳: تحلیل واریانس متغیر پیشرفت						
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۴۹۸۹/۷۲	۱	۴۹۸۹/۷۲	۳۶/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۵۱
خطا	۴۶۹/۷۷	۳۴	۱۳۸/۱۷			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس پیشرفت در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات



پیشرفت تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر معنای زندگی و مؤلفه‌های آن به صورتی که با ۷ خرده مقیاس پرسش‌نامه معنای زندگی ارائه شد، انجام شد. این فرضیه وجود داشت که آموزش در مقادیر همه متغیرهای وابسته افزایش می‌یابد. داده‌ها همه فرضیه‌ها را تایید کردند.

با توجه به آموزش، ۷۶٪ تغییر معنای زندگی برای شرکت‌کنندگان رخ داد. به عبارت دیگر، ادراک، تفسیر، قضاوت و نگرش آنها پس از آموزش به طور موثر افزایش یافت. این رقم قابل توجه تأثیر عمیق فرادرمانی و سایمنتولوژی را بر احساس مسئولیت و رسالت در زندگی افراد ثابت کرد. بنابراین، با در نظر گرفتن داده‌ها، آموزش بر معنای زندگی شرکت‌کنندگان تأثیر گذاشت.

بر اساس نظریه فرانکل و دیگر درمانگران، معنای زندگی از طریق یافتن پاسخی برای معمای زندگی، نقش و رسالت انسان و تعیین اهداف ارزشمند به دست می‌آید که به نوبه خود می‌تواند منجر به احساس بلوغ و سودمندی شود. فرانکل (۷)، اظهار داشت که در دنیای بیرون معنا خلق نمی‌شود بلکه کشف می‌شود. فرادرمانی و سایمنتولوژی این مفهوم را از طریق کشف حقیقت ورای اپرده واقعیت مطرح می‌کنند. با یافتن حقیقت، تلخی واقعیت از بین می‌رود. چنین رویکردی به حقیقت با تفکر و برنامه ریزی امکان پذیر نیست، بلکه از طریق ارتباط با هوشمندی کل و به دنبال آن دستیابی به حقیقت امکان پذیر است. فرانکل معتقد است که اگر مردم به دنبال معنا در زندگی خود نباشند، خلاء وجودی یا بی‌معنایی را تجربه خواهند کرد. فرادرمانی و سایمنتولوژی نیز معتقدند که عدم دسترسی به حقیقت باعث ایجاد زندگی مادی یا فانی می‌شود. در

معنادرمانی (لگوترایی)، این معنا می‌تواند جستجوی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مانند صلح، زیبایی، عدالت و برادری باشد. در فرادرمانی و سایمنتولوژی، معنای زندگی حرکت به سوی کمال تعریف شده است که علاوه بر ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، اهداف زیر را شامل می‌شود: ارتقای کیفیت در همه ابعاد زندگی، عشق ورزیدن، رهایی از خودبزرگ بینی، دستیابی به صلح با خود و جهان هستی، بی‌طرفی و قضاوت نکردن نسبت به دیگران، رفع تضاد و تعارض با دیگران و صلح با آنان، پرهیز از کثرت، اتحاد با جهان هستی و در مجموع داشتن دیدگاه یکپارچه به کل هستی به عنوان یک تن واحد.

فرادرمانی و سایمنتولوژی در مقابل لوگوترایی (معنادرمانی فرانکل)، تعریف خاصی برای معنای زندگی در هر موقعیتی قائل نیستند، معانی مختلفی وجود دارد که به دو صورت خاص (تجربه فردی) و عام (نقش تجربه در کل هستی) برای افراد قابل دسترسی است.

از نظر فرادرمانی و سایمنتولوژی، فرد نه تنها نسبت به موقعیت‌های زندگی بلکه نسبت به کل هستی احساس مسئولیت می‌کند. با قبول چنین مسئولیتی، هر لحظه از زندگی پر از هدف و معنا می‌شود. فرانکل معتقد بود که این ویژگی خاص انسان است که نمی‌تواند بدون فکر کردن به آینده زندگی معنوی داشته باشد، زیرا بدن به سرعت در معرض مرگ و میر قرار می‌گیرد. در این راستا، فرانکل ویژگی دیگری را در نظر می‌گیرد، یعنی رسیدن به تعالی با کنار گذاشتن خود بزرگ بینی که از طریق زنده کردن و بالفعل کردن معنا امکان پذیر است. تفاوت فرادرمانی و سایمنتولوژی با نظریه فرانکل در این است که فرانکل معنای زندگی را در قالب روشی می‌داند که انسان را از خود رها می‌کند و به دنیای بیرون هدایت می‌کند، در حالی که فرادرمانی و سایمنتولوژی معنای زندگی را حرکت به سوی کمال می‌داند. بنابراین، فرادرمانی و سایمنتولوژی معنا را نه به عنوان غایت، بلکه به عنوان یک وسیله تعریف می‌کند.

نتایج آزمون نشان داد که مقادیر رفتار منصفانه پس از آموزش افزایش یافت و این یافته ۶۱ درصد تغییر در

پس آزمون داشت. این ارتقاء به این واقعیت اشاره دارد که با درک وحدت و یکپارچگی جهان، دیدگاه فرد نسبت به دیگران تغییر می‌کند. نگرش جدید او را نسبت به هر رنجی که بر دیگران تحمیل می‌شود حساس می‌کند. به این ترتیب او به طور خودکار عدالت و انصاف را نسبت به دیگران افزایش می‌دهد.

داده‌ها نشان داد که تأثیر آموزش بر نتایج خرده مقیاس صمیمیت معنادار بوده و ۹۳ درصد تغییرات را از پیش آزمون تا پس آزمون به خود اختصاص داده است. مقوله صمیمیت ناشی از به حداقل رساندن تعارض با دیگران و جلب محبت نسبت به آنها از طریق صلح با همه است. وقتی انسان کل جامعه بشری را بدنه واحدی بداند که همه سلول‌ها در آن به هم متصل شده و سلامت یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نسبت به دیگران احساس مسئولیت و صمیمیت می‌کند و هیچ بخشی از جامعه را جدا از خود نمی‌بیند.

بر طبق نظریه استرنبرگ (۱۰)، صمیمیت یکی از سه پایه اصلی عشق ورزی می‌باشد، در عرفان کیهانی نیز که هدف آن آشنا شدن با عالم عشق و ورود به آن می‌باشد، آموزش‌ها در جهت رفع تضادها و رسیدن به صلح با دیگران پیش می‌رود که نتیجه آن افزایش حس صمیمیت در افراد است.

نتایج در مورد خرده مقیاس پذیرش خود معنادار بود. پذیرش خود زمانی حاصل می‌شود که تضاد درونی با خود کاهش یابد و صلح با خود به وجود آید. چنین صلحی با خود امکان پذیر نخواهد بود مگر اینکه فرد بتواند جایگاه خود را در وجود خود بشناسد و در نتیجه به معرفت و آگاهی دست یابد. زمانی که نرم افزارهای بینش اصلاح شوند، نگرش نسبت به خود نیز اصلاح می‌شود. این نوع رویکرد به قدرت مدیریت فردی سالم و پویا منجر می‌شود.

نتایج قابل توجه در مورد تعالی خود ۶۹ درصد از تغییرات از پیش آزمون تا پس آزمون را به خود اختصاص داده است. این خرده مقیاس به یادگیری‌هایی اشاره دارد که منجر به تغییر و دگرگونی فرد می‌شود. آموزش این بخش شامل بحث در مورد شبکه شعور کیهانی، تجربه و

درک هم‌فازی‌های درک شده (کیهانی، زمانی) و به مقام صالح رسیدن (صلح با خدا، صلح با خود، صلح با هستی و صلح با دیگران)، درک وادی عشق و همچنین درک وحدت جهان هستی برمی‌خوریم که باعث تعالی افراد شده‌اند (۱۳).

افزایش نمرات زیر مقیاس ارزش‌های دینی در آزمون معنای زندگی با تغییر ۷۸ درصد معنادار بوده است. دستیابی به معرفت و حقیقت مناسک دینی از طریق اتصال با شبکه شعور کیهانی و دسترسی به ادراکات الهی صورت می‌گیرد (۸). در فرادمانی و سایمنتولوژی از طریق اصلاح شناخت افراد نسبت به باطن مناسک دینی و اتصالات خاص عملی دیدگاه‌های مذهبی ارتقاء می‌یابند.

تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس ارتباطات در آزمون معنای زندگی معنادار بوده است و ۶۰ درصد افزایش داشته است. افراد پس از رهایی از اسارت خویشتن و درک وحدت با جهان هستی و همچنین رسیدن به صلح با دیگران ارتباطاتشان گسترده و بهبود می‌یابد (۱۳). طبق نظریه استرنبرگ در مورد عشق، حس تعهد و مسئولیت‌پذیری یکی از سه پایه اصلی در عشق ورزی است، یعنی صمیمیت بدون تعهد و مسئولیت‌پذیری به معنی عشق ورزی نیست، در عرفان کیهانی نیز موضوع عشق ورزی نظری و عملی متفاوت است و شرط عشق حقیقی داشتن تعهد می‌باشد، بنابراین آموزش عرفان کیهانی با ارتقای درک عشق عملی و بهبود روابط همراه است.

در این بررسی افزایش نمرات زیر مقیاس پیشرفت در آزمون معنای زندگی معنادار بوده و ۵۱ درصد ارتقا داشته است. با طی این آموزشها افراد به این درک می‌رسند که با اختیار کردن و تلاش و توکل به خواسته‌های خود می‌رسند و پیشرفت می‌کنند.

در خاتمه در مورد دوره های آموزشی فرادمانی و سایمنتولوژی که با محوریت اصلاح جهان بینی و فلسفه خلقت انسان می‌باشد، پیش بینی می‌شود که نگرش و بینش افراد نسبت به این موضوعات پس از گذراندن دوره‌های آموزشی اصلاح شود که نتایج آماری نیز تاییدکننده است.

چنین شواهدی توسط مبتکر این روش به عنوان Sciencefact شناخته می‌شود.

اجرای این طرح ما را همراهی کردند سپاسگزاریم.
ما مراتب قدردانی خود را از خانم مهرناز منزوی بابت همفکری و همراهی‌شان اعلام می‌داریم.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد کرمان که این پایان نامه در آنجا به ثبت رسیده است اعلام می‌کنند. همچنین از مرکز آموزشی عرفان کمال تهران که در

تضاد منافع

از دید نویسندگان هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

- 1-Easthope G, Tranter B. (2000). Normal Medical Practice of referring patients for complementary medicine among Australian general practitioners. *Complement Therapy Medicine*, 8: 22-33
- 2-Taheeri, M.A. (2013). Classification of disorders as approach by psymentology, *Procedia – Social and Behavioral Sciences* 84,1421-1430. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.767>
- 3-Taheeri M. A. (2013). *Human from another outlook* (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 4-Taheeri, M.A. (2013). Definition of mind or mental body as approach by Halqeh mysticism, *Procedia – Social and Behavioral Sciences* 84,1509-1517. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.781>
- 5-Steger, F. M & Frazier, P. (2006). The meaning in life questionnaire: assessing presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 80-93.
- 6-Maddi, S. R, (2004). Hardiness: An Operationalization of Existential Courage. *Journal of Humanistic Psychology*. 44(3). <https://doi.org/10.1177/0022167804266101>
- 7-Frankl, V. (1963). *Mans search for meaning-* New York: Washington Square Press.
- 8-Taheeri, M. A. (2011). *Human Insight*. Tehran:Tohfeh Press.
- 9-Taheeri, M. A. (2011). *Psymentology*. Terhran: Interuniversal Press.
- 10-Sternberg, Robert J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), Apr 1986, 119-135
- 11-Wong, P.T.P, (1998). *Implicit theories of meaningful life and the development of the personal meaning profile*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- 12-De Lazzari, S. A. (2002). *Emotional intelligence, meaning, and psychological well being : a comparison between early and late adolescence*. (PhD). Trinity Western University Ottawa.
- 13-Taheeri, M.A. (2013). Definition of peace and it's different types as approach by Halqeh mysticism, *Procedia – Social and Behavioral Sciences* 114,56-61. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.656>



بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی، در افراد مراجعه کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

آرزو پدram نیا^۱، محمدعلی طاهری^۲، منیر حداد^{۳*}

خلاصه

فرادرمانی و سایمنتولوژی دو طب مکمل ایرانی هستند که کاربرد میدان‌های شعوری طاهری (TCFs) که توسط محمد علی طاهری شناسایی و معرفی شده است را در درمان اختلالات ابعاد وجودی انسان بررسی می‌کنند. در این روش از طریق ارتباط بین هوش جزء و هوش کل (هوشمندی کیهانی) اسکن در زیر مجموعه اجزای وجودی انسان صورت گرفته و ترمیم و اصلاح و بهبود انجام می‌پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش روش فرادرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری (ط) مرتبط با آنها بر ویژگی‌های شخصیت در مراجعه‌کنندگان به مرکز آموزش عرفان کمال در شهر تهران انجام شد. روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون بود و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین ۱۰۰ مراجعه کننده استفاده و تعداد ۳۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و در گروه آزمایش قرار گرفتند. دوره‌ها ۵۶ جلسه، دو بار در هفته و هر جلسه به مدت ۱۲۰ دقیقه به همراه آموزش تئوری و عملی میدان‌های شعوری بودند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ارزیابی شخصیت کلونینگر (TCI)، استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که به جز خرده مقیاس وابستگی به پاداش و پشتکار، آموزش فرادرمانی و روانشناسی بر ویژگی‌های شخصیتی شرکت کنندگان تاثیر معناداری دارد. در ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی مراجعه‌کنندگان پس از پایان دوره این زیر مقیاس‌ها دچار افزایش شدند: خودراهبری (self-directedness) ۴۶٪، همکاری (coopration) ۴۸٪، تعالی‌جویی (self-transcendence) ۵۴٪ این زیر مقیاس‌ها کاهش یافتند: اجتناب از آسیب (harm-avoidance) ۴۸٪، نوجویی (novelty-seeking) ۱۱٪. در مبحث فرادرمانی و سایمنتولوژی که تمرکز اصلی بر اصلاح بینش انسان و درک فلسفه خلقت می‌باشد پیش‌بینی می‌شود که پس از آموزش‌های دوره، بینش افراد در این مقوله‌ها اصلاح شوند که نتایج آماری نیز آن را تایید نمودند.

۱. کارشناس ارشد مشاوره و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد کرمان، ایران.

۲. بخش تحقیق و توسعه Sciencefact، مرکز تحقیقات Cosmointel Ltd.، انتاریو، کانادا.

۳. متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

* نویسنده مسئول:

متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

پست الکترونیکی: hadad.m@iums.ac.ir

(T-Consciousness) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیرانرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور(ط)» و «میدان‌های شعوری(ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۲).

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection) بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

اتصال توسط ذهن فرادمانگر (فرد آموزش دیده‌ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود.

پایه ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن:

فرض اولیه: شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است

حکم: وجود «شعور (ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلولها، مواد و غیره) اثبات شود

طب سنتی به طور کلی به وجود انسان با رویکردی کل‌نگر می‌نگرد و از محیط جغرافیایی، تمدن و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، طب مدرن (آلویاتیک) ریشه در شمال اروپا، یونان و روم دارد. در کنار طب مدرن، بیش از صد رویکرد پزشکی برای درمان بیماران و پیشگیری از بیماری در افراد سالم علیرغم تفاوت در اصول، قوانین، تشخیص و روش‌های درمانی تلاش می‌کنند. این روش‌ها به عنوان طب مکمل یا جایگزین در سراسر جهان شناخته می‌شوند. هدف از این رویکرد ارتقاء سطح سلامت، کیفیت زندگی و امید به آن از طریق استفاده هوشمندانه از رویکردهای طبیعی و روشهای مختلف طب مکمل یا جایگزین با استناد به تحقیقات و تجربیات بالینی است (۱).

فردارمانی و سایمنتولوژی دو رشته از درمانهای طب مکمل ایرانی می‌باشند که از نوعی نگرش به نام فراکل نگری نشأت گرفته است و این نگرش انسان را به وسعت و عظمت جهان هستی می‌داند و اساس آن از طریق اتصال با هوشمندی کیهانی می‌باشد.

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۱ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

محمدعلی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کازمواینتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینسفکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی



برهان: تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صرفاً چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در فاز صفر: اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور (ط) پرداخته نخواهد شد.

فاز اول: به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد.

فاز دوم: چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند.

فاز سوم: بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد.

نهایتاً، فاز چهارم: نتیجه‌گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

شخصیت و کاراکتر از دیدگاه روانشناسی

شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روان‌شناسی دانست، زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف و احساسات، هوش و مواردی از این قبیل است. گوردون آلپورت (۳) از محققین بزرگ در زمینه شخصیت، سازمان یابی نظامات بدنی و روانی به عنوان ویژگی‌های رفتاری فکری در فرد را شخصیت نامید. به این طریق او شخصیت را یک سیستم ساختار یافته معرفی می‌کند و آنرا سیستم سایکو فیزیکی می‌داند نه صرفاً مرتبط

به روان و نه صرفاً مرتبط به اعصاب، اما مجموعه‌ای از این دو. هیلگارد (۴)، در تعریف خود از کلیت شخصیت فاصله گرفته و نوعی برگشت به قوای ذهنی را در تعریف خود نشان داده است و آن را چنین تعریف می‌نماید: شخصیت الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند. بر این اساس، یکی از اولین وظایف روانشناسی شخصیت، توصیف تفاوت‌های فردی، یعنی انواع و اقسام تفاوت‌های یک فرد با فرد دیگر است. کتل از مقوله محتوایی، در شخصیت خارج شده و جنبه کاربردی شخصیت را در تعریف خود عنوان می‌کند و آن را چنین تعریف می‌کند: «شخصیت چیزی است که به ما اجازه می‌دهد پیش بینی کنیم که شخص در یک موقعیت معین چه خواهد کرد، یعنی چه عملی از او ناشی خواهد شد» (۵).

در قرن بیستم، اصطلاح عصبی-شیمیایی نقشی دوگانه در نظریه پردازش رویکرد زیست شناختی به شخصیت دارد. علاوه بر این، دانشمندان به نقش فرآیندهای ژنتیکی، اثری و تکاملی در شکل‌گیری رفتارهای انسان توجه کرده‌اند.

کلونینگر (۶)، با پذیرش تعریف آلپورت از شخصیت، اعتقاد دارد شخصیت به دلیل تعامل بین عوامل ارثی و محیطی شکل می‌گیرد. بر خلاف باور عمومی، عوامل محیطی مشترک بر روی خواهر و برادرهایی که با هم بزرگ شده‌اند تأثیر کمی بر روی ویژگی‌های سرشتی پایه دارد یا اصلاً تأثیری ندارد. با این حال، بر سایر ابعاد شخصیتی تأثیر می‌گذارد.

کلونینگر (۷) از نظر ساختاری، شخصیت را شامل سه جنبه سرشت، منش و روان (قسمت هوشند و خلاق وجود) می‌داند. عامل سرشت اساسی زیستی شخصیت، و منش جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را دربردارد و روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) ویژگی‌های سرشتی و اجتماعی را بارور ساخته و کارکرد کلی و پایه‌ای شخصیت را تعدیل می‌کند (عملکردهای پایه‌ای شخصیت شامل احساس، تفکر و ادراک و پیوند دادن آنها در رفتارهای هدفمند است). کلونینگر ابتدا در سال ۱۹۸۷ نظریه سه عاملی خود را که فقط عامل اصلی سرشت را در برداشت، مطرح ساخت. در این نظریه برای عامل سرشت سه بعد را در نظر می‌گیرد. این ابعاد شامل: نوجویی، آسیب‌گریزی

و پاداش خواهی بود. این ابعاد به ترتیب با فعالیت سیستم‌های مغزی و انتقال‌دهنده‌های عصبی ارتباط دارند. کلونینگر در سال ۱۹۹۳ به همراه سوراکیک نظریه هفت عاملی را از شخصیت مطرح ساخت. در نظریه هفت عاملی کلونینگر عامل سرشت به ۴ بعد و عامل منش به ۳ بعد تقسیم می‌شوند. این هفت عامل نیز به‌طور کلی به ۳۱ خصوصیت شخصیتی تقسیم می‌شوند. نظریه هفت عاملی کلونینگر بر اساس تحقیقات دهه اخیر یکی از نظریه‌های معتبر در زمینه شخصیت محسوب می‌شود به طوری که در کتاب جامع روانپزشکی در اختلالات شخصیت این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است (۸).

سه نوع سرشت فراگیر را از همان ابتدای تولد می‌توان شناسایی و ارزیابی کرد که می‌تواند در سرتاسر زندگی نسبتاً ثابت بماند. این ۳ دسته شامل اجتماع‌پذیری، هیجان‌پذیری و سطح فعالیت می‌باشند به این سه ویژگی عمده، صفات سرشتی نیز گفته می‌شود. شاید بتوان گفت سرشت در واقع نقش قالبی را ایفا می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی را شکل خواهد داد. سرشت جنبه ارثی شخصیت انسان است و نشان‌دهنده نحوه پاسخ اتوماتیک ناخودآگاه و نسبی فرد به خطر، محرک جدید و انواع مختلف پاداش می‌باشد و در واقع با ۴ احساس اولیه انسانی مرتبط است: ۱- ترس ۲- عصبانیت ۳- دلبستگی ۴- جاه طلبی (۷).

در صورتی که این هیجان‌ها به مقدار زیادی تحریک گردند می‌توانند بر شخصیت غلبه کرده و بر روی نحوه درک، یادگیری و رفتار تاثیر بگذارند. صفات سرشتی آسیب‌گریزی، نوجویی، پاداش‌خواهی و پشتکار زیرنام تفاوت‌های ارثی شالوده ساز پاسخ غیرارادی فرد به ترتیب در برابر خطر، تازگی و انواع گوناگون پاداش، تعریف می‌شوند. این چهار صفت سرشتی پیوند نزدیکی با چهار هیجان اصلی ترس (Harmavoidance)، خشم (Noveltyseeking)، دلبستگی (Reward dependence) و تسلط (Persistence) دارند.

از دیدگاه کلونینگر (۷)، منش در واقع همان ذهن و برداشت فرد از مفهوم خود است و اهداف و ارزش‌های فردی را نشان می‌دهد. منش برخلاف سرشت ارادی و منطقی است. منش هسته اصلی شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد. در صورتی که

ابعاد کارکتر یا منش رشد خوبی داشته باشند و انعطاف‌پذیر باشند شخصیت رشد یافته ایجاد می‌شود و در صورتی که به خوبی رشد نکرده و غیر انعطاف‌پذیر باشند انحراف در شخصیت بروز می‌کند، در کودکی ابتدا تعالی جویی، بعد همکاری و سپس خودراهبری رشد پیدا می‌کند. منش شامل ۳ جزء می‌باشد که آن را می‌توان به دولت ذهنی تشبیه کرد:

- خودگردانی یا خودراهبری معادل قوه مجریه است که سازماندهی رفتاری را بر عهده دارد.

- همکاری یا مشارکت که معادل قوه مقننه است و روابط فرد را تعیین می‌کند.

- تعالی بخشی خود یا تعالی جویی که معادل قوه قضائیه است و مفهوم "خود" را به عنوان جزئی از جهان هستی نشان می‌دهد

سایمنتولوژی

از دیدگاه سایمنتولوژی هر جزئی از اکوسیستم کیهانی دارای شخصیت منحصر به خود می‌باشد. این شخصیت دو جنبه دارد، شخصیت واقعی و شخصیت حقیقی (۹). شخصیت واقعی، نحوه بروز و تظاهر رفتار هر جزء در اکوسیستم می‌باشد که در مورد انسان هم مصداق دارد. دیگری شخصیت حقیقی است که برنامه نرم‌افزاری بروز رفتار است. رفتار انسان شامل کلیه ادراکات ذهنی، عواطف روانی و رفتارهای فیزیکی می‌باشد که شخصیت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد.

شخصیت حقیقی انسان مجموعه شخصیت اولیه (یا من برنامه‌ریزی شده) و شخصیت ثانویه (یا من برنامه پذیر) است. شخصیت اولیه شخصیتی است که فرد با آن متولد می‌شود و منش انسان را تشکیل می‌دهد. شخصیت ثانویه شخصیتی است که طی زندگی و از طریق آموزش کسب می‌شود و بینش انسان را شکل می‌دهد. شخصیت اولیه و ثانویه که ساختاری نرم‌افزاری دارند خود از اجزا و نرم‌افزارهای متعدد دیگری تشکیل شده‌اند. به عنوان مثال



قرار داد. این دسترسی برای همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت نام کنند و آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOintel گزارش دهند. جزئیات خاصی از آزمایش باید به مرکز ارائه شود. مثلاً مشخصات یا تعداد و نام نمونه‌ها و کنترل‌ها باید مشخص شود.

شرکت‌کننده‌ها

از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت‌کننده برای آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۳۵ نفر بطور رندوم انتخاب شدند.

روش اندازه‌گیری

پرسشنامه شخصیتی سرشت و منش کلونینگر: (۱۹۹۳) (TCI)
TCI بر اساس الگویی همگانی که شخصیت بهنجار و نابهنجار را در بر می‌گیرد، ساخته شده است. این پرسشنامه برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد. کلونینگر مدل عصبی - زیستی خود را برای توضیح مؤلفه‌های سرشت ارائه کرده است. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی ۲۴۰ عبارتی است که هفت عامل را اندازه‌گیری می‌کند که عبارتند از: چهار مقیاس سرشت (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش - وابستگی، پشتکار) و سه مقیاس منش (خود - راهبری، همکاری، تعالی جویی)

کاوایانی همبستگی درونی مقیاس‌ها را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نمونه، شامل ۱۲۱۲ نفر را برای نوجویی ۰/۷۲، آسیب‌پرهیزی ۰/۸، وابستگی به پاداش ۰/۷۳، پشتکار ۰/۵۵، همکاری ۰/۷۷، خودراهبری ۰/۸۴ و تعالی‌جویی ۰/۷۲ بدست آورد. ضریب روایی (n=۱۰۰) عبارت است از: نوجویی ۰/۷۵، آسیب‌پرهیزی ۰/۷۲، پاداش وابستگی ۰/۸۷، پشتکار ۰/۹۰

شخصیت اولیه شامل فطرت، روح، نهاد، بنیاد، ژن، نرم افزار ذهن جمعی، نرم‌افزار حافظه جمعی، نرم‌افزار اشتراکی مادر و جنین، بوده و شخصیت ثانویه نیز شامل نرم‌افزار بینش، نرم‌افزار وجدان، گیرنده‌های ذهنی و فراذهنی (شهودی)، نرم‌افزارهای متعدد مرتبط با تفکر، تخیل، تجسم، تداعی و... می‌باشند. شخصیت اولیه و قسمت‌هایی از شخصیت ثانویه تشکیل‌دهنده بخش ناخودآگاهی وجود می‌باشند. بینشها نیز بخش نیمه خودآگاهی را تشکیل می‌دهند.

برخلاف سایر اجزای اکوسیستم در مورد انسان، رفتار و شخصیت حقیقی ممکن است یکسان نباشند. از این منظر، شخصیت بهنجار شخصیتی است که رفتارش با اکوسیستم همخوانی داشته باشد و در آن فرد به جایگاه خود پی برده باشد.

نسبت شخصیت واقعی به شخصیت حقیقی در هر فرد شخصیت ارزشی نامیده می‌شود که میزان هنجار بودن شخصیت فرد را نشان می‌دهد.

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی اندازه‌گیری شده توسط پرسشنامه سرشت و منش کلونینگر (TCI) انجام شد. فرضیه بر این بود که آموزش به‌طور معناداری بر نمرات شرکت‌کنندگان در زیرمقیاس‌های آسیب‌پرهیزی، نوجویی، وابستگی به پاداش، پشتکار، تعالی‌جویی، همکاری و خودراهبری تأثیر می‌گذارد.

روش اجرای تحقیق

کاربرد میدان‌های شعوری (ط)

میدان‌های شعوری (ط) (TCFs) بر اساس پروتکل‌های تنظیم شده توسط مرکز تحقیقات COSMOintel (www.COSMOintel.com) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) برای استفاده از میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش «تخصیص اعلامیه»

همکاری ۰/۷۶، خودراهبری ۰/۶۶ و تعالی‌جویی ۰/۸۶ را مشخص نمود (۱۰).

روش اجرا

در ابتدا پژوهشگران به صورت حضوری به مرکز عرفان کمال تهران مراجعه نمودند و نمونه‌گیری تصادفی انجام دادند. توضیحاتی در مورد تحقیقات، اقدامات و آموزش به افراد ارائه شد. سپس پرسشنامه کلونینگر قبل و بعد از دوره آموزشی تکمیل شد. دوره‌ها دو بار در هفته به مدت ۵۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

احساسات و ادراک خود در گروه گزارش دادند. انواع مختلفی از اتصال به میدان‌های شعوری (ط) اجرا شد که هر کدام اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند و به محتوای موضوعات خاص مربوط به هر جلسه مرتبط بودند. نتایج اتصالات به CCN، فعال‌سازی و اصلاح بسیاری از نرم‌افزارهایی است که انسان‌ها در اختیار دارند. با فعال‌سازی نرم‌افزار وجودی، دسترسی به اهداف از پیش تعیین‌شده هر کلاس تسهیل شد. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در زمان‌های مشخصی از روز یا شب، هر روز در منزل به شبکه شعور کیهانی (CCN) متصل شدند.

روش تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف داده‌ها و برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل واریانس (ANOVA) برای اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شده است.

شرح مختصری از جلسات آموزشی

هر جلسه به دو بخش تئوری و عملی تقسیم می‌شد. علاوه بر موضوعات نظری، جلسات عملی شامل ارتباط (اتصال) با شبکه شعور کیهانی (CCN) بود که در طول جلسات اجرا شد. یعنی در ابتدا، وسط و پایان هر جلسه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد چشمانشان به مدت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه ببندند و اتصال با CCN را تجربه کنند. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد که در طول ارتباط، ناظر بی‌طرف بدن و ذهن خود باشند. سپس از

نتایج

۱- فرضیه اول: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بروی‌گی‌های شخصیتی آسیب‌گریزی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۱	۳۱/۷۳	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۱: تحلیل واریانس متغیر آسیب‌گریزی کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۹۶۷۶/۱۲	۱	۹۶۷۶/۱۲	۳۱/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۱۰۳۶۸/۳۷	۳۴	۳۰۴/۹۵			

همبسته یک راهه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار می‌باشد.

فرضیه تایید می‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس آسیب در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس



آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی کاهش نمرات آسیب کلونینگر تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین

می‌کند.

۲- فرضیه دوم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی نوجویی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱۰۲: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۸	۴/۲۴	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۴۷	۰/۱۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱۰۲: تحلیل واریانس متغیر نوجویی کلونینگر						
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۳۲۱/۴۲	۱	۳۲۱/۴۲	۴/۲۴	۰/۰۴۷	۰/۱۱
خطا	۲۵۷۲/۵۷	۳۴	۷۵/۶۶			

فرضیه تایید می‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس نوجویی در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار می‌باشد.

۳- فرضیه سوم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی پاداش کلونینگر تاثیر دارد

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۶/۹۹ درصد اطمینان

جدول ۱۰۳: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۲	۲/۸۱۱	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۱۰۳	۰/۰۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲۰۳: تحلیل واریانس متغیر پاداش کلونینگر						
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۴۵/۱۵	۱	۲۴۵/۱۵	۲/۸۱	۰/۱۰۳	۰/۰۷
خطا	۲۹۶۵/۳۴	۳۴	۸۷/۲۱			

فرضیه تایید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که آموزش تأثیری بر افزایش نمرات زیر مقیاس پاداش کلونینگر نداشته است.

۴- فرضیه چهارم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی پشتکار کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱۰۴: آزمون لامبدای ویلکز						
اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۹	۳/۸۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۵	۰/۱۰

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲۰۴: تحلیل واریانس متغیر پشتکار کلونینگر						
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۷۱۶/۸۰	۱	۷۱۶/۸۰	۳/۸۷	۰/۰۵۷	۰/۱۰
خطا	۶۲۹۴/۲۰	۳۴	۱۸۵/۱۲			

فرضیه تایید نمی‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس پشتکار در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس همبسته یک راه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار نمی‌باشد.

۵- فرضیه پنجم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر زیر مقیاس تعالی

جویی تأثیر دارد.

شخصیتی تعالی جویی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۵: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۶	۳۹/۹۵	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۵: تحلیل واریانس متغیر تعالی جویی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۸۸۴۸/۱۲	۱	۸۸۴۸/۱۲	۳۹/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۵۴
خطا	۷۵۲۹/۳۷	۳۴	۲۲۱/۴۵			

تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس تعالی جویی کلونینگر معنادار بوده و فرضیه تایید می‌شود. آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات

تعالی جویی تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۴ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

۶- فرضیه ششم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی همکاری کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۶: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۱	۳۱/۵۸	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۶: تحلیل واریانس متغیر همکاری کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۴۲۲۸/۶۲	۱	۱۴۲۲۸/۶۲	۳۱/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۱۵۳۷۸/۳۷	۳۴	۴۵۲/۳۰			

تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس همکاری کلونینگر معنادار بوده است و فرضیه تایید می‌شود. آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان

روی افزایش نمرات همکاری کلونینگر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

۷- فرضیه هفتم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی خودراهبری کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۷: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۳	۲۹/۷۹	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۷: تحلیل واریانس متغیر خود راهبری کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۳۶۶۴/۰۵	۱	۱۳۶۶۴/۰۵	۲۹/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶
خطا	۱۵۵۹۳/۹۴	۳۴	۴۵۸/۶۴			

شناختی رفتاری، برای درمان اختلال شخصیت، طرحواره درمانی است که اساس آن تغییر طرحواره‌های ناسازگار دوران کودکی است و پژوهش‌های بسیاری از تأثیر این درمان در بهبود اختلالات شخصیت حمایت کرده‌اند (۱۱)، (۱۲)، (۱۳). درمان دارویی نیز تا حدی می‌تواند در بهبود مشکلات شخصیتی تأثیرگذار باشد. برخی یافته‌های پژوهشی نشان دادند که درمان دارویی باعث کاهش تشخیص اختلال‌ها و صفات شخصیتی می‌شود (۱۴). ولی اثر سایکوتراپی و دارو درمانی یا کامل نبوده و یا زمان بسیار طولانی لازم دارند و یا با قطع درمان علائم برمی‌گردند (۸).

کلونینگر (۱۵)، تنها روش موثر و دائمی در اصلاح مشکلات شخصیتی را اصلاح روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) Psyche می‌داند که از طریق خودآگاهی شهودی به دست می‌آید، او اعتقاد دارد با افزایش خود آگاهی شهودی می‌توان Character یا منش را اصلاح نمود. از دیدگاه کلونینگر روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) Psyche دارای ۵ سطح است:

۱- قابلیت درک وجود خود

۲- قابلیت درک آزاد بودن و داشتن اختیار

۳- قابلیت درک زیباییها

۴- قابلیت درک حقیقت

۵- قابلیت درک خوب بودن و یکپارچگی با جهان هستی

در آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی علاوه بر خودشناسی و آگاهی نسبت به ویژگیها و مشکلات شخصیتی، ارتباطات برقرار شده با شبکه شعور کیهانی و خودآگاهی شهودی کسب شده باعث اصلاح مشکلات شخصیتی می‌گردد. آمارهای این تحقیق از طریق ارتقاء ویژگیهای شخصیتی، سرشتی و منشی اثبات کننده این مسئله هستند.

آنچه کلونینگر به عنوان روان معرفی می‌کند در سایمنتولوژی قسمتی از نرم‌افزار من برنامه‌ریزی شده به نام فطرت می‌باشد که در وجود همه انسان‌ها بطور بالقوه قرار دارد و باید به فعلیت برسد. با آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی رشد و ارتقاء در هر ۵ سطح روان اتفاق می‌افتد و زمینه‌های فعال شدن نرم‌افزار فطرت فراهم می‌شود، افراد به درک نقش خود در جهان هستی می‌رسند و آفرینش انسان را هدفمند و از روی برنامه می‌بینند، بنابراین مشکلات هویتی و احساس پوچی اصلاح می‌گردد، در

تحلیل واریانس همبسته یک راه‌نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس خود راهبری کلونینگر معنادار بوده است و فرضیه تایید می‌شود.

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات خود راهبری کلونینگر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۶ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

بطور خلاصه: در سنجش شخصیت به جز وابستگی به پاداش، سایر خرده مقیاس‌های پرسشنامه TCI دارای تغییراتی بودند. پرهیز از آسیب، نوجویی، پایداری کاهش و تعالی خود، همکاری و خودراهبری افزایش یافته است.

بحث و نتیجه گیری

طبق آمارهای این تحقیق اجتناب از آسیب ۴۸٪ در افراد کاهش یافته است که نشان دهنده کاهش سطح اضطراب، نگرانی و ترس‌ها در افراد پس از گذراندن دوره‌هاست (فرادرمانی و سایمنتولوژی)، کاهش ۱۱٪ در نوجویی، نشان‌دهنده کاهش حس سرگشتگی و گمگشتگی افراد در رسیدن به یک هدف متعالی است. وابستگی به پاداش که مطرح‌کننده نیاز به تأیید دیگران است تغییر معناداری نداشته که البته انتظار می‌رود در دراز مدت تعدیل یافته و کاهش یابد.

آمارها نشان دادند خودراهبری ۴۶٪ همکاری ۴۸٪ و تعالی‌جویی ۵۴٪ رشد داشته‌اند، این ارقام در بهبود منش (Character) بسیار ارزنده هستند و نشان می‌دهند که افراد با گذراندن این دوره‌ها (فرادرمانی و سایمنتولوژی) و بهره‌مندی از ارتباطات (ارتباط با شبکه هوشمندی (ط)) هم توانمندی‌های فردیشان رشد کرده، هم حس همکاری و نوعدوستی و هم تمایل به رشد و تعالی وجودی.

شخصیت، با تعامل عوامل وراثتی و محیطی شکل می‌گیرد. در روان‌شناسی از طریق شناخت درمانی یا روان‌کاوی می‌توان روی باورها و دفاع‌های روانی کار کرد و به تدریج دفاع‌های ناکارآمد را تا حدی اصلاح نمود. یکی از انواع جدید روان‌درمانی

امر ارائه می‌دهد و با آموزه‌های نوین خود و ارتباط با شبکه هوشمندی کیهانی این راه را برای همه هموار کرده است.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد کرمان که این پایان نامه در آنجا به ثبت رسیده است را اعلام می‌کنند. همچنین از مرکز آموزشی عرفان کمال تهران که در اجرای این طرح ما را همراهی کردند سپاسگزاریم. ما مراتب قدردانی خود را از خانم مهرناز منزوی بابت همفکری و همراهیشان اعلام می‌داریم.

تضاد منافع

از دید نویسندگان هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

این مسیر؛ آزاد آفریده شدن انسان و داشتن قدرت اختیار و انتخاب به خوبی درک می‌شود، همچنین درک عالم عشق و زیبایی‌ها ممکن می‌گردد و کسانی که صرفاً برپایه عقل و منطق زندگی می‌کردند جلوه جدیدی از هستی را تجربه می‌کنند. درک حقیقت موجود در پس ظاهر واقعیت، از دیگر اهداف فرادرمانی و سایمنتولوژی است و فرادرمانگران و مراجعین با روی دیگر واقعیات آشنا می‌شوند. هدف غائی در این روش رسیدن به درک وحدت با جهان هستی و یکپارچگی با آن است که در بالاترین سطح (Psyche) روان، از دیدگاه کلونینگر می‌باشد. از دید او افراد بسیار نادری قابلیت رسیدن به درک مرحله پنجم را دارند.

در سایمنتولوژی، با اصلاح بینش و ارتباط با CCN، می‌توان شخصیت اولیه و ثانویه را اصلاح کرد که منجر به بهبود رفتار انسان یا شخصیت واقعی می‌شود (۱۶)، همان چیزی که کلونینگر از طریق اصلاح و ارتقاء روان (بخش هوشمند و خلاقانه وجود) در تصحیح شخصیت بیان می‌کند. اما سایمنتولوژی راه‌های عملی هم برای بهبود این

منابع:

- 1-Easthope, G, Tranter B. (2000). Normal Medical Practice of referring patients for complementary medicine among Australian general practitioners. *Complement Therapy Medicine*. 8, 22-33
- 2-Taheri, M. A. (2013). *Human from another Outlook* (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 3-Alport, G. (1964). *Pattern and Growth in Personality*. New York: Holt, Rinehart Winston.
- 4-Hilgard, E. R. (1953). *Introduction to Psychology*. Harcourt, Brace.
- 5-Cattel, R.B. (1965). *The Scientific Analysis of Personality*. Penguin Books. <https://doi.org/10.4324/9781315134772>.
- 6-Cloninger, C. R, A. (1987). A Systematic Method for Clinical Description and Classification of Personality Variants: A Proposal | *JAMA Psychiatry*, 44(6):573-588
- 7-Cloninger, C. R.; Dragan M. Svrakic, & Przybeck, T. R. (1993). A psychobiologic model of temperament and character. *Arch Gen Psychiatry*. 50(12), 975-990. doi:10.1001/archpsyc.1993.01820240059008.
- 8-Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (Eds.). (2006). *Kaplan and Sadock's comprehensive text book of psychiatry*. Lippincott Williams & Wilkins.
- 9-Taheri, M. A. (2011). *Psymetology*. [Vol. 1]. Tehran: Erfan Keihani publishing company.
- 10-Kavyani, H., Haghshenas, H. (2001). A pilot study to adapt the Cloninger questionnaire. *Iranian Cognitive Science News Quarterly*. 2(3). JR_ICSS-2-3_003.
- 11-Giesen-Bloo, J., van Dyck, R., Spinhoven, P., van Tilburg, W., Dirksen, C., van Asselt, T., et al. (2006). Outpatient psychotherapy for borderline personality disorder: randomized trial of schema-focused therapy vs transference-focused psychotherapy. *Archives of General Psychiatry*, 63(6), 649e658.
- 12-Bamelis, L. L. M., Evers, S. M. A. A., Spinhoven, P., & Arntz, A. (2014). Results of a multicentered randomized controlled trial on the clinical effectiveness of schema therapy for personality disorders. *The American Journal of Psychiatry*. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.2013.12040518>
- 13-Farrell, J. M., Shaw, I. A., & Webber, M. A. (2009). A schema-focused approach to group psychotherapy for outpatients with borderline personality disorder: a randomized controlled trial. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 40(2), -328.
- 14-Ricciardi, J. N., Baer, L., Jenike, M. A., Fischer, S. C., Sholtz, D., & Buttolph, M. L. (1992). Changes in DSM-III-R Axis II diagnoses following treatment of obsessive-compulsive disorder. *The American Journal of Psychiatry*, 149(6), 829-831. <https://doi.org/10.1176/ajp.149.6.829>.
- 15-Cloninger, C. R. (2004). *Feeling Good: The Science of Well-Being*. Oxford university press.
- 16-Taheri, M. A. (2011). *Human Insight*. Tehran: Tohfeh press.



بررسی فرآیند عملی خلاقیت و نوآوری برای بهبود کیفیت آموزشی با کمک هوش باطنی تحت تاثیر میدان شعوری فرادرمانی

سارا همتی^۱، محمدعلی طاهری^۲

خلاصه

میدان‌های شعوری توسط محمد علی طاهری معرفی شد. این میدان‌ها نه ماده است و نه انرژی، اما می‌توان با آزمایش‌های مختلف کنترل شده، تاثیرات آنها را بر روی ماده بررسی کرد. با توجه به اهمیت تمایز بین SQ و IQ و با توجه به اینکه هوش معنوی منبع شناخته شده‌ای از خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی، عزت نفس، استقلال فکری و مدیریت احساسات منفی است، تاثیر میدان شعوری فرادرمانی بر توانمند سازی هوش معنوی ۱۲۰ دانش آموز، هر ساله در موسسات آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله نتیجه یک پروژه تحقیقاتی برای فعال‌سازی هوش معنوی تحت تاثیر میدان شعوری فرادرمانی است که در موسسات آموزشی مختلف طی بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ انجام شده است؛ متودولوژی که به منظور ارزیابی هوش باطنی تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در کلاس دنبال شده است با یادگیری پویا نشان داده است که در سطح خلاقیت و هوش معنوی برای خانم‌ها و آقایان در سنین مختلف با متغیرهای تعریف شده در آزمون، افزایش معنی داری وجود دارد؛ بر اساس نتایج آماری، گروه در معرض میدان‌های شعوری (ط) سطح خلاقیت و نوآوری را ۲.۲ برابر بیشتر از گروه کنترل نشان داد.

۱. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام
خمینی (ره)، واحد شهری، تهران، ایران

۲. بخش تحقیق و توسعه ساینس‌تک،
مرکز تحقیقات Cosmointel Inc.
انتاریو، کانادا

*نویسنده مسئول:

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام
خمینی (ره)، واحد شهری، تهران،
ایران

پست الکترونیکی:
sarahlifecreation@gmail.com

کلیدواژه‌ها: میدان‌های شعوری طاهری، شبکه شعور کیهانی، فرادرمانی، هوش باطنی، خلاقیت

مقدمه

نظریه‌های هوش‌های چندگانه، که توسط روانشناس هاوارد گاردنر در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ توسعه داده شد؛ نشان می‌دهد که افراد دارای هشت و یا بیشتر از هوش نسبتاً مستقل هستند؛ افراد از این هوش‌های چندگانه به صورت جداگانه و هم بصورت مشارکتی استفاده می‌کنند تا بتوانند محصولات خلق کنند و یا بتوانند مشکلات مربوط به جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند را حل کنند. [۱،۲،۳]

گاردنر استدلال می‌کند که گستره وسیعی از توانایی‌های شناختی وجود دارد؛ قدرت و یا ضعف در یک توانایی الزاماً با سایر اشکال هوش ارتباط ندارد. گاردنر در هر یک از فرضیه‌های هوش چندگانه خود، هیچ رهبریتی از انواع هوش‌ها را ذکر نکرده است. به همین ترتیب در حال حاضر چنین مفهومی رو به رشد است که چهار نوع هوش وجود دارد که به طور مستقیم بر توانایی و روش رهبری افراد تاثیر می‌گذارد. یک رویکرد جامع برای رهبری افراد نیازمند دانش و البته هوش است، در زمینه‌های مختلف از جمله فیزیک (PQ)، عقلانی (IQ)، احساسی (EQ) و روحانی (SQ) است. آنها با یکدیگر ارتباط دارند به طوری که آنها همدیگر را تقویت می‌کنند، همانطور که با افزایش سطح فکری فرد در طول زمان با تجارب زندگی طبیعی، پیشرفت‌های تحصیلی و تخصص حرفه‌ای در زمینه‌های انتخاب شده نیز افزایش می‌یابد [۴].

در اوایل قرن بیستم، اعتقاد بر این بود که فردی با هوش عقلانی IQ در زندگی خود موفق خواهد بود. بعدها، در اواسط دهه ۱۹۹۰، یک نظریه مطرح شد که یک فرد دارای هوش هیجانی (EQ) بالا دارای شانس بیشتری برای زندگی است؛ زیرا این افراد توانایی بهتری برای مدیریت احساساتشان دارند. این مورد نیز هنگامی که شکل جدیدی از هوش به نام هوش معنوی SI یا SQ مورد توجه قرار گرفت، کنار رفت. مشخص شد که هوش معنوی SI یا SQ، برای عملکرد موثر IQ و EQ ضروری است و همچنین اجازه می‌دهد که انسان‌ها خلاق باشند، قوانین را تغییر دهند و شرایط را تغییر دهند و این صدای درونی به ما توانایی می‌دهد که تفاوت بین درست و

غلط را در هر چارچوب یا موقعیت اجتماعی تشخیص را بدهند. با فعال کردن و استفاده از SQ که در مغز که هم پیوند شده است، ما می‌توانیم کیفیت زندگی بالاتری را تجربه کنیم، با این حال، اکثراً ترجیح می‌دهند آن را خاموش نگه دارند. آزمون عملکرد خلاقیت SQ اساسی و پایه‌ای‌ترین همه هوش‌هاست، زیرا با یکپارچه بودن هوش، مرتبط کردن هوش‌های عقلانی و احساسی منبع راهنمایی برای بقیه می‌شود. انسانی با SQ بالا نه تنها به طور مناسب در یک وضعیت یا شرایط خاص پاسخ می‌دهد، بلکه خود را نیز تحلیل می‌کند که چرا او در آن موقعیت است و چگونه می‌تواند این وضعیت را بهتر کند. SQ بالا یک شخص را قادر می‌سازد تا فراتر از مرزها عمل کند: هوش معنوی برای همه در دسترس است، اما تنها تعداد کمی از مردم از آن استفاده می‌کنند [۵].

معنویت می‌تواند به مردم کمک کند هوش خود را ارتقاء دهند، اطلاعات خود را گسترش دهند [۶].

مطالعه‌ای نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و خلاقیت کارکنان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد شده است که برخی شرایط را در سازمان‌ها ایجاد کنند تا میزان خلاقیت را با دریافت هوش معنوی افزایش دهند [۷].

ارتباط معناداری بین هوش معنوی و اعتماد به نفس در دانشجویان بر اساس الگوهای غلبه بر تنش وجود دارد [۸]. هوش معنوی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی و موفقیت نوجوانان در قرن ۲۱ دارد که باید درک شود. هوش معنوی زندگی ما را در زمینه‌های بزرگتر قرار می‌دهد. این معنا و هدف را در زندگی فراهم می‌کند و به ما امکان می‌دهد فرصت‌های جدیدی بسازیم. SQ به ما اجازه می‌دهد که IQ و EQ را به صورت یکپارچه‌ای به منظور عرضه و نمود مطلوب‌تر در دنیا استفاده کنیم که نه تنها زندگی ما را بهتر می‌کند، بلکه به دیگران و جامعه نیز اثر دارد. به این معنی که زندگی ما را در زمینه وسیع تری قرار می‌دهد. از طریق آن، همه می‌توانند معنا و هدف زندگی را بیابند و فرصت‌های جدید را بگشایند [۹]. ماهیت شعور و جایگاه آن در علم در قرن حاضر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. نظریه‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰ محمد علی



طاهری، میدان جدیدی به نام میدان‌های شعوری طاهری^۱ را در قالب تئوری میدان‌های شعوری (ط) معرفی کرد که این میدان‌ها کاملاً متفاوت از تمام میدان‌های فیزیکی شناخته شده است. بر اساس این تئوری، شعور (ط)، به عنوان یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی، نه ماده است و نه انرژی و از طریق میدان‌های مشخصی که میدان‌های شعوری (ط) نامیده می‌شوند، اثرات مستقیمی بر ماده و انرژی می‌گذارد. میدان‌های شعوری زیرمجموعه‌ای از شبکه شعور (اینترنت) کیهانی^۲ هستند. تفاوت عمده بین نظریه میدان‌های شعوری (ط) و سایر مفاهیم نظری در مورد شعور مربوط به کاربرد عملی میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها را می‌توان برای همه موجودات زنده و غیرزنده اعم از انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره اعلام کرد. محمدعلی طاهری، مؤسس مکتب عرفان کیهانی حلقه، علم جدیدی را در سال ۱۳۹۹ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او اصطلاح Sciencefact را برای این علم جدید ابداع کرد زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود شعور (ط) به عنوان یک پدیده و واقعیت غیر قابل انکار استفاده می‌کند. اگر چه علم صرفاً بر مطالعه ماده و انرژی متمرکز است و ساینفکت، در مقابل، اثرات میدان‌های شعوری (ط) غیر مادی / غیر انرژی را بررسی می‌کند، ساینس‌فکت با انجام آزمایش‌های آزمایشگاهی قابل تکرار در علوم مختلف، زمینه مشترکی بین این دو فراهم کرده است. از رویکردهای علمی در اثبات میدان‌های شعوری (ط) استفاده کرده است.

تأثیر میدان‌های شعوری (ط) با ارتباط بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل جهان و موضوعات مورد مطالعه به عنوان یک بخش آغاز می‌شود. این ارتباط به نام اتصال توسط ذهن یک فرادرمانگر (فرد آموزش دیده‌ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) ایجاد می‌شود. ذهن انسان نقش واسطه دارد که با «نظر» کوتاه و آنی به موضوع مورد مطالعه و سپس دستاورد اصلی حاصل از تأثیرات میدان‌های شعوری (ط) نقش ایفا می‌کند. این

میدان‌ها را نمی‌توان مستقیماً توسط علم اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان تأثیر آنها را از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد. [۱۰]

روش تحقیق در مطالعه شعور (ط) بر اساس فرآیند فرض، استدلال و اثبات استوار است که در آن فرض اصلی این است: کیهان توسط عنصر سومی به نام شعور (ط) شکل گرفته است که با ماده و انرژی متفاوت است. استدلال: وجود میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان با تأثیرات آنها بر ماده و انرژی نشان داد (به عنوان مثال انسان، حیوانات، گیاهان، میکروارگانیسم‌ها، سلول‌ها، مواد و غیره). اثبات، تایید علمی تأثیرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی طبق برهان از طریق آزمایش‌های علمی مختلف قابل تکرار است. بر این اساس، برای بررسی و تایید وجود، اثرات و مکانیسم‌های میدان شعوری (ط)، پنج مرحله تحقیقاتی زیر (فازهای ۰ تا ۴) و اهداف هر مرحله در زیر بیان شده است. مطالعات فاز صفر با هدف اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهدات اثرات آنها انجام می‌شود. ماهیت شعور طاهری و چیستی آن در این مرحله مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. فاز ۱ اثرات متنوع میدان‌های شعوری (ط) مختلف را بررسی می‌کند. فاز ۲ دلیل تأثیرات متنوع این زمینه‌ها را بررسی می‌کند. فاز ۳ مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را بررسی می‌کند. در نهایت، فاز ۴ نتایج قابل توجهی به ویژه با توجه به ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با شعورهای (ط) بررسی می‌شود. [۱۱]

در سایمنتولوژی، ابعاد وجودی انسان بر اساس اینتریونیورسال تعریف می‌شود. در این دیدگاه ابعاد وجودی انسان نامحدود است و شامل نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مختلف است. تمام اجزای سخت‌افزاری در نهایت توسط یک قسمت نرم‌افزاری مدیریت می‌شوند. هیچ مداخله سخت‌افزاری در روند درمان وجود ندارد (درمان به صورت فیزیکی، درمان دارویی، عمل جراحی، فیزیوتراپی، ماساژ درمانی و هرگونه درمانی که به دستگاه‌های سخت‌افزاری نیاز دارد را انجام نمی‌دهد). در واقع، سایمنتولوژی مبتنی

بر تکنیک نیست. تفاوت دقیق بین سایمنتولوژی و سایر درمان‌هایی که امروزه در روانشناسی و روانپزشکی انجام می‌شود وجود دارد. سایمنتولوژی تلاش می‌کند تا انسان، نرم افزار وجود او را بفهمد و همچنین بیماری‌های ناشناخته ذهنی انسان را درمان کند. این نوع درمان یک طب مکمل و یا جایگزین است. بنابراین شبکه شعور کیهانی نقایص را پیدا کرده و اختلالات نرم‌افزاری را از طریق روند سایمنتولوژی بهبود می‌بخشد.

طاهری در کتاب ۲۰۱۳ خود دیدگاهش را ارائه کرد که آنچه هوش می‌نامیم به معنای عقل یا هوش ظاهری (IQ) است که در هر نسل جدید توسعه می‌یابد. با این حال، هوش معنوی (SQ) از ابتدای زندگی انسان به عقب برگشته است. هوش معنوی (SQ) از طریق ذوق و شوق انسان ایجاد می‌شود که از طریق آن اولین قدم را در جهت تقویت هوش معنوی و جلوگیری از افسردگی بر می‌دارد. علاوه بر این، مرحله هوش بالاتر از عقل است و بر عقل نیز مقدم است؛ به منظور ارائه نظرات مناسب در زمینه پرورش خلاقیت، تعریف برخی مفاهیم در اینجا ضروری به نظر می‌رسد؛ در صورتی که در هر سیستم هدفمند و سازمند یا هر نظام فکری، یک چارچوب منطقی نامیده می‌شود، قابلیت ایجاد و خلق هر چارچوب منطقی را می‌توان هوش نامید. همچنین قابلیت بکارگیری، استفاده، بهره‌برداری و بهره‌مندی از هر چارچوب منطقی، می‌تواند به عنوان عقل مورد توجه قرار گیرد. بر اساس همین دیدگاه، قابلیت بایگانی و ذخیره‌ی اطلاعات هر چارچوب منطقی نیز حافظه نام می‌گیرد. [۱۲]

هوش نیازمند ذوق است. به همین دلیل وقتی کسی ابتکاری به خرج می‌دهد، از او به عنوان فردی با ذوق نام برده می‌شود. اما ذوق به انگیزه نیاز دارد. تا به ابتکار عمل و خلاقیت برسد. بنابراین باید جوششی درونی و انگیزشی موجود باشد تا هوش باطنی (SQ) ظاهر شود. هوش باطنی ارثی نیست و در همه انسان‌ها وجود دارد اما برای آشکار شدن آن، عامل تجلی لازم است.

آنچه تا کنون به عنوان هوش شناخته شده است، عقل یا هوش ظاهری (IQ) است که در هر نسل جدید افزایش

می‌یابد اما هوش باطنی از ابتدای حیات بشر تا کنون، رو به افول رفته است. شکوفایی هوش باطنی، در اثر ذوق است و حفظ و افزایش ذوق و دوری از افسردگی، گام اول در این جهت است. همچنین، پله هوش از عقل بالاتر است و نسبت به آن مقدم می‌باشد.

مطابق با گفته طاهری عقل عبارت است از توانایی آشکارسازی هوش فردی و توانایی به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌هایی مانند:

- ۱- توانمندی استفاده از ابزارهای چیدمان اطلاعات مانند: استدلال، تجزیه و تحلیل، محاسبه و...
- ۲- مهارت شناخت و طبقه‌بندی، مهارت در به کارگیری کل بدن برای بیان افکار و احساس و..
- ۳- توانایی بهره‌گیری مانند: توانایی درک، تمایز، بکارگیری حافظه، توانایی تحت تاثیر قرار دادن دیگران....
- ۴- قابلیت شناخت: شناخت فضا، زمان، شناخت رنگ و خط و فرم و فضا و... [۱۳]

هوش معنوی:

در رویکرد سایمنتولوژی، هوش معنوی توانایی افزایش خلاقیت، نوآوری و تولید اطلاعات جدید است. هوش الهام بخش انسان است؛ الهامی که می‌تواند در بیداری یا خواب ایجاد شود. ویژگی‌های هوش به شرح زیر است: هوش معنوی، ذاتی، رایج، پنهان و غیر موروثی است؛ معادل خلاقیت است که یک توانایی کیفی است. هوش معنوی قابل برنامه‌ریزی و آموختنی نیست. بنابراین بر اساس این رویکرد، خلاقیت به عنوان یک موضوع کیفی قابل اندازه‌گیری نیست. باید بیدار و فعال شود و فقط از طریق اتصال به شبکه شعور کیهانی امکان پذیر است؛ هوش معنوی یک توانایی کیفی قابل اندازه‌گیری نیست. ضریب هوشی (IQ) در واقع به توانایی عقل اشاره دارد؛ نباید نادیده گرفت که توسعه انواع هوش (با تعاریف متفاوت فعلی) نقش بسزایی در سیستم‌های آموزشی ایده‌آل دارد. در رویکرد سایمنتولوژی ضریب هوش (IQ) در واقع ضریب عقل

(WQ) است. بنابراین تست‌های هوش، آزمون عقلانی هستند که می‌توان آنها را آزمون‌های WQ نامید [۱۲].

مواد و روش‌ها:

کاربرد میدان شعوری فرادرمانی بر اساس پروتکل‌های تنظیم‌شده توسط مرکز تحقیقات COSMOintel (www.cosmointel.com) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی برای استفاده از میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش تخصیص اعلامیه قرار داد. این دسترسی برا همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت نام کرده و سفارش دهند تا آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOintel گزارش دهند. جزییات خاصی از آزمایش باید به مرکز ارائه شود. مثلا مشخصات یا تعداد و نام نمونه‌ها و کنترل‌ها باید مشخص شود.

در این مطالعه دانش آموزان در زمان کلاس تحت تاثیر میدان شعوری (ط) فرادرمانی قرار داشتند. آنها این درمان را به مدت ۱۰ دقیقه در ابتدای کلاس دریافت کردند، سپس توسط معلم در یک «حلقه» که منجر به خلاقیت می‌شود آموزش داده شد. این مقاله روشی کاربردی را توضیح می‌دهد که خلاقیت را در مراحل کمی و کیفی آغاز می‌کند. استفاده از میدان شعوری فرادرمانی مرحله کیفی و مرحله کمی چهار مرحله است.

در طول درمان با میدان شعوری فرادرمانی، برخی اطلاعات منتقل می‌شود و قسمت‌های معیوب و تحت استرس بدن آشکار می‌شود؛ شعور (ط) نه قابل مشاهده است و نه قابل اندازه‌گیری، بنابراین، ما فقط می‌توانیم تظاهرات آن را در شخص مشاهده کنیم و سپس آنها را مطالعه یا گزارش دهیم. فرد در طول ارتباط فقط به عنوان یک ناظر بیطرف باقی می‌ماند و آنچه را شعور (ط) بر او اعمال می‌کند را مشاهده می‌کند.

مراحل روش‌های عملکردی:

در این مقاله روش‌های عملی را مطرح می‌کند که در چهار مرحله مختلف زمینه ایجاد خلاقیت و نوآوری را ایجاد می‌کند. این مراحل همانند چهار پایه یک میز می‌باشند که خلاقیت و نوآوری بر آن پایه‌ها بنا می‌شود؛ همچنین اهداف متنوعی همانند صندلی‌هایی که دور این میز چیده شده نیز از آن دنبال می‌شود (شکل ۱). در طول اجرای این چهار مرحله دانش آموزان همچنان در میدان شعوری (ط) قرار دارند. این چهارپایه عبارتند از:

۱- دیدی نو که حیرت‌آورد: شامل فعالیت‌هایی از قبیل برقراری ارتباط بین علم و هنر و فن‌آوری، همچنین ارتباط بین مفاهیم علمی و زندگی و ایجاد چشم‌اندازی متفاوت و بی‌حد و مرز. ترویج بینشی جامع در ارتباط با علم و هنر و فناوری و غیره با موضوعات مربوط به انسان‌شناسی و هستی‌شناسی.

۲- انگیزه‌ای نو تا اندیشه‌کند: برگزاری کارگاه خلاق، برگزاری تالار تفکر، حل مسئله به روش خلاق

۳- اکتشافی نو تا گفتگو‌کند: فعالیت‌های این سطح عبارتند از طوفان مغزی، برگزاری آزمون خلاقیت

۴- اجرایی نو تا نمایش‌دهد: برگزاری کنفرانس‌ها، برپایی نمایشگاه، در این مقطع انجام می‌شود؛

خلاقیت و نوآوری در چهار پایه قرار گرفته است و اهداف مانند صندلی‌های دور این میز هستند. اهداف زیر در اجرای طرح مانند ارتقاء جهان‌بینی وسیع‌تر، افزایش قابلیت‌ها، افزایش اعتماد بنفس، زمینه‌ساز بروز علائق و استعدادها، ارتقای توانایی‌های کارگروهی، افزایش حس مسئولیت‌پذیری و انتخاب، ایجاد انگیزه، اشتیاق و خلاقیت، ایجاد پایگاه‌سوال‌ات برای جستجو و تفکر، لذت بردن هنگام یادگیری مورد توجه قرار گرفته است.

دانش‌آموزان قبل و بعد از این پروژه به مدت یک سال مورد

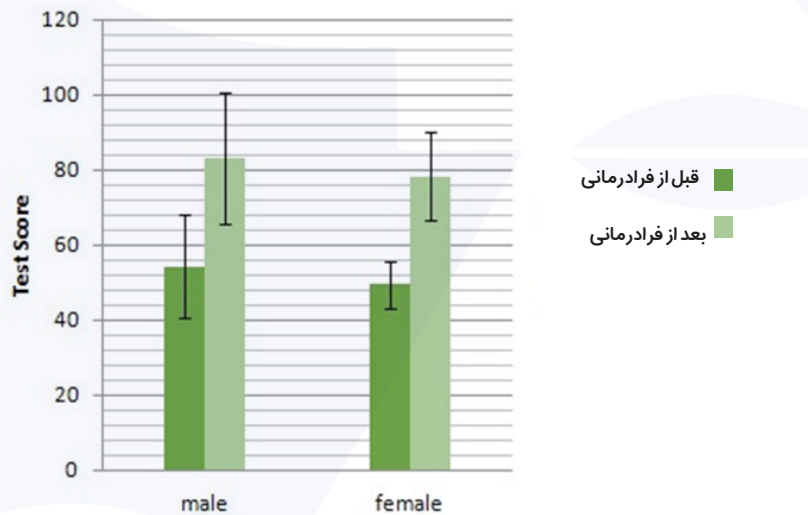
آزمایش قرار گرفتند. به منظور آزمایش خلاقیت و هوش معنوی دانش آموزان توسط تست "King SISRI-۲۴" و "Torrnce Tests of Creativity" قبل و بعد از کلاس آزمایش شدند و نتایج آنها در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

نتایج

نتایج این پروژه به ما نشان داد که میزان خلاقیت و هوش معنوی برای مردان و زنان در سنین مختلف با متغیرهای

تعریف شده در آزمون افزایش چشمگیری داشته است. با توجه به نتایج این مطالعه، تعداد پارامترهای مورد مطالعه در آزمون هوش معنوی در زنان ۳۰.۲ درصد و در مردان ۳۰ درصد بود (جدول ۱). همچنین آزمون خلاقیت در زنان ۲۳.۸ درصد و مردان ۱۸.۸ درصد افزایش یافت (جدول ۲).

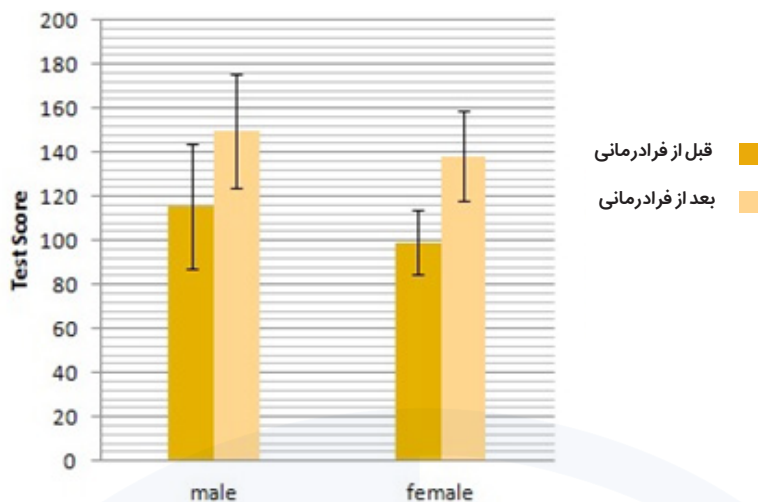
روش ارزیابی هوش معنوی تحت تاثیر میدان شعوری (ط) فرادرمانی در کلاس درس و به دنبال آن یادگیری پویا (با برانگیختن اشتیاق و حیرت) بوده است. براساس نتایج مطالعه حاضر، گروهی که در معرض میدان شعوری (ط) فرادرمانی قرار گرفتند به اندازه ۲.۲ برابر خلاقیت و نوآوری بیشتری در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند (جدول ۳).



نمودار ۱. افزایش معنی دار سطح هوش معنوی بعد از فرادرمانی

جدول ۱: میانگین تست هوش معنوی آقایان و خانمها قبل و بعد از جلسات فرادرمانی.

SQ-Male	t-Test Paired Two Samples for Mean	
	Variable 1	Variable 2
Mean	54.27272727	83.27272727
Variance	187.2181818	38.81818182
Observations	11	11
Pearson Correlation	0.695818905	
Hypothesized Mean	0	
df	10	
t stat	-9.280945017	
P(T<=t) one-tail	1.56809E-06	
T Critical one tail	1.812461102	
P(T<=t) two-tail	3.13619E-06	
T Critical Two-tail	2.228138842	



نمودار ۲. افزایش معنی دار سطح خلاقیت بعد از فرادرمانی

جدول ۲: میانگین آزمون خلاقیت آقایان و خانمها قبل و بعد از جلسات فرادرمانی

SQ-Female		
	t-Test Paired Two Sample for Mean	
	Variable 1	Variable 2
Mean	49.41667	78.30556
Variance	304.0786	136.8468
Observations	36	36
Pearson Correlation	0.469408	
Hypothesized Mean	0	
df	35	
t stat	-10.9754	
P(T<=t) one-tail	3.51E-13	
T Critical one tail	1.689572	
P(T<=t) two-tail	7.03E-13	
T Critical Two-tail	2.030108	

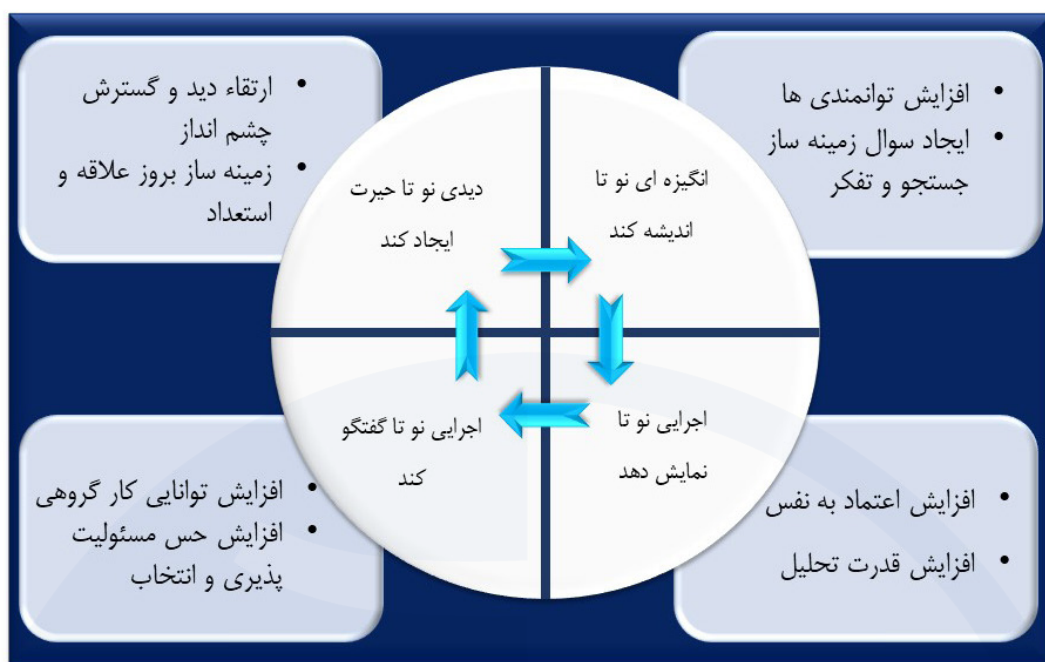
نتایج آزمون خلاقیت (CT) و هوش معنوی (SQ) در گروه تحت تیمار با فرادرمانی و گروه کنترل

جدول ۳: میانگین آزمون خلاقیت و هوش معنوی آقایان و خانمها در مقایسه با گروه کنترل

	Male	Female
تعداد نمونه	120	155
میانگین سن	5-56	8-60
تست خلاقیت - کنترل	115.64 ± 28.12	95.26 ± 25.42
تست خلاقیت تحت فرادرمانی	149.73 ± 14.72	138.26 ± 20.58
تست هوش معنوی - کنترل	54.27 ± 13.68	49.42 ± 17.44
تست هوش معنوی تحت فرادرمانی	83.27 ± 6.23	78.31 ± 11.70

C.G: Control Group

C.F: Under the influence of Faradarmani Consciousness Field



شکل ۱: اهداف فرآیند مراحل خلاقیت و هوش معنوی

بحث و نتیجه گیری:

خلاقیت یک عنصر بسیار مهم در هر سیستم آموزشی موفق در سراسر جهان است. برنامه نویسان آموزشی امروزه به طور قابل ملاحظه‌ای به توسعه و تقویت مهارت‌های خلاقیت علاقه دارند. امروزه روش‌های جدید آموزشی جایگزین آموزش سنتی شده است تا کارایی آموزش و خلاقیت افزایش یابد. از جمله این روش‌های آموزشی مدرن، می‌توان به روش‌های منت سوری، یادگیری مشارکتی، یادگیری فضایی، کلاس درس معکوس، خودآموزی، آموزش واک، یادگیری متقاطع اشاره کرد. با این حال روش‌های سنتی آموزش هنوز در بیشتر مدارس دنبال می‌شود. با این وجود، سیستم‌های آموزشی بخش محدودی از این قوه خلاقیت را در نظر می‌گیرند. خلاقیت معنای وسیع‌تری دارد که فراتر از قابلیت‌های هوش و حافظه ظاهری است. اما، جامعه و سیستم آموزشی بر توسعه هوش ظاهری و حافظه و نه خلاقیت تاکید دارد. هوش معنوی عامل اصلی ارتقاء خلاقیت است. بنابراین، انسان‌ها در مسیر کمال قدم بر می‌دارند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از راه‌های موثر برای افزایش خلاقیت، بیداری هوش معنوی است. به دلیل ارتباط بین هوش معنوی و خلاقیت، یکی از موثرترین روش‌ها برای افزایش خلاقیت دانش آموزان استفاده از میدان شعوری (ط) فرادرمانی به‌عنوان یک درمان کیفی بر بیداری هوش معنوی است. روش و نحوه اجرای هر چهار مرحله متوالی اجرایی را می‌توان از معلمی که در رابطه با میدان شعوری (ط) آموزش دیده و یا وب سایت تحقیقاتی کازمواینتل، کمک گرفت. به عنوان مثال، روش‌های متفاوتی برای سنین مختلف برای ایجاد حیرت و پرسیدن سوالات انگیزشی و غیره وجود دارد. این پروژه بستگی به خلاقیت معلم دارد. علاوه بر این، ترتیب چهار مرحله و ارتباط موفق بین مراحل در کلاس‌های مختلف و برای سنین مختلف، به خلاقیت معلم و میزان بیداری هوش معنوی او بستگی دارد. بنابراین معلمی که با میدان‌های شعوری (ط) آشناست؛ می‌تواند این زمینه بیداری هوش معنوی و خلاقیت را به شیوه خلاقانه تحت تاثیر میدان شعوری (ط) مدیریت کند. اثر بخشی میدان شعوری فرادرمانی بر هوش

معنوی فعال به منظور بهبود کیفیت یادگیری، شواهدی است از دانش جدید ساینس‌فکت که می‌تواند در کلاس درس به‌عنوان یک آزمایشگاه برای نشان دادن تاثیر میدان شعوری فرادرمانی در تغییر راه دستیابی به خلاقیت استفاده شود. در تحقیقات قبلی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر روی سلول‌های سرطانی [۱۳]، بیماری آلزایمر مدل سلولی و موش صحرایی [۱۴]، حافظه فضایی و رفتار اجتنابی از مدل موش صحرایی مبتلا به آلزایمر [۱۵]، گیاه گندم [۱۶]، رشد جمعیت باکتریایی [۱۷]، رشد ویروسی [۱۸] و فعالیت الکتریکی مغز در طول فرادرمانی در جمعیت فرادمانگرها [۱۹] مورد بررسی قرار گرفته است. هنوز تحقیقات بیشتری

برای تعیین تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر سطح خلاقیت در دانش آموزان مورد نیاز است. ما پیشنهاد می‌کنیم که سایر تحقیقات تاثیر میدان‌های شعوری (ط) بر سطح خلاقیت دانش‌آموزان را بررسی کنند.

تشکر و قدردانی

از خانم مهرناز منزوی، آقای محمد امینی و خانم سارا ترابی برای مشارکت در نوشتار مقاله تشکر می‌کنم.

1. Gardner, H. (1993). *Frames of mind: the theory in practice*. New York: Basic.
2. Gardner, H. (2010). *Multiple intelligences*. New York, NY: Basic Books.
3. Gardner, H. (2021). *Disciplined mind: What all students should understand*. Simon & Schuster.
4. McCuiston, D. (2017). *Leadership Intelligence – A Holistic Approach*. www.AboutLeaders.com
5. Singh, M.P. & Sinha, J. (2013). Impact of spiritual intelligence on quality of life. *International*
6. Krishnakumar, S., & Neck, C. P. (2002). The “what”, “why” and “how” of spirituality in the workplace. *Journal of managerial psychology*.
7. Ziyaaddini, M., & Zande Moghadam, R. (2013). Studying the relationship between spiritual intelligence and creativity of employees in kerman executive systems. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3(5), 110-116.
8. Pourfarokh, M. (2014). Studying of the relationship between spiritual intelligence and self-esteem with ways of stress coping styles in university students. *International Conference on Social Sciences and Humanities*. Istanbul, Turkey
9. Mishra, P. R. A. T. I. M. A., & Vashist, K. A. M. L. A. (2014). A review study of spiritual intelligence, stress and well-being of adolescents in 21st century. *International Journal of Research in Applied Natural and Social Sciences*, 2(4), 11-24.
10. Taheri, M. A (2013) *Human from another outlook* Interuniversal Press; 2nd Edition ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006
11. Taheri, M. A. (2019). Sciencefact Research Center, <https://cosmointel.com>.
12. Taheri, M. A. (2013). *Psymentology*. Baku, Ecoprint.
13. aTaheri, M. A., Semsarha, F., Mahdavi, M., Afsartala, Z., & Amani, L. (2020). The Influence of the Faradarmani Consciousness Field on the Survival and Death of MCF-7 Breast Cancer Cells: An Optimization Perspective. Available at SSRN 3705537.
14. bTaheri, M. A., Torabi, S., Nabavi, N., & Semsarha, F. (2021). Faradarmani Consciousness Field Suppresses Alzheimer’s Disease Development in Both in Vitro and in Vivo Models of The Disease.
15. cTaheri, M. A., Torabi, S., Nabavi, N., & Semsarha, F. (2021). Influence of Faradarmani Consciousness Field (FCF) on Spatial Memory and Passive Avoidance Behavior of Scopolamine Model of Alzheimer Disease in Male Wistar Rats. Available at SSRN 3761188.
16. Torabi, S., Taheri, M. A., & Semsarha, F. (2020). Alleviative effects of Fara-darmani Consciousness Field on Triticum aestivum L. under salinity stress. *F1000Research*, 9(1089), 1089.
17. dTaheri, M. A., Zarrini, G., Torabi, S., Nabavi, N., & Semsarha, F. (2021). Influence of Fara-darmani Consciousness Field on Bacterial Population Growth. *bioRxiv*.
18. aTaheri, M. A., Etemadi, M. R., Torabi, S., Nabavi, N., & Semsarha, F. (2021). Evaluation of the Influence of Faradarmani Consciousness Field on Viral Growth.
19. bTaheri, M. A., Semsarha, F., & Modarresi-Asem, F. (2020). An Investigation on the Electrical Activity of the Brain during Fara-Darmani Connection in the Fara-Therapist Population.



مقایسه تعریف هوش در روانشناسی و سایمنتولوژی

محمدعلی طاهری^۱، منیر حداد^۲، ثریا بهبودی^۳

خلاصه

سایمنتولوژی یا ذهن روانشناسی فراکلنگر، یک طب مکمل ایرانی است که توسط محمدعلی طاهری بنیانگذاری شده و ضمن اینکه ذهن و روان را از یکدیگر جدا می‌داند، نگاه بسیار کل‌نگری نسبت به انسان و جهان دارد و هدف آن شناسایی ابعاد وجودی ذهن و روان انسان و درمان مشکلات آن است. آنچه که از دیدگاه روانشناسی به ضریب هوشی (Intelligence Quotient, IQ) شناخته شده و شامل قابلیت یادگیری، محاسبه، زبان، ادراک، حافظه و استدلال است، از دیدگاه سایمنتولوژی همه این قابلیت‌ها، «عقل» یا «هوش‌ظاهری» نامیده می‌شود و به آن (Wisdom Quotient, WQ) گفته می‌شود که مصادیقی از قابلیت‌های عقل هستند. خلاقیت طبق تعریف سایمنتولوژی، «هوش باطنی» محسوب می‌شود که در همه انسان‌ها بطور بالقوه وجود دارد ولی باید به فعلیت برسد. این فعال شدن نیاز به ذوق فردی بالا برای دانستن و کشف حقایق و برخی تمهیدات مختلف دیگری دارد. بر مبنای تئوری هوش در سایمنتولوژی، هوش قابلیت خلق و ایجاد اطلاعات جدید در زمینه‌های مختلف، عقل قابلیت بکارگیری، استفاده و بهره‌برداری از هر چیزی و حافظه، قابلیت ذخیره اطلاعات و یادآوری آن می‌باشد. (Memory Quotient, MQ) یا بهره‌حافظه‌ای، قابلیت به خاطر سپاری و یادآوری وقایع و اطلاعات است که در سایمنتولوژی برخلاف روانشناسی جزء قابلیت‌های عقل محسوب نمی‌شود، ولی در ارتباط با عقل و هوش فعالیت می‌کند. مبنای آموزش و پرورش فعلی را حافظه محوری تشکیل می‌دهد که متکی به حفظ کردن مطالب می‌باشد. درحالی‌که لازم است که سیستم آموزشی «خلاقیت محور» باشد تا بتواند عامل رشد و شکوفایی انسان و جوامع بشری گردد. برای این منظور، نیاز به فعال‌سازی قابلیت‌های خلاقانه کودکان و نوجوانان می‌باشد که صرفاً از طریق حفظ کردن مطالب حاصل نمی‌شود و توانایی‌های ذهنی آنها به مرور زمان از بین می‌رود و جای آن را آموزش‌های کلیشه‌ای و خشک می‌گیرد. در این رابطه، گرچه از نظر علمی الهام‌های بشری (Intuition) عامل بروز خلاقیت شناخته شده ولی تا کنون روشی موثر برای پرورش و ارتقای آن ارائه نشده است. سایمنتولوژی می‌کوشد تا روش‌های نوینی را نیز برای دستیابی به شهود و رشد و شکوفایی دسترسی انسان به الهامات سازنده ارائه دهد.

۱. بخش تحقیق و توسعه ساینس‌فکت،
مرکز تحقیقات Cosmointel Inc.،
انتاریو، کانادا

۲. روانپزشک بیمارستان آموزشی-درمانی
فیروزگر، تهران

۳. کارشناس ارشد روانشناسی
عمومی، دانشگاه آزاد واحد قزوین، ایران

* نویسنده مسئول:

دپارتمان تحقیق و توسعه ساینس‌فکت،
مرکز تحقیقات کازمواینتل، انتاریو، کانادا.

پست الکترونیکی:
mataheriacademy@gmail.com

مقدمه

این مطالعه به بررسی نظریات مختلف در زمینه هوش، حافظه و خلاقیت و مقایسه تعاریف قبلی با نظریه سایمنتولوژی در این موضوعات می‌پردازد. پژوهش حاضر یک مطالعه مروری است که با استفاده از کلید واژه‌های هوش‌های چندگانه، هوش، عقل و حافظه، هوش باطنی و هوش ظاهری، کتب و مقاله‌های پژوهشی فارسی و انگلیسی در حوزه روانشناسی و سایمنتولوژی انجام شده است. این مقاله به بررسی نظریه‌های مختلف در زمینه هوش، حافظه و خلاقیت می‌پردازد و تعاریف آنها را با تعاریف خاص در سایمنتولوژی مقایسه می‌کند.

محمد علی طاهری پایه‌گذار سایمنتولوژی می‌باشد که یک رشته طب مکمل ایرانی است و به بررسی ابعاد وجودی ذهن و روان انسان و مشکلات آنها می‌پردازد.

میدان‌های شعوری طاهری^۱

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۲ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

در این دیدگاه، هوشمندی (T-Consciousness)، یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است. بر اساس این تئوری، میدان‌های شعوری (ط) متنوع با عملکردهای مختلفی وجود دارند که زیرمجموعه‌ی شبکه اینترنت کیهانی به نام شبکه شعور کیهانی (CCN) هستند.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

محمدعلی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کامواینتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینسفکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی (ط) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرارپذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۱).

سایمنتولوژی

از دیدگاه سایمنتولوژی، شناخت انسان نیاز به دیدی گسترده و فراکل‌نگر دارد. با این نگاه، انسان علاوه بر سنسورهای فیزیکی (حواس پنجگانه)، از سنسورهای (گیرنده‌های) ذهنی و فراذهنی نیز برخوردار است. سنسورهای فراذهنی؛ گیرنده‌های الهامی هستند و قابلیت ایجاد یعنی به وجود آوردن اطلاعاتی که وجود ندارند و دریافت آگاهی‌های خارج از ذهن را دارند. سایمنتولوژی دانش‌های تجربه شده‌ای

۱. میدان‌های شعوری که توسط طاهری معرفی شده اند بشکل میدان‌های شعوری (ط) نمایش داده می‌شوند.

۲. Taheri Consciousness Fields



را ارائه می‌دهد که می‌تواند به تعریف کاربردی و دقیقی از خلاقیت و هوش منجر شود.

از منظر سایمنتولوژی کلیه فعالیت‌های فکری شامل سه جزء هستند (۲):

- هوش (عامل ایجاد)

- عقل (قابلیت بکارگیری)

- حافظه (قابلیت بایگانی)

انسان کنونی با خلق، ایجاد و آفرینش آشنایی دارد؛ اما با کانون فعالیت‌های نرم‌افزاری خود در زمینه‌ی پردازش خلاقیت و دریافت‌های ذهنی از طریق سنسورهای فرا ذهنی آشنایی نداشته، تفسیر شفاف و روشنی از نحوه‌ی عملکرد آنها را کشف نکرده است.

در روانشناسی آن چه بهره‌ی هوشی تلقی می‌شود و با IQ نمایش داده می‌شود در سایمنتولوژی آنرا کمیت و مقدار عقل (Wisdom Quantity) یا هوش ظاهری (Apparent Intelligence) می‌نامیم.

در حالی که میزان هوش را که در واقع میزان خلاقیت و قابلیت ایجاد می‌باشد؛ هوش حقیقی (True IQ) یا هوش کیفی (کیفیت هوش، هوش بر پایه کیفیت) (Quality Intelligence) می‌نامیم که در سایمنتولوژی هوش باطنی (Inner Intelligence, IQ^T) نیز نامیده می‌شود که در واقع کمیت پذیر نبوده، بلکه کیفیتی است و نمی‌توان به آن عدد داد.

یک بخش از مغز، هوش باطنی و یک بخش هوش ظاهری را ترجمه می‌کند. در مورد افرادی که نوآوری دارند، بخشی از مغز در حال ترجمه‌ی هوش باطنی است. در عده‌ی زیادی این بخش دست نخورده باقی می‌ماند. در صورتی که انسان بتواند از هوش باطنی خود بهره‌مند گردد، انتظار می‌رود (براساس یک فرضیه در سایمنتولوژی) دیگر دچار بیماری‌هایی مانند فراموشی (آلزایمر) نشود.

روانشناسی

یافته‌ها در مورد هوش نشان می‌دهد تاکنون تعاریف زیادی

از هوش ارائه شده است. طبق تعریف بینت (۳)، هوش توانایی درک، استدلال، قضاوت و حل مسئله است. بر این اساس IQ اندازه‌گیری کمی توانایی‌های هوشی در محدوده استدلال، محاسبات ریاضی، یادگیری، به خاطر سپاری، تفکر انتزاعی، حل مسئله اطلاعات عمومی، درک روابط، درک فضایی و توانایی‌های زبانی است.

وکسلر (۴)، هوش را به عنوان توانایی فرد برای انطباق موثر با محیط خود و اقدام هدفمند تعریف کرد. طبق نظریه گاردنر (۵)، برای ارزیابی تمام قابلیت‌ها و استعدادها یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی (که معادل هوش منطقی-ریاضی است) پرداخت، بلکه انواع دیگر هوش و استعداد او شامل هوش موسیقایی، هوش درون‌فردی، هوش برون‌فردی، هوش تصویری-فضایی، هوش جسمی-حرکتی، هوش کلامی-زبانی و هوش طبیعت‌گرایانه نیز باید در نظر گرفته شود.

دانیل گلمن (۶)، هوش هیجانی EQ را تعریف کرد، هوش هیجانی به معنای درک و مدیریت کردن احساسات خود و دیگران است. هیجان بدون لحظه‌ای درنگ در انسان واکنش نشان می‌دهد و مانع واکنش آگاهانه و تحلیلی فکر می‌شود که با ارتقای هوش هیجانی این پاسخ دهی کنترل می‌گردد. هوش هیجانی علاوه بر انسان در پستانداران هم وجود دارد.

هوش معنوی SQ، نوع سومی از هوش است که اواخر قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. این هوش فقط خاص انسان است و به باورهای زیربنایی انسان در مورد معنای زندگی، درک یکپارچگی انسان و محیط پیرامون او، قابلیت الهام و شهود، نگرش کل نگر نسبت به جهان و سوالات بنیادین انسان در مورد چرایی و چگونگی خلقت او می‌پردازد (۷).

درواقع سه حوزه اصلی که هوش در آن زمینه‌ها تعریف شده است هوش عقلانی، هوش هیجانی و هوش معنوی می‌باشند.

استنلی بی کلین (۸)، در مقاله «حافظه چیست» می‌گوید: حافظه هر حالت یا فرآیندی است که از مراحل متوالی رمزگذاری، ذخیره سازی و بازیابی ناشی می‌شود. با این معیارها، حافظه یا ردپای آن را می‌توان تقریباً در هر حالت ذهنی که قادر به داشتن آن هستیم مشاهده کرد.

کلونینگر رشد سایک را عامل رشد و ارتقای شخصیت انسان می‌داند. سایک معادل SQ می‌باشد.

کیفیت هوش از دیدگاه سایمنتولوژی

از دیدگاه سایمنتولوژی (۲)، هوش یا (Intelligence Quality, IQ) قابلیت بروز خلاقیت، نوآوری و به وجود آوردن اطلاعات و چیزهایی است که از قبل وجود نداشته یا فرد از وجود آن‌ها بی‌خبر بوده است، یعنی آنچه که الهامات بشری را پدید می‌آورد و می‌تواند در خواب و بیداری نیز اتفاق بیفتد. مشخصه‌های هوش شامل موارد زیر هستند:

- هوش، ذاتی، عام و نهفته است و در نتیجه، ارثی نیست.

- هوش نیاز به بیداری و فعال سازی دارد.

- هوش، که اغلب به عنوان میزان خلاقیت توصیف می‌شود،

یک مفهوم کیفی است، بنابراین قابل اندازه‌گیری نیست.

- برخلاف عقل، هوش را نمی‌توان آموخت یا برنامه ریزی کرد

و با یادگیری نمی‌توان آن را افزایش داد. بنابراین، اگر توانایی

فردی با یادگیری افزایش یابد، تاثیر عقل است نه هوش.

در روانشناسی هوش جدا از خلاقیت در نظر گرفته می‌شود، همچنین هوش معادل توانایی‌های فکری و عقلی است و حافظه نیز جزئی از هوش می‌باشد. تعریف IQ نیز در روانشناسی و سایمنتولوژی متفاوت است بطوریکه در روانشناسی IQ ماهیتی کمی و IQ_T در سایمنتولوژی ماهیتی کیفی دارد (۲).

در سایمنتولوژی خلاقیت معمولاً بصورت فرامکان، فرازمان و فرازبان در قالب یک جرقه ذهنی ظاهر می‌شود و بروز آن زمانبر نیست. درحالی‌که تفکر عقلانی زمانبر است، درچارچوب عقل است و از کنار هم قرار دادن مجموعه‌ای از اطلاعات ایجاد می‌شود.

همچنین (MQ_T, Memory Quotient) یا بهره‌حافظه‌ای، که قابلیت به خاطر سپاری وقایع و اطلاعات است در سایمنتولوژی جزء قابلیت‌های عقل و هوش (IQ_T) محسوب نمی‌شود و نرم افزاری جداگانه است که در ارتباط با عقل و

از دیدگاه آلن بدلی (۹)، فرآیندهای فکری انسان توسط یک سیستم یکپارچه برای ذخیره و دستکاری موقت اطلاعات پشتیبانی می‌شود.

مامفورد پیشنهاد کرد که "خلاقیت شامل تولید محصولات جدید و مفید است" (۱۰).

خلاقیت به عنوان یک فرایند ذهنی تعریف شده که افراد را قادر می‌سازد تا درباره ایده‌های نوین و کاربردی فکر کنند.

درمورد خلاقیت هم مانند هوش یک تعریف واحد وجود ندارد. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی‌ها نظیر هوش، پشتکار، و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد.

آماپایل (۱۱)، مولفه‌های خلاقیت را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- داشتن مهارت در یک زمینه خاص

۲- ویژگی‌های فردی و شناختی، مانند: استقلال، ریسک پذیر بودن، داشتن دیدگاه‌های جدید در مورد مسائل، روال کار

منظم، مهارت ایده‌سازی

۳- انگیزه درونی برای اجرای کار

خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی‌های انسان است. همه علوم، تولیدات، فن‌آوری‌ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و بطور کلی اساس انواع تمدن‌ها از ابتدا تا کنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکان پذیر نیست.

کلونینگر (۱۲)، نظریه پرداز زیستی شخصیت، سه قسمت اساسی را در شکل‌گیری شخصیت انسان موثر می‌داند:

Temperament-۱ یا سرشت غریزی که در انسان همانند سایر پستانداران وجود دارد. سرشت در واقع عامل شکل‌گیری هوش هیجانی EQ می‌باشد.

Character-۲ یا ویژگی‌های شخصیتی که در طی زندگی و بدنبال آموزش محیطی در انسان شکل می‌گیرد که مرتبط با تعقل یا IQ می‌باشد.

Psych-۳ یا Intuitive Self Awareness که معادل روان یا خودآگاهی شهودی می‌باشد، عامل خردمندی (wisdom)، خلاقیت و حال خوب (wellbeing) است.



هوش فعالیت می‌کند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به تاریخ بشریت مشخص می‌شود که هوش باطنی یا بصیرت در طول تاریخ رو به کاهش گذاشته است و هرچه به مرور زمان هوش ظاهری و عقل رشد داشته است، معضلات و گرایش‌های ناهنجار و مشکل آفرین هم بیشتر شده‌اند. زیرا پرورش و توسعه عقل بدون توجه به هوش باطنی افراد جامعه منجر به برتری طلبی نسبت به دیگران، بروز هیجان‌ات کاذب، انباشت انرژی، ناآرامی درونی و عدم تعادل می‌شود.

این بی‌توانی‌ها منجر به تعریف نوع جدیدی از هوش تحت عنوان هوش هیجانی (EQ) و سپس هوش معنوی (SQ) گردید تا نقایص ذکر شده با توجه به این جنبه‌های هوش برطرف گردند اما حقیقت این است که انسان صرفاً با بکارگیری قابلیت‌های ذهنی، روانی و جسمی خود راهی به رشد و کمال نخواهد داشت بلکه شهود و بهره‌مندی از اطلاعات الهامی عامل کنترل هیجان‌ات کاذب است و پرداختن به این مسئله به عنوان امری اجتماعی و بشری باید مورد توجه لازم قرار گیرد (۲).

مبنای آموزش و پرورش فعلی را حافظه محوری تشکیل می‌دهد که متکی به حفظ کردن مطالب می‌باشد. درحالی‌که

لازم است که سیستم آموزشی خلاقیت محور باشد تا بتواند عامل رشد و شکوفایی انسان و جوامع بشری گردد. برای این منظور، نیاز به فعال سازی قابلیت‌های خلاقانه کودکان و نوجوانان می‌باشد که صرفاً از طریق حفظ کردن مطالب حاصل نمی‌شود و توانایی‌های ذهنی آنها به مرور زمان از بین می‌رود و جای آن را آموزش‌های کلیشه‌ای و خشک می‌گیرد.

اتصال ذهن انسان به هوشمندی حاکم بر هستی (CCN) روشی موثر برای ارتقای هوش و بروز ابداعات و نوآوری‌هاست درحالی‌که پرورش صرف تعقل باعث هدر رفتن ظرفیت‌های ذهنی موجود و سیستم آموزش و پرورش حافظه محور است. در این رابطه اگرچه از نظر علمی الهام‌های بشری (Intuition) عامل بروز خلاقیت شناخته شده ولی تا کنون روشی موثر برای پرورش و ارتقای آن ارائه نشده است.

سایمنتولوژی می‌کوشد تا روش‌های نوینی را نیز برای دستیابی به شهود و رشد و شکوفایی و دسترسی انسان به الهامات سازنده ارائه دهد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از خانم‌ها مهرناز منزوی و سیمین شریفی بابت همفکری و همراهیشان اعلام می‌داریم.

- 1-Taheri M. A. (2013). Human from another outlook (2nd Edition). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 2-Taheri, M. A. (2011). Psymontology. (Vol. 1). Tehran: Erfan Keyhani Publishing.
- 3-Binet, A. & Simon, T. (1916). The Development of Intelligence in Children. Baltimore, Williams & Wilkins. (Reprinted 1973, New York: Arno Press; 1983, Salem, NH: Ayer Company; First Publication: 1905).
- 4-Wechsler, D. (1958). The Measurement and Appraisal of Adult Intelligence (fourth ed.). Baltimore (MD): Williams & Witkins.
- 5-Gardner, H. (1983). Frames of Mind. New York: Basic Books.
- 6-Goleman, D. (1996). Emotional Intelligence: Why It Can Matter More Than IQ. New York: Bantam Books.
- 7-Zohar, D. (1997). Rewiring the Corporate Brain: Using the New Science to Rethink How We Structure and Lead Organizations. Oakland, CA: Berrett-Koehler Publishers.
- 8-Klein S. B. (2015). What Memory Is?. Wiley Interdisciplinary Reviews. Cognitive Science, 6(1), 1-38.
- 9-Baddeley, A.D., & Hitch, G. (1974). Working Memory. In G.H. Bower (Ed.), The Psychology of Learning and Motivation: Advances in Research and Theory (Vol. 8, pp. 47-89). New York: Academic Press.
- 10-Mumford, M. D. (2003). Where Have We Been, Where Are We Going?. Creativity Research Journal, 15(2-3), 107-120.
- 11-Amabile, T. (1983). The Social Psychology of Creativity: A Componential Conceptualization". Journal of Personality and Social Psychology, 45(2), 357-76.
- 12-Cloninger, C. R. (2008). The Psychobiological Theory of Temperament and Character: Comment on Farmer and Goldberg. Psychological Assessment, 20(3), 292-299.



محمدعلی طاهری محقق، نوآور و متفکر علم شهودی است که از بیش از ۴۰ سال پیش، به واسطه نظریه‌های متعدد خود نظیر «شبکه شعور کیهانی» و «میدان‌های شعوری (ط)»، شناخته شده است. «شعور (ط)» علاوه بر ماده و انرژی به عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده کیهان معرفی و تعریف می‌گردد و میدان‌های شعوری (ط) نیز به عنوان میدان‌های غیر مادی/غیر انرژی از آن مشتق می‌شوند. میدان‌های شعوری (ط)، میدان‌های کیفی منحصر به فردی هستند که ماهیت غیر مادی/غیر انرژی دارند، اما به شکل مستقیم بر ماده و انرژی شامل انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، مولکول، سلول و ذرات تاثیر دارند. بر همین اساس و با در نظر گرفتن این کاربرد عملی شعور (ط)، دو طب مکمل **فرادرمانی و سایمنتولوژی** بنیانگذاری و معرفی شده است. محمدعلی طاهری در سال ۲۰۲۰، علم نوین «ساینس‌فکت» را معرفی نمود که در آن از علم رایج به عنوان ابزاری برای اثبات اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی استفاده می‌شود. هر چند علم تنها می‌تواند روی ماده و انرژی مطالعه نماید، اما ساینس‌فکت و علم رایج یک نقطه مشترک دارند و آن امکان انجام آزمایش‌های مختلف تکرارپذیر در آزمایشگاه می‌باشد که ماده و انرژی تحت تاثیر میدان‌های شعوری (ط) در آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. آنچه علم ساینس‌فکت را از علم متمایز می‌نماید، بررسی و استفاده از میدان‌های شعوری (ط) است، چرا که آن‌ها صرفاً از طریق تاثیرشان بر روی دنیای ماده و انرژی و زیستی قابل شناسایی هستند و از هیچ طریق دیگری نمی‌توان آن‌ها را ردیابی نمود.

ژورنال کازمواینتل که از سال ۲۰۲۲ توسط محمدعلی طاهری تاسیس گردیده و مدیریت می‌شود، یک ژورنال کاملاً علمی است که پژوهش‌هایی معتبر در مورد میدان‌های شعوری (ط) را منتشر می‌کند. هرگونه پژوهش علمی با رعایت ضوابط اخلاقی و استانداردهای انتشار منطبق بر معیارهای ژورنال کازمواینتل و تحقیقات مربوط به شعور (ط) واجد شرایط انتشار می‌باشند. کازمواینتل برای انجام پژوهش‌های علمی در مورد میدان‌های شعوری (ط)، دستورالعمل‌هایی را مقرر نموده و در رشته‌های مختلف از جمله زیست‌شناسی، زیست‌شناسی شعوری (ط)، فیزیک، مهندسی، علم مواد، پزشکی، علوم اعصاب، روان‌شناسی و غیره نتایج را در ژورنال اختصاصی خود منتشر می‌نماید.